

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را درهم بشکنند.

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور

۱۳۹۱/۱۲/۱۶

ره‌توشه راهیان نور

متون علمی - آموزشی مبلغان
رمضان المبارک ۱۴۳۷ هـ.ق - ۱۳۹۵ هـ.ش
(ویژه خوهان)

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآورنده: توشه راهیان نور: متون علمی - آموزشی مبلغان ویژه رمضان ۱۴۳۷ هـ.ق - ۱۳۹۵ هـ.ش ویژه خواران/ نویسندگان گروهی از پژوهشگران؛ تهیه معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی.

مشخصات نشر: قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۹-۱۷۷۵-۰۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: متون علمی - آموزشی مبلغان ویژه رمضان ۱۴۳۷ هـ.ق - ۱۳۹۵ هـ.ش ویژه خواران.

موضوع: اسلام -- تبلیغات -- راهنمای آموزشی

موضوع: اسلام -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع: اسلام -- مطالب گونه‌گون

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. معاونت فرهنگی و تبلیغی

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. بوستان کتاب قم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۱۱/۶۲/۹ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۲۱۶۸۹

ره‌توشه راهیان نور «ویژه خواران»

متون علمی - آموزشی مبلغان

رمضان المبارك ۱۴۳۷ هـ.ق - ۱۳۹۵ هـ.ش

- تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- نویسندگان: گروهی از پژوهشگران
- ناظران علمی: سعید روستاآزاد، علی اکبر مؤمنی و علی‌رضا انصاری
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

گروه تأمین منابع: ۰۳۹۷-۳۷۷۴-۰۲۵ پست الکترونیکی: tabligh@dte.ir

با قدردانی از همکاری‌هایی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: مرضیه علاقه‌بند و علی‌رضا حضرتی • صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل‌پور
- کارشناس تحریریه: علی‌رضا انصاری • کارشناس بازاریابی: محمود نوراللهی
- مسئول چاپ و نشر: سیدحسین موسوی مجاب.

تمام حقوق این اثر محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن نخست	۱۳
ویژگی های زنان موفق در قرآن / حجت الاسلام والمسلمین حسین احسانی فر	۱۵
مقدمه	۱۵
موفقیت از دیدگاه قرآن	۱۵
آسیه و مریم؛ اسوه اهل ایمان	۱۶
ویژگی های زنان موفق	۱۷
۱. ایمان و هدفداری	۱۸
۲. عفاف و پاکدامنی	۲۰
آثار اجتماعی عفاف	۲۲
۳. رازداری	۲۵
رازداری حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>	۲۷
۴. تسلیم و اطاعت	۲۸
۵. راست گویی و صداقت	۲۹
۶. عبادت و نیایش	۲۹
۷. تأثیرناپذیری از محیط آلوده	۳۰

اخلاق خانواده / حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا	۳۳
مقدمه	۳۳
معنای غیرت	۳۴
جایگاه غیرت در اسلام	۳۵
۱. غیرت ورزی در خانواده	۳۷
۲. پوشش در برابر محارم	۳۹
۳. ارتباط کلامی خانواده	۴۲
نقش مادران در تربیت بزرگان دین / سیده طاہرہ موسوی	۴۹
مقدمه	۴۹
۱) تربیت دینی	۵۰
الف) شیردادن همراه با طہارت اساسی	۵۱
ب) لقمہٴ حلال	۵۳
ج) آموزش قرآن	۵۵
۲) تربیت اخلاقی	۵۶
۳) تربیت عقلانی	۵۷
الف) برانگیختن روحیہٴ کنجکاوی و پرسشگری	۵۸
ب) پرورش خلاقیت و نبوغ	۶۰
۴) تربیت اجتماعی - سیاسی	۶۲
الف) ظلم ستیزی	۶۲
ب) فن سخنوری	۶۳
نظارت مادر بر رفتار دختران / سیده معصومہ موسوی	۶۵
مقدمه	۶۵
۱. پوشش	۶۶

الف) آگاهی بخشی با بهره از استدلال	۶۶
ب) مصونیت بخشی در برابر تبلیغات ماهواره	۶۸
ج) تذکر و یادآوری	۷۰
۲. انتخاب دوست	۷۰
الف) گزارش داستان های عبرت آمیز	۷۱
ب) مهارت ارتباط کلامی	۷۳
ج) وضع قوانین گروهی برای خارج از منزل	۷۴
۳. استفاده از شبکه های اجتماعی	۷۵
الف) نظارت بر استفاده از شبکه ها	۷۵
ب) جایگزین بازی های گروهی و کامپیوتری	۷۶
ج) برنامه ریزی زمانی	۷۷
د) ارتباط دائمی	۷۷
۴. پیشگیری از ارتباط با جنس مخالف	۷۸
الف) تأمین امنیت عاطفی	۷۸
ب) بیان غیر مستقیم مطالب	۷۹
نقش زنان شاغل در خانواده / ناهیدالسادات قائم مقام فراهانی	۸۱
مقدمه	۸۱
۱) رسالت اصلی زن	۸۲
۲) اشتغال زنان از منظر قرآن و حدیث	۸۲
۳) دست آوردهای اشتغال زنان	۸۳
۴) پی آمدهای اشتغال زنان	۸۵
الف) پی آمدهای منفی اشتغال بر شخصیت زن	۸۵
ب) پی آمدهای منفی اشتغال بر وظایف خانه داری	۸۶
ج) پی آمدهای منفی اشتغال در روابط همسری	۸۷

۹۰ پی آمدهای منفی در انجام وظایف مادری
۹۱ الف) دوران بارداری و کودکی
۹۱ ۱. عدم رعایت آرامش در دوران بارداری
۹۱ ۲. کم توجهی به تغذیه نوزاد
۹۱ ۳. دوری از فرزند
۹۲ ۴. عدم مهرورزی مناسب به کودک
۹۳ ب) دوران نوجوانی و جوانی
۹۴ ۶) آداب اشتغال
۹۷ زنان و مُدگرایی / سیده مریم طباطبایی ندوشن
۹۷ مقدمه
۹۸ تعریف مد
۹۸ فرایند ایجاد و ترویج مد
۹۹ دلیل نگرانی از شیوع مدگرایی در ایران
۱۰۰ انواع مدها
۱۰۱ رابطه زیباخواهی و مدگرایی
۱۰۴ عوامل و زمینه‌های مُدگرایی
۱۰۴ ۱. عوامل فردی
۱۰۷ ۲. عوامل اجتماعی
۱۰۷ الف) ماهواره
۱۰۹ ب) ضعف تربیت اسلامی - اجتماعی
۱۰۹ شاخصه‌های مدگرایی در زنان
۱۱۰ لباس
۱۱۰ سبک آرایش
۱۱۱ عمل‌های زیبایی
۱۱۲ شیوه گفت‌وگو

۱۱۳ رواج غیبت در بین بانوان / آمنه انتصاری
۱۱۳ مقدمه
۱۱۳ تعریف غیبت
۱۱۴ نکوهش غیبت
۱۱۵ علل غیبت
۱۱۵ ۱. تجسس
۱۱۶ ۲. سوءظن
۱۱۷ ۳. حسادت
۱۱۹ ۴. کینه و دشمنی
۱۲۰ ۵. تکبر و فخرفروشی
۱۲۰ ۶. بیکاری
۱۲۱ ۷. میل به زیاد صحبت کردن
۱۲۲ ۸. هم‌رنگ شدن با دیگران
۱۲۳ ۹. شوخی و تمسخر
۱۲۴ ۱۰. واکنش شنونده غیبت
۱۲۵ ۱۱. اغوای شیطان
۱۲۵ داستان غیبت
۱۲۹ آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی / معصومه محمدی سیف
۱۲۹ مقدمه
۱۳۰ تعریفی از شبکه‌های اجتماعی
۱۳۲ آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی
۱۳۲ ۱. عمومی شدن حریم خصوصی
۱۳۳ ۲. جرایم رایانه‌ای و اینترنتی
۱۳۴ ۳. شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب

۴. ایجاد تعارض در ارزش های خانواده ۱۳۴
۵. تبلیغات ضد دینی و القای شبهات ۱۳۶
۶. انتشار مطالب قومی و افزایش تحریک پذیری قومیت ها ۱۳۷
۷. بی هویت کردن یا ایجاد هویت جدید ۱۳۷
۸. حیا زدایی ۱۳۸
۹. سوء استفاده جنسی، هرزه بینی و هرزه خوانی ۱۳۹
۱۰. انزوای عاطفی و اجتماعی ۱۴۰
۱۱. افزایش طلاق و گسست بنیان خانواده ۱۴۱
- عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن / عبدالکریم پاک نیا تبریزی ۱۴۳**
- مقدمه ۱۴۳
۱. عدم همفکری زن و شوهر ۱۴۴
- خاطره ای از امام خمینی علیه السلام ۱۴۴
۲. افشای اسرار خانواده ۱۴۵
- افشای راز پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۴۶
۳. نادیده گرفتن حقوق یکدیگر ۱۴۶
- نافرمانی از شوهر ۱۴۷
- عدم توجه به آراستگی ظاهری ۱۴۸
۴. سوء ظن ۱۵۰
- بدبینی خانم ها ۱۵۱
۵. دروغ گویی ۱۵۲
۶. خیانت ۱۵۳
۷. توقعات بیجا ۱۵۴
۸. طرح اختلاف، نزد دیگران ۱۵۵
- داوران محرم ۱۵۵

۱۵۶.....	۹. عدم توجه به زمینه‌های اختلاف
۱۵۷.....	۱۰. تنگ‌نظری در رفاه خانواده
۱۵۹.....	احکام کاربردی محرم و نامحرم / محمود اکبری
۱۵۹.....	سهل‌انگاری در احکام
۱۶۰.....	گفت‌وگوهای حرام
۱۶۰.....	لباس‌های حرام
۱۶۱.....	نگاه‌های حرام
۱۶۲.....	راه‌های محرمیت
۱۶۲.....	ازدواج و محرمیت
۱۶۲.....	شش نکته درباره‌ی حجاب
۱۶۳.....	اقسام نگاه به نامحرم
۱۶۴.....	نگاه‌های مجاز
۱۶۵.....	دوستی با نامحرم
۱۶۶.....	تماس بدنی با نامحرمان
۱۶۷.....	حدود محرمیت
۱۶۷.....	چهار نکته درباره‌ی زینت در برابر نامحرم
۱۶۸.....	نگاه‌کردن به عکس نامحرم
۱۶۹.....	اختلاط با نامحرمان
۱۷۰.....	نامحرمان فامیل و غریبه
۱۷۰.....	خلوت با نامحرم
۱۷۰.....	ارتباط تلفنی با نامحرمان
۱۷۳.....	کتابنامه

سخن نخست

زن به عنوان نیمی از پیکره اجتماع و نقش تعیین کننده‌اش در گسترش نسل انسانی، پرورش و تربیت فرزندان، تمدن‌سازی و مانند آن، همیشه مورد توجه اندیشمندان و صاحبان اندیشه بوده است. نمی‌توان در تاریخ از انسان سخن گفت، ولی از زن سخن نگفت. در طول تاریخ، زن پا به پای مرد در فراز و نشیب‌های زندگی و سازندگی مطرح است. گاه به طور مستقیم و گاه با ترغیب مردان و ایجاد انگیزه‌های لازم در آنان، نقش سازنده خود را در تاریخ انسانی نشان داده است. اگر جایگاه و منزلت زن به‌درستی شناخته شود و خود او نیز کرامت انسانی و شرافت الهی خویش را باز یابد، بر کارآمدی و ثمربخشی این ودیعه الهی افزون می‌گردد و جامعه انسانی از برکات و نتایج انسان‌ساز آن بهره‌مند خواهد شد؛ چه اینکه زن، مربی و هدایتگر جامعه به سوی ارزش‌هاست و تأثیر ژرفی در سازندگی و بالندگی آحاد اجتماع و شکوفایی استعدادهای نهفته آنان دارد. با اینکه زن همیشه در کنار مرد، در رشد و شکوفایی جوامع انسانی نقش آفرین بوده است، ولی از دیر زمان، مورد داوری‌های غیر منصفانه نیز قرار گرفته است. بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان علوم انسانی و اجتماعی یا نخواستند و یا نتوانستند، نقش حقیقی و جایگاه واقعی زن را در پیکره انسانی بشناسند.

در همین راستا، آموزه‌های اسلام، میانه‌روترین و والاترین حقوق و وظایف را برای زنان مطرح کرده است که در عمل، توانایی حل مؤثر بسیاری از مشکلات جامعه انسانی را دارا می‌باشد.

اثر پیش‌رو در راستای احیای فرهنگ و معارف بلند اسلامی در حوزه مسائل مربوط به زنان با ارائه مقالاتی چند، دست‌مایه‌های دینی و راهکارهای آموزنده و مفیدی را در این زمینه عرضه نموده است. این مجموعه مقالات عبارتند از: ویژگی‌های زنان موفق در قرآن، اخلاق در خانواده، نقش مادران در تربیت بزرگان دین، نظارت مادر بر رفتار دختران، نقش زنان شاغل در خانواده، زنان و مُدگرایی، رواج غیبت در بین بانوان، آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی، عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن، احکام کاربردی محرم و نامحرم.

گفتنی است، با توجه به ویژگی‌های خاص این اثر و اختصاصی بودن برخی مطالب عرضه‌شده در این مقالات برای بانوان، مبلّغات باید هنگام ارائه مطالب، شرایط زمانی و مکانی مخاطبان خویش را مورد دقت قرار دهند.

همچنین، از بانوان مبلّغ انتظار می‌رود، ما را از نظرات سازنده خویش مطلع نمایند تا بر کیفیت و کارآمدی مجموعه‌های بعدی افزوده شود. -
انشالله - در پایان، ضمن سپاس از نویسندگان گرامی این اثر، از تمام کسانی که در سامان‌دهی کتاب حاضر مخلصانه تلاش نمودند، به‌ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع تبلیغی، سپاسگزاری می‌نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ویژگی‌های زنان موفق در قرآن

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین احسانی‌فر*

مقدمه

یکی از ویژگی‌های طبیعی انسان، الگوگیری از «برترین‌ها و بهترین‌ها» است. خداوند برای پرورش و شکوفایی این استعداد، در بسیاری از سوره‌های قرآن، از جمله مریم، نور، تحریم، قصص، احزاب، آل عمران و نساء، به ویژگی‌های زنان موفق به عنوان الگو اشاره کرده است. در سوره تحریم، نخست دو نمونه از زنان ناموفق^۱ (همسران نوح و لوط علیهما السلام) و سپس دو نمونه از زنان موفق رابه عنوان الگوی برتر، برای همه خداپاوران در همه اعصار معرفی، و علت‌ها را نیز بیان کرده^۲ تا انسان با شناخت ویژگی‌های هر دو طیف، راه درست زیستن را بیاموزد.

موفقیت از دیدگاه قرآن

در تعریف موفقیت اختلاف وجود دارد، ولی از نگاه قرآن زنان و مردانی موفق هستند که با معرفت، مجاهدت و اخلاص، به «هدف آفرینش»، یعنی قرب

* پژوهشگر.

۱. تحریم، آیه ۱۰.

۲. تحریم، آیات ۱۱ و ۱۲.

الهی نایل شده باشند و یا با گام نهادن در مسیر «علم و معرفت»، در «رشد و تربیت» و نورافشانی در عرصه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، پیشتاز باشند و طریق سبقت و مسارعت در نیل به «هدف» و رسیدن به «رضوان الله» را در پیش گرفته باشند.^۱

اما ناموفق‌ها کسانی هستند که ظاهر و باطن‌شان و گفتار و عمل‌شان و قلب و زبان‌شان هماهنگ نیست. دروغ و نفاق و خیانت در گفتار و عمل، افشا کردن اسرار خانواده و... ویژگی‌هایی هستند که در قرآن به عنوان ویژگی‌های افراد ناموفق به آن‌ها پرداخته شده است.^۲

آسیه و مریم؛ اسوه اهل ایمان

خداوند، آسیه و مریم را دو چهره ماندگار و دو نمونه از زنان موفق معرفی می‌کند: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛^۳ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و عمل او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»

«وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتِ مِنْ الْقَانِتِينَ؛^۴ و مریم، دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.»

۱. توبه، آیه ۱۰۰ (وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ...) و مؤمنون، آیه ۵۷-۶۱.

۲. تحریم، آیات ۳ و ۴ و ۱۰.

۳. تحریم، آیه ۱۱.

۴. تحریم، آیه ۱.

خداوند در قرآن همان‌گونه که مردانی همانند ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله را الگوی ایمان معرفی کرده، در همان قرآن زنانی همانند آسیه، همسر فرعون و مریم علیها السلام را نیز الگوی افراد موفق معرفی کرده است. البته زنان موفق از نگاه قرآن، محصور به آن دو نیستند؛ بلکه زنانی همانند حضرت فاطمه علیها السلام^۱، صفورا دختر شعیب علیها السلام^۲، مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام^۳، هاجر مادر اسماعیل، دختران حضرت لوط، و همسر پیامبرانی همانند ایوب و زکریا و حزقیل، نمونه‌هایی از زنان موفق هستند که در مصحف یا قصص قرآن از آنان سخن به میان آمده است.

ویژگی‌های زنان موفق

در شأن نزول آیه ۳۵ سوره احزاب آمده است: هنگامی که اسماء بنت عمیس^۴ یا ام سلمه^۵ از نابرابری زنان با مردان شکوه کردند، خداوند این آیه را نازل فرمود و ده ویژگی از برترین ویژگی‌های زنان و مردان موفق را بیان کرد. از تدبیر در سوره‌های مریم، نور، حریم، قصص، احزاب، آل عمران و نساء، این ویژگی‌ها را برای زنان موفق می‌توان استخراج کرد: ۱. ایمان و هدفداری؛ ۲. مقام تسلیم و اطاعت؛ ۳. عفاف و پاک‌دامنی؛ ۴. شرم و حیا؛ ۵. رازداری؛ ۶. راست‌گویی و صداقت؛ ۷. عبادت و نیایش؛ ۸. تأثیرناپذیری از محیط و جامعه آلوده؛ ۹. روحیه شجاعت و قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری آرمانی بر خانواده و

۱. ر.ک: تفسیر سوره‌های کوثر و انسان، آیه مباحله و آیه تطهیر.

۲. قصص، آیه ۲۵.

۳. قصص، آیه ۱۱ و طه، آیات ۳۸-۴۰.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۱.

۵. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۰۰.

اجتماع؛ ۱۰. ظلم‌ستیزی؛ ۱۱. استقامت و پایداری؛ ۱۲. آرمان‌طلبی؛ ۱۳. تواضع و فروتنی در برابر همسر؛ ۱۴. هجرت برای فراگیری احکام الهی و فرار از گناه؛ ۱۵. پذیرش اشتباه و توبه.

بحث درباره همه ویژگی‌های زنان موفق نیاز به فرصتی دیگر دارد؛ از این رو در این مجال به بررسی چند ویژگی بسنده می‌شود:

۱. ایمان و هدفداری

از نگاه قرآن، موفقیت، امنیت و آرامش، و تحصیل هرآنچه برای فرد و اجتماع «رشد و کمال» شمرده می‌شود، تنها در سایه ایمان و هدفداری امکان‌پذیر است؛ چنان‌که خداوند در سوره صافات^۱ پس از بیان سرگذشت پنج تن از انبیاء، با تکرار جمله «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» در پایان هر سرگذشت، ریشه و عامل اصلی موفقیت آنان را «ایمان» معرفی می‌کند. در سوره تحریم نیز «ایمان» از جمله شش ویژگی مهم برترین زنان معرفی شده است؛ آنجا که خداوند به دو تن از همسران پیامبر ﷺ که حضرت را رنجاندند، می‌فرماید: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا»^۲ امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عابد، هجرت‌کننده، زنانی غیر باکره و باکره. از سویی دیگر، از نگاه قرآن ایمان در قلبی رسوخ می‌کند که «قساوت» نداشته نباشد. انسان‌های قسی‌القلب با ایمان و عطوفت و سایر کمالات انسانی فاصله زیادی دارند؛ به گونه‌ای که قرآن قساوت یهودیان را با سنگ مقایسه می‌کند و

۱. صافات، آیات ۷۵ - ۱۳۲.

۲. تحریم، آیه ۵.

می‌فرماید: «تُمْ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً...»^۱

از پس این جریان دل‌هایتان سخت شد همچون سنگ یا سخت‌تر از آن...».

بر این اساس، زنان که از «رقت قلب» بیشتری برخوردارند و سرشار از رحم و عواطف انسانی‌اند، زودتر «ایمان» در دل‌شان رسوخ می‌کند و در پاسداری از آن استوارترند. آثار ایمان و استواری زنان موفق را مردم ایران در طول دوران هشت ساله دفاع مقدس و بعد از آن مشاهده کرده‌اند که چگونه مادران و همسران شهدا عزیزترین سرمایه عمر خود را در راه خدا داده‌اند؛ اما با عمل به دستور قرآن که فرمود: «لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ»^۲ حسرت یک آه گفتن را بر دل بدخواهان گذاشته‌اند و یاد صلابت زنان صدر اسلام نظیر نسیبه را زنده کرده‌اند. نسیبه که برای خدمات پشت جبهه در اُحد حضور یافته بود، هنگامی که مشاهده کرد مردان نامرد از ترس جان پا به فرار نهاده و رسول خدا ﷺ را غریب و تنها گذاشته‌اند، ضمن ترغیب شوهر و فرزندش به مقاومت، مشک آب و وسایل پانسمان را به کناری انداخت و شمشیری برداشت و مردانه جنگید؛ عده‌ای را به جهنم فرستاد و شوهرش شهید شد و خود سیزده زخم برداشت.^۳ اگر می‌خواهید میزان تأثیر ایمان را در زنان موفق بدانید، کتاب «دا را» بخوانید تا با یک دختر شانزده ساله خرمشهری به نام سیده زهرا حسینی آشنا شوید که همدوش پدر و برادر، در دفاع از خرمشهر در برابر صدامیان مقاومت می‌کند. او پس از آن‌که در یک روز بدن‌های پاره‌پاره پدر و برادر شهیدش را با دست‌های خود در قبر می‌گذارد، همانند نسیبه خدمات پشت جبهه را رها می‌کند و همدوش سایر رزمندگان اسلحه بر دوش می‌گذارد و در خط مقدم حاضر می‌شود؛ یا کتاب من زنده‌ام اثر

۱. بقره، آیه ۷۴.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۶.

۳. المقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۶۲.

آزاده سرفراز، معصومه آباد را مطالعه کنید تا با صلابت ایمان او و سه خواهر آزاده دیگر به نام فاطمه ناهیدی، حلیمه آزموده و شمس‌بهرامی آشنا شوید.

جلوه و درخشش ایمان خالص زنان را در کربلا، در اردوگاه حسین بن علی علیه السلام در زنان بزرگواری همانند ام وهب می‌توان دید و نهایت خلوص ایمان را در زینب کبری علیها السلام ببینید که چگونه در برابر ابن زیاد ستمگر می‌ایستد و از «ایمان و جهاد» دفاع می‌کند و با وجود آن همه مصیبت، در پاسخ ابن زیاد که پرسید: کار خدا را با برادر و اهل بیت چگونه دیدی، فرمود: «ما رایتُ إلاَّ جمیلاً؛^۱ من جز خیر و زیبایی چیزی ندیدم».

۲. عفاف و پاک‌دامنی

عفت‌مداری اصلی‌ترین پایه حراست از کانون گرم خانواده و حفظ امنیت اجتماعی است. بی‌پروایی در نگاه، بی‌توجهی در نوع پوشش و پرده‌داری در روابط جنسی، زمینه را برای بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. عفت در جامعه با عفت خانواده آغاز می‌شود. به همین دلیل، عفت خانواده و جامعه در اسلام از اهمیتی ویژه برخوردار است. اسلام از یک طرف، منع و سرکوب‌گریزه جنسی را نفی کرده و به ازدواج و بهره‌وری از تمتعات جنسی فرمان می‌دهد^۲ و از طرف دیگر به عفت سفارش می‌کند^۳ و در بهره‌وری جنسی خارج شدن از حریم خانواده را محکوم کرده، می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»؛^۴ به راستی که

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵.

۲. نور، آیه ۳۲.

۳. همان، آیه ۳۳.

۴. مؤمنون، آیات ۱-۷.

مؤمنان به سعادت دست یافتند، ... آنان که دامن خود را حفظ می‌کنند، مگر از همسرانشان یا کنیزانی که مالک آنها شده‌اند، پس آنان نکوهش نمی‌شوند؛ پس کسانی که راه دیگری جز آنچه مقرر شد طلب کنند، آنان از مرز الهی گذشته‌اند».

از نگاه قرآن «زنان موفق» کسانی هستند که گوهر شرف خود را از دزدان شرف مصون نگه دارند و مجموعه حرکات، طرز راه رفتن، لباس پوشیدن، لحن سخن گفتن، و شیوه حضورشان در اجتماع آن‌چنان آمیخته با وقار و متانت است که طمع مردان ضعیف‌النفس و بیماردل را از خود قطع می‌کنند. با این نگاه است که خداوند به همسران پیامبر ﷺ - و همه زنان پیرو آن حضرت - می‌فرماید: در سخن گفتن، نرمش زنانه (حالت تحریک‌آمیز) به کار نبرید که موجب طمع بیماردلان گردد، بلکه به خوبی و شایستگی سخن بگویید؛^۱ و در مورد طرز راه رفتن توصیه می‌کند به گونه‌ای راه نروند که توجه مردان را برانگیزند.^۲ چرا قرآن کریم، مریم عَلَيْهَا السَّلَام را الگو معرفی کرده؟ چون او در جامعه‌ای گوهر عفت و پاکدامنی را پاس داشت که افزون بر انحراف عقیدتی، کارهای زشت و فحشا و روسپی‌گری رواج داشت و مُنکرات، «معروف» و معروف، «منکر» شمرده می‌شد. از این رو با آن‌که هیچ امتیازی برتر و مقدم بر ایمان نیست، خداوند نخست «عفاف» مریم را ذکر می‌کند و ارزش و عظمت آن را برجسته می‌سازد، سپس به ایمان او اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتُمْ»^۳ و [نیز] مریم دختر عمران، همو که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات

۱. احزاب، آیه ۳۳.

۲. نور، آیه ۳۱.

۳. تحریم، آیه ۱۲.

پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از اطاعت‌کنندگان بود». عفاف و مجموعه ویژگی‌هایی که در مریم وجود داشت، از او چنان شخصیتی ساخته بود که از یک سو فرشته‌ای از جانب خدا خدمت او رسید و گفت: «یا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۱ ای مریم، همانا خدا تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر تمام زنان جهان برتری بخشید» و از سویی دیگر، در بین مؤمنان آن عصر بر سر خدمتگزاری مریم دعوا و خصومت می‌شود، تا آن‌که مجبور می‌شوند مشکل را با قرعه‌کشی حل کنند و قرعه به نام یکی از پیامبران، یعنی حضرت زکریا علیه السلام می‌افتد.^۲

همچنین خداوند در بزرگداشت صفورا، دختر شعیب علیه السلام نیز تنها به شیوه راه رفتن و شرم و حیای وی که نشانه طهارت درونی و عفاف است، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»^۳ پس یکی از آن دوزن در حالی که با نهایت شرم و حیا راه می‌رفت، نزد وی آمد».

آثار اجتماعی عفاف

در اینجا بایسته است به چند نشانه و لازمه عفت و پاک‌دامنی به اختصار اشاره شود:

الف) پرهیز از اختلاط

در جامعه‌ای که زیر نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اداره می‌شد، زنان در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عبادی و حتی نظامی شرکت می‌کردند؛ اما هرگز حریم عفت و تقوا را نمی‌شکستند، بلکه با تفکیک جنسیت و پرهیز از

۱. آل عمران، آیه ۴۲.

۲. آل عمران، آیه ۴۴.

۳. قصص، آیه ۲۵.

اختلاط، این حریم را حفظ می‌کردند. این امر در ایجاد مصونیت و حفظ پاک‌دامنی به قدری مهم است که حضرت مریم علیها السلام حتی محل عبادت خود را جایی انتخاب می‌کند که در معرض دید و نگاه مردان قرار نگیرد؛ یعنی گوشه شرقی مسجدالاقصی که کمتر در معرض دید مردان بود؛ همچنین پرده‌ای آویزان می‌کند تا مردان هنگام حضور در مسجد پشت پرده قرار گیرند: «وَمَرْيَمَ أَنْكُرَ فِي الْكِتَابِ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا، فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا...»^۱ و در قرآن، از مریم یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت، و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد).»

ب) اجتناب از خلوت با نامحرم

افراد پاک‌دامن با احساس احتمال گناه به خود می‌لرزند و از عاقبت شرورآمیز آن به خدا پناه می‌برند. از این رو هنگامی که خداوند فرشته‌ای را به شکل مردی خوش‌قیافه و نیکوسیمما نزد مریم فرستاد تا هم وسیله امتحان او باشد و هم بشارت فرزندى به نام عیسی را به او بدهد،^۲ مریم علیها السلام در حالی که از ترس گناه می‌لرزید، گفت: «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا»^۳ او [به شدت ترسید و] گفت: «من از شر تو به خدای رحمان پناه می‌برم اگر باتقوا و پرهیزکاری!»

ج) شجاعت در ابراز پاک‌دامنی

ثبات شخصیت و جهت‌گیری آن به سمت کمال، نشانه کمال‌یافتگی و رشد است. انسان‌هایی که در هر جمعی خود را به رنگ آن جماعت درمی‌آورند و

۱. مریم، آیات ۱۶ و ۱۷.

۲. «ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی زیبا و بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد!» (مریم، آیه ۱۷).

۳. مریم، آیه ۱۸.

تابع مُدها و متدهای زندگی دیگران‌اند، به دلیل ضعف روحی و عُقده حقارت درونی، فاقد ثبات شخصیت و قدرت تصمیم‌گیری‌اند؛ اما انسان‌های پاک‌دامن اولاً ثبات شخصیت دارند و جهت‌گیری شخصیت آنان به سمت خدا است؛ ثانیاً، روحیه شجاعت به آنان قدرت تصمیم‌گیری می‌دهد و موجب می‌شود که ایمان، تقوا و شخصیت معنوی خود را ابراز کنند تا هم مورد تهمت قرار نگیرند و هم تبلیغ و تقویت پاک‌دامنی و معنویت‌گرایی باشد. صلابت ایمان و شجاعت روحی صفورا دختر شعیب باعث شد که در جامعه بسیار آلوده آن زمان، با حجاب و عفاف کامل در انظار حضور یابد.^۱ همچنین هنگامی که فرشته حق به حضرت مریم علیها السلام گفت: «من فرستاده پروردگار تو هستم [و آمده‌ام] تا بشارت پسری پاکیزه را به تو بدهم»؛ آن حضرت با توجه به این‌که زن، تنها از دوراه می‌تواند باردار گردد- یا از راه حلال و ازدواج مشروع و یا از راه حرام و زنا- قاطعانه پاک‌دامنی خود را اظهار، و از خود این‌گونه دفاع کرد: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام؟!»^۲

متأسفانه امروزه عفت و حیا کم‌رنگ شده است و برخی زنان، حجاب را که یکی از مصادیق مهم عفت است، رعایت نمی‌کنند و این آسیبی جدی است که حیات و سلامت جامعه را تهدید می‌کند؛ این در حالی است که برخی زنان جامعه ما در زمان کشف اجباری حجاب، برای حفظ حجاب‌شان چندین سال از خانه‌هاشان بیرون نمی‌آمدند و برخی دیگر برای حفظ حجاب خود، در برابر سربازان رضاخانی مقاومت می‌کردند. در همین رابطه دکتر محمدعلی اسلامی

۱. «پس یکی از آن دوزن در حالی که با نهایت شرم و حیا راه می‌رفت نزد وی آمد». (قصص، آیه ۲۵).

۲. مریم، آیه ۱۹ و ۲۰.

ندوشن در کتاب خاطرات، صحنه‌ای را که خود ناظر آن بوده، چنین نقل می‌کند: «زنی که از کوچه می‌گذشت و مانند همه زن‌های روستایی چادر و چارقد به سر داشت... [آن زن] توی کوچه با امنیه‌ای (مأمور) که از راه رسیده بود روبه‌رو شد و امنیه او را دنبال نمود و چارقد و چادر از سرش کشید. نزدیک به خانه کدخدای ده بودند و امنیه به خانه او می‌رفت. زن شروع کرد به گریه کردن و سرش را با سفره‌ای که در دست داشت، پوشاند. امنیه اصرار داشت که او را به مبلغی که توان پرداخت آن را نداشت جریمه کند. خواستم کمکی به او بکنم. بنابراین او را بردم به منزل کدخدا و از وی خواستم که وساطت بکند و قضیه را خاتمه دهد. کدخدا با امنیه وارد گفتگو شد و او پذیرفت که این دفعه از او نگیرد؛ منتها شرط، آن بود که زن چون خواست از خانه [کدخدا] بیرون رود، با سر برهنه از جلوی اتاق [که آن امنیه در آن حضور داشت] بگذرد. چاره‌ای نبود جز قبول. در آن لحظه جز من و کدخدا و امنیه کسی توی اتاق نبود و پنجره باز بود. زن، بی چارقد و بی چادر آمد و با سرعت گذشت. رویش را به جانب دیگر برگردانده بود. موهایش روی شانه‌اش ریخته بود... از جایی که در برابر چشم ما قرار گرفت تا جایی که از نظر گم شد، بیش از چند قدم نبود، ولی همین چند قدم گویی روی تیغه کارد راه می‌رفت. این که می‌گویند "می‌خواست زمین دهان باز کند و او را فرو برد"، در حق او صدق می‌کرد. ... هریک از موهایش بر سرش سوزنی شده بود».^۱

۳. رازداری

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲ زنان صالح و نمونه،

۱. محمدعلی اسلامی ندوشن، *خاطرات*، ج ۱، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۲. نساء، آیه ۳۴.

زنانی هستند که متواضع اند و در غیاب [همسر خود] اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند». پس کتمان سرّ، یکی از ویژگی‌های بارز زنان موفق و مؤمن است که از صفات الهی نشئت گرفته و انسان مؤمن همواره به اخلاق الهی متخلق است. در این میان، حفظ اسرار شخصی و خانوادگی خود و دیگران، یکی از فضیلت‌های اخلاقی بسیار مهم است. وجود این صفت، نشانه کمال ایمان و عقلانیت، آزادگی، امانت‌داری، آینده‌نگری و ثبات شخصیت هر انسانی است. حضرت علی علیه السلام درباره این فضیلت فرمود: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ»^۱ سینه عاقل صندوق سرّ او است». انسان عاقل هرگز گنجینه اسرار خود را در اختیار عموم قرار نمی‌دهد.

در فرهنگ اسلامی، انسان مسلمان نه تنها موظف به حفظ اسرار خویش است، بلکه وظیفه دارد اسرار دیگران را هم نزد خود نگه دارد و هرگز آن را بدون رضایت صاحبانشان افشا نکند؛ چراکه افشای راز گاهی منشأ حسد، کینه‌توزی و رقابت‌های ناسالم می‌گردد و انسان، هدف تهاجم افراد تنگ‌نظر و کینه‌توز واقع می‌شود و مصالح صاحبان راز به خطر می‌افتد؛ همچنان‌که قرآن شریف در داستان حضرت یوسف علیه السلام درباره اهمیت کتمان راز فرمود: «قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»^۲ [یعقوب] گفت ای پسرک من! [خوابت] را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند؛ زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است». از این رو قرآن یکی از ویژگی‌های مهم زنان موفق را «رازداری» معرفی کرده در مقابل، دل‌های همسران رازفاش‌کن را منحرف از حق (فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا)^۳

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۴.

۲. یوسف، آیه ۴-۵.

۳. تحریم، آیه ۴.

دانسته و آنان را «خیانتکار» و الگوی رفتاری و گفتاری کافران برشمرده است.^۱ طنطاوی، مفسر اهل سنت می‌نویسد: در این آیه، عایشه و حفصه (همسران پیامبر ﷺ) به دلیل فاش کردن راز همسرشان، مورد عتاب و ملامت خدا قرار گرفتند.^۲

رازداری حضرت فاطمه رضی الله عنها

شیخ صدوق، در کتاب شریف امالی، از عایشه روایت می‌کند که روزی حضرت فاطمه رضی الله عنها به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و پنهانی با ایشان گفت و گو کرد. وقتی درباره مضمون گفت و گویش با پیامبر از او پرسیدم، فرمود: «مَا كُنْتُ لِأُقْسِي سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ؛^۳ من راز رسول خدا را افشا نخواهم کرد».

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست

که آشنا سخن آشنا نگه دارد

زنی به نام ... با فاش کردن راز شوهرش باعث شد که او به یک سال زندان محکوم شود. او می‌گوید: من شوهرم را از جان و دل دوست داشتم؛ ولی چندی است که به من کم‌محبت شده است. این کار را کردم تا از این پس بیشتر دوستم بدارد. این خانم گردن‌بندی گران‌قیمت خواسته بود؛ ولی شوهرش زیر بار نرفت. او هم تقلب در ازدواجشان را فاش کرد تا وی به زندان بیفتد.^۴

خامشی به که ضمیر دل خویش با کسی گفتن و گفتن که مگوی
ای سلیم! آب ز سرچشمه ببند که چو پر شد، نتوان بستن جوی^۵

۱. تحریم، آیه ۱۰.

۲. طنطاوی، تفسیر الوسیط، ج ۱۴، ص ۴۶۷.

۳. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۹۵.

۴. امینی، آیین همسرداری، ص ۱۶۳.

۵. سعدی، گلستان، باب هشتم، آداب صحبت.

۴. تسلیم و اطاعت

واژه «مُسلِمات» که در چند آیه قرآن^۱ به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم زنان موفق ذکر شده، دو پیام مهم دارد:

پیام اول- تسلیم امر خدا و پیامبر ﷺ بودن. این پیام در برخی آیات^۲ با واژه «قانتات» هم ابلاغ شده: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ»^۳ پس زنان شایسته، زنان متواضع هستند». «قانت» کسی است که مطیع و تسلیم امر خدا و پیوسته به یاد خدا باشد و از او غافل نگردد. او نه برای اجابت هوای نفس خود زندگی می‌کند و نه برای جلب نظر دیگران؛ بلکه تنها اطاعت فرمان خدا سرلوحه کار و زندگی او است و توقعات و خواسته‌های خود را نیز بر مبنای خواسته‌های خدا تنظیم می‌کند. بر این اساس، زندگی خود را از اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی و مُدپرستی دور نگه می‌دارد و آن را به نمایشگاه داشته‌ها و توانایی‌های خود برای فخرفروشی و غرور تبدیل نمی‌کند و دغدغه‌اش این نمی‌شود که چگونه زندگی را بر مبنای مُد و مُدگرایی و فرهنگ تجمل‌گرایی تنظیم کند. چگونه آرایش کند؟ چه نوع و چه رنگ لباسی بپوشد؟ مُد امروزی فردا چیست؟ پرده و پُشتی و فرش و مبلمان خانه‌اش چگونه باشد؟

پیام دوم - مَدَدکار همسر بودن: «مُسلِمات» در آیه پنجم سوره تحریم به معنای زنانی است که در برابر همسر، تواضع دارند و مُعین و مددکار او هستند؛ زیرا در غیر این صورت، مفهومی این می‌شود که برخی از زنان پیامبر ﷺ مسلمان نبودند؛ چراکه صدر آیه می‌فرماید: «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ

۱. احزاب، آیه ۳۵ و تحریم، آیه ۵.

۲. احزاب، آیه ۳۵؛ نساء، آیه ۳۴؛ تحریم، آیه ۵.

۳. نساء، آیه ۳۴.

أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ؛ اگر او شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی تسلیم و متواضع). از این رو برخی نوشته‌اند: «مسلمات یعنی مستسلمات لامر النبی ﷺ و معینات؛^۱ زنانی که تسلیم امر پیامبر ﷺ و مُعین و مددکار او باشند».

۵. راست‌گویی و صداقت

قرآن در مقام تمجید از مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ او را «صدیقه» معرفی می‌کند: «وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ»^۲ مادر عیسی، زنی بسیار راست‌گو بود. صدیقه که صیغه مبالغه است، به بانویی گفته می‌شود که سر تا پا راستی و درستی است و کردارش صدق گفتارش را تأیید می‌کند. کسی که ظاهر و باطنش هماهنگ، و قلب و زبان‌ش هم‌آواز باشد. بعد از مقام نبوت، مقامی بالاتر از مقام صدق و راستی نیست و در مقابل آن، هیچ صفت زشتی بعد از کفر، بدتر از دروغ و نفاق و خیانت در سخن و عمل نیست.^۳

۶. عبادت و نیایش

یکی از ویژگی‌های زنان (و مردان) موفق آن است که از «وزانت و شخصیت» برخوردارند. از نگاه قرآن ارزش و اعتبار را تنها در سایه «عبادت و نیایش» می‌توان تحصیل کرد: «قُلْ مَا يَعْزُبُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ؛^۴ بگو اگر دعاها و عبادت‌های شما نباشد، پروردگار من عنایت و اعتنایی به شما ندارد». این

۱. سمرقندی، بحرالعلوم، ج ۳، ص ۴۶۹.

۲. مانده، آیه ۷۵.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۶۰.

۴. فرقان، آیه ۷۷.

عبادت و اتصال روحی به مبدأ آفرینش است که به انسان ارزش و اعتبار می‌بخشد و عمود خیمه زندگی مؤمنانه را برافراشته می‌کند و کانون حیات و هستی را نورانی می‌سازد،^۱ و کلید موفقیت و پیروزی، و خوشبختی و رستگاری را در دستان او می‌نهد؛^۲ زنگارها و غبارهای برگرفته از گناه و هوس‌گرایی، خودخواهی و خودمحوری را شست‌وشو می‌دهد؛ روح را تلطیف می‌کند؛ فکر و مغز را فعال می‌سازد؛ قلب را عرش خدا و محل نزول فرشتگان، و دل را مالا مال از عشق و محبت می‌گرداند. مریم که از کودکی به عبادت و نیایش علاقه داشت، مکان مخصوصی را برای عبادت برگزید تا این درس را به همگان بدهد که به عبادت و گفت‌وگو با خدا ارزش و اهمیت دهید و مکان ویژه‌ای برای آن برگزینید. خداوند نخست به حضرت مریم می‌فرماید: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است»؛^۳ سپس برای تحقق عینی و به فعلیت آوردن آن اراده و شکوفا ساختن «وزانت و شخصیت» حضرت مریم علیها السلام، فرمان عبادت و نیایش می‌دهد و می‌فرماید: «ای مریم! برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع‌کنندگان رکوع کن».^۴

۷. تأثیرناپذیری از محیط آلوده

همسر فرعون (آسیه) از آن جهت الگوی فکری و اعتقادی و رفتاری برای همه مؤمنان - نه تنها زنان - است که با وجود قرار گرفتن در کانون کفر و ظلم و فساد، از آن تأثیر نگرفت و هم‌رنگ جماعت نشد؛ بلکه به خدای یگانه ایمان آورد و

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲. «الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ». (همان)

۳. آل عمران، آیه ۴۲.

۴. آل عمران، آیه ۴۳.

تنها رنگ خدایی داشت. او اگرچه در کاخ فرعون می‌زیست، روحیه کاخ‌نشینی نداشت؛ اگرچه لذات زندگی و زمینه تحقق آرزوها و خواسته‌های عُرفی و اجتماعی در عالی‌ترین سطح برای او تأمین بود، او از همه آن فرصت‌ها و موقعیت‌ها و لذت‌ها و خواسته‌ها چشم پوشید و در برابر استکبار شوهرش ایستاد و یکی از سخت‌ترین و رنج‌آورترین شکنجه‌ها را تحمل کرد. خدای مهربان نیز با معرفی او به عنوان یکی از عالی‌ترین الگوها برای همه مؤمنان، پاداش صلابت «ایمان» و تأثیرناپذیری او را داد و نام او را نه تنها در ردیف نام مریم پاک قرار داد، بلکه نخست از او سخن گفت، سپس از مریم یاد کرد!

اخلاق خانواده

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا*

مقدمه

«خانواده» بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را برعهده دارد. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن «سکونت و آرامش» باشد، لازم است همه رفتارها و تعامل‌ها در راستای تحقق این هدف باشد.

احادیث معصومین علیهم‌السلام به خوبی نشان می‌دهند رعایت اخلاق، صرفاً امری خصوصی در زندگی شخصی نیست که تنها برای آخرت فایده داشته باشد؛ بلکه آثاری در زندگی مادی و معنوی جامعه بشری دارد که بدون آن، زندگی انسانی مفهوم خود را از دست خواهد داد. فضایل اخلاقی، نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةً وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا نَوَابَأَ وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَتَّبِعِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَأَنْهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ؛^۱ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نداشتیم، شایسته بود سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ زیرا آن‌ها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.»

* استادیار دانشگاه کاشان.

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۳.

خانواده، اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کند. کودک بسیاری از صفات و رفتارهای اخلاقی را از پدر، مادر، خواهر، برادر و کسانی که با آنها در یک خانواده زندگی می‌کند، می‌آموزد؛ پس قبل از هر چیز، باید محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا زمینه رشد و بالندگی اعضای خود را فراهم سازد.

معنای غیرت

«غیرت و حمیت» در لغت، شدت حرارت، علاقه و تعصبی است که از لطافت باطن سرچشمه گرفته و در دفاع از حریم شخصی به‌کار می‌رود.^۱ غیرت در اصطلاح علمای اخلاق، عبارت است از سعی در محافظت آن‌چه نگاه‌بانی آن لازم است. مراقبت از دین، آبرو، شرف، ناموس، اموال و اولاد که نتیجه شجاعت، بزرگی و قوت نفس و از ملکات شریف و نقاط قوت شخص است؛ مردانگی به آن تحقق می‌یابد و فاقد و بی‌مایه از آن، از جرگه مردان به دور است.^۲ کلمه‌ای که در تعریف غیرت مرد در خانواده مناسب به نظر می‌رسد، حساسیت است؛ به این معنا که غیرت، نوعی حساسیت برخاسته از مسئولیت است؛ زیرا هر کس که بر چیزی مسئولیت دارد، باید به آن حساسیت هم داشته باشد؛ بنا بر آن‌چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که غیرت، یعنی دفاع از محبوب در برابر متجاوز و واکنش در مقابل خطرهایی که معشوق و محبوب را تهدید می‌کند.

غیرت، جلوه‌های مختلفی دارد. یکی از ابعاد بسیار مهم و کلیدی آن، غیرت ناموسی است و آن، دفاع از ناموس در برابر هر چیزی است که به نحوی قصد

۱. حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، لغت «حمی».

۲. احمد نراقی، *معراج السعاده*، ص ۲۲۱.

تعرض یا لطمه زدن جسمی و روحی به همسر انسان داشته و حریم او را مورد سوء قصد قرار دهد. از نگاه دین، زن و خانواده امانتی است گران قدر و ارزشمند که خداوند به مرد سپرده و او باید با تمام وجود، از این امانت پاسداری کند. امانت‌داری شایسته همسر و خانواده، وظیفه‌ای است فطری، عقلی، اخلاقی و شرعی که در مبانی دینی، جایگاه بسیار بالایی دارد.

جایگاه غیرت در اسلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - غَيُورٌ، يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لِيُغَيِّرَ تِهَ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا؛^۱ خدای - تبارک و تعالی - غیرتمند است، انسان‌های غیور را دوست دارد و به همین دلیل، کارهای زشت آشکار و پنهان را حرام کرده است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر زنی که به خداوند بزرگ و روز قیامت ایمان دارد، زینت و آرایش خود را برای غیرشوهرش آشکار نمی‌کند و موی سر و مچ خود را نمایان نمی‌سازد و هر زنی که این کارها را برای غیرشوهرش انجام دهد، دین خود را فاسد کرده و خداوند را بر خویش خشمگین کرده است.»^۲

باز هم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشَرَةً جَمِيلَةً، وَ سَعَةً بِتَقْدِيرٍ وَ غَيْرَةً بِتَحَصُّنٍ؛^۳ مرد برای اداره منزل و خانواده خود، به سه خصلت نیاز دارد که اگر هم به‌طور طبیعی آن‌ها را نداشته باشد، باید خود را به تکلف در آن‌ها وادارد: خوش رفتاری، گشاده‌دستی سنجیده و غیرت بر حفاظت از آن‌ها.»

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۶.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶.

علی بن ابراهیم در تفسیرش می‌گوید که وقتی حضرت موسی علیه السلام خواست با دختر شعیب علیه السلام به طرف منزل پدر او برود، دختر حضرت شعیب جلو حضرت موسی راه افتاد. بر اثر وزش باد، لباس به بدن وی می‌چسبید و حجم بدن آشکار می‌شد. حضرت موسی علیه السلام به او گفت: «تو پشت سر من راه‌بیا؛ چون ما از قومی هستیم که به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم.» حضرت شعیب علیه السلام به دخترش گفت: «چگونه دانستی که او امانت‌دار است؟» دختر در جواب پدرش گفت: «او در راه از من خواست تا پشت سرش حرکت کنم و پیش رویش راه نروم.»^۱

در روایات معصومین علیهم السلام، مردان بی‌غیرتی که در برابر بی‌حجابی و بی‌بندوباری زنان خود بی‌تفاوت بوده و نه تنها از آن جلوگیری نمی‌کنند که مشوق نیز هستند، به شدت مورد مذمت واقع شده و وعده عذابی سخت به آنان داده شده است. چنانچه در روایتی آمده است:

اگر زنی بدون مراعات حریم شرعی و اخلاقی و با آرایش و زینت در معرض نامحرمان قرار گیرد و شوهرش نیز به این امر راضی باشد، زن مستوجب عقاب و عذاب الهی است و هر قدمی که برمی‌دارد، برای شوهرش خانه‌های جهنمی و آتشین بنا می‌شود.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام، از وضعیت فرهنگی جامعه زمان خود به شدت انتقاد کرده و خطاب به مردم عراق می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟»^۳ ای مردم عراق! به من خبر رسیده که زنان شما در

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

۳. همان، ج ۷۹، ص ۱۱۵.

خیابان‌ها، بازارها و معابر، شانه‌به‌شانه مردان و دوشادوش آنان در رفت و آمد هستند؟ آیا حیا نمی‌کنید (غیرت شما کجا رفته است)؟» و فرمود: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ، فَهُوَ مَنكُوسُ الْقَلْبِ؛^۱ کسی که غیرت نوزد، قلبش واژگونه (کور و بسته) است.» و قابلیت پذیرش نور الهی و نصایح دین را ندارد.

ناگفته نماند این حساسیت مرد تا زمانی از جانب بانوان نوعی دوست داشتن، محبت و حمایت تلقی می‌شود که در حد معقول باشد. اگر از راه اعتدال خارج شده و به سوی افراط و تفریط گرایش یابد، ناپسند خواهد بود و به بدگمانی منفی بدل می‌شود.

هرچند در حوزه اخلاق خانواده موضوعات مختلفی قابل طرح و بررسی است، با توجه به نیاز جامعه به طرح سه موضوع اکتفا می‌کنیم:

۱. غیرت‌ورزی در خانواده

به نظر می‌رسد بخشی از جامعه ما، تحت تأثیر تبلیغات «فردگرایانه» و «خانواده‌ستیز»، اخلاقیات را به دست فراموشی سپرده است. متأسفانه امروز در برخی از میهمانی‌ها، حدود شرعی رعایت نشده، مردان و زنان با بدترین شکل ممکن کنار هم و رودرروی یک‌دیگر می‌نشینند و برای شوهران مهم نیست که همسران‌شان چگونه و با چه کسانی نشست و برخاست می‌کنند! مرد، خود را با نگاه‌ها و ارتباطات هوس‌آلود به زنان دیگر و زن، خود را با ارتباطات با مردان نامحرم ارضا می‌کند. برخی گمان می‌کنند خنده و شوخی با نامحرم، نشان‌دهنده ادب اجتماعی و موجب تقویت روحیه مهر و محبت میان زن و شوهر است! و رفتارهای متین و حجاب همسر خود را، نشانی از عقب‌ماندگی و

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۶.

تحرّجّ وی می‌بینند و در برابر دوستان و آشنایان خود، احساس حقارت و سرشکستگی می‌کنند! به‌راستی چرا بعضی از مردان جامعه ما، هیچ حساسیتی در برابر آرایش و پوشش‌های زننده همسران، دختران و نوامیس خود ندارند؟ آیا اینان نمی‌دانند، مردانی که از چشمان خود مراقبت نمی‌کنند، چگونه و با چه نگاه لذت‌جویانه‌ای به ناموس‌شان نگاه می‌کنند؟

نگاه به تصاویر نیمه‌عریان و نیمه‌برهنه ماهواره‌ای، از عواملی است که موجب تضعیف غیرت مرد و حیای زن می‌شود. مردی که تا پیش از این، غیرتش اجازه نمی‌داد که خانواده‌اش به تماشای آن‌ها پردازد، با ورود نامبارک ماهواره به منزل و نشستن در پای فیلم‌ها و تبلیغات آن، به تدریج حساسیت خود را از دست می‌دهد و همراه اعضای خانواده، به تماشای آن‌ها می‌پردازد. چنین افرادی در توجیه کار ناشایست خود، با قیافه‌ای حق‌به‌جانب می‌گویند: «تماشای چنین صحنه‌هایی هیچ اثری در ما ایجاد نمی‌کند و نگاه به این تصاویر، برای ما کاملاً عادی است!» این افراد، متوجّه نیستند که عادی‌شدن چنین تصاویری، نشان‌دهنده آلوده‌شدن فطرت و تضعیف حیا و غیرت آن‌هاست. عادی‌شدن این تصاویر، همانند عادت‌کردن به بوی بد سیگار و هوای آلوده و یا عادت‌کردن به بوهای مشمئزکننده است. آیا اگر بوی بد سیگار برای کسی عادی شد، زبانی هم برای وی ندارد؟ آیا اگر استشمام هوای آلوده و مسموم شهر، برای شهرنشین‌ها عادی شد، آسیب ناشی از آن هم منتفی می‌گردد؟ مسلماً این‌گونه نیست!

غرب در شبکه‌های ماهواره‌ای، به ویژه در «فارسی وان» و «من و تو» به‌شدت در پی تضعیف غیرت مردان است؛ چون آن‌ها می‌دانند تا غیرت مردان باشد، عفت و حیای زن لکه‌دار نمی‌شود. «شبکه‌های فارسی‌زبان که فقط برای فارسی‌زبانان و خصوصاً ایرانی‌ها برنامه تولید و پخش می‌کنند، هم‌اکنون به بیش

از ۱۶۰ کانال رسیده‌اند؛ اما ماهواره‌هایی که در فضای ایران فعال‌اند، امکان دریافت حدود هجده هزار شبکه تلویزیونی را فراهم کرده‌اند و از این تعداد، می‌توان حدود دو هزار شبکه را با دیش‌های معمولی و کیفیت بالا دریافت کرد.^۱

«مدیرعامل شبکه فارسی‌وان (روبرت مرداک)، مهمان برنامه صدای آمریکا بود. وقتی مجری برنامه از او پرسید: «برنامه آینده شما چیست؟» او گفت: «تا سال ۲۰۲۰، کاری می‌کنیم که مردهای ایرانی خودشان زن‌های‌شان را برای نمایش دادن از خانه بیرون بفرستند.» مجری برنامه گفت: «مگر می‌شود مردهای ایرانی با آن همه غیرت، این کار را بکنند؟» مرداک گفت: «وقتی قورباغه‌ای را در آب صددرجه بیندازی، یک‌دفعه بیرون می‌پرد؛ چون خیلی داغ است؛ اما وقتی یک قورباغه را در آب خنک بیندازی، برایش خیلی خوب است و وقتی آرام‌آرام آب جوش بیاید، قورباغه با این‌که گرمش است و می‌خواهد بیرون بپرد، دیگر توانی برای بیرون پریدن ندارد. ما کاری می‌کنیم که زنان ایرانی، آرام‌آرام تا جایی پیش بروند که دیگر خودشان بدانند، راهی برای برگشت ندارند.»^۲ بنابراین باید به غیرت که عامل تحکیم خانواده است، نگاهی دوباره بیفکنیم.

۲. پوشش در برابر محارم

عده‌ای گمان می‌کنند که تنها در برابر افراد نامحرم باید حجاب را رعایت کنند! در حالی که این مسئله، دامنه گسترده‌تری را دربرمی‌گیرد و افراد خانواده و محارم را نیز شامل می‌شود. این موضوع، در برخی خانواده‌ها اهمیت چندانی ندارد و به این امر و لوازم آن، کمتر پرداخته می‌شود.

۱. جام نیوز، کد خبر: ۴۶۶۲۹۲، ۱۳۹۴/۱/۲۳.

۲. همان.

پوشش دختران در برابر محارم، از دو بُعد قابل بررسی است:

۱. از نظر حکم شرعی، پوشش دختران در برابر محارم، ضرورت ندارد و واجب نیست همه اعضای بدن خود را بپوشانند. مراجع تقلید در این باره فرموده‌اند: «مرد و زنی که با یکدیگر محرم هستند، اگر قصد لذت نداشته باشند، می‌توانند غیر از عورت، به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.»^۱
 ۲. از نظر اخلاقی که باید بگوییم هرچند براساس شرع، مقدار پوشش محارم - مانند برادر و خواهر - در منزل کمتر از مواقعی است که در مقابل نامحرم هستند، رعایت نکردن معیارهای عرفی میان محارم، می‌تواند قواعد شرعی را نیز به چالش بکشد؛ لذا شرع برای تقویت جایگاه عرف و اخلاق در خانواده و محارم، به ویژه خواهر و برادر و جنس موافق یا مخالف، نگاه با قصد لذت و مفسده‌انگیز را میان خواهر و برادر و دیگر محارم منع کرده است.
- پدر و مادر، نباید با این شعار که چهاردیواری اختیاری است و به بهانه این که همه خانواده، محرم یکدیگرند، هرگونه خواستند، بپوشند و هرچه خواستند، با هم بگویند. چگونگی معاشرت بین تک تک افراد خانواده هم باید تابع مقررات ویژه‌ای باشد. مادر و دختر خانواده، باید از پوشیدن لباس‌های کوتاه و تنگ و آرایش‌های زننده خودداری کنند. ممکن است گفته شود چه کسی نزدیک‌تر از خواهر یا برادر؟ برادر و خواهر، یعنی کسانی که از گوشت، پوست و استخوان هم‌دیگرند؛ پس در برابر آن‌ها می‌توان راحت بود. در پاسخ، به یک حدیث اشاره می‌کنیم. امام علی علیه السلام فرمودند که مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «ای رسول خدا! خواهرم موهای خود را در مقابل من باز می‌گذارد.» حضرت فرمودند: «نه (نباید این کار را انجام دهد)؛ زیرا می‌ترسم وقتی چیزی از زیبایی‌ها، موها یا

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۴۱۹، م ۲۴۳۷.

ساعد خود را برای تو نمایان کند، به گناه بیفتی.»^۱

امام علی علیه السلام گفت: «ای رسول خدا! آیا هنگام ورود بر مادرم، از او اجازه بگیرم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بله.» علی علیه السلام عرض کرد: «برای چه؟» فرمود: «آیا خوشحال می شوی مادرت را عریان ببینی؟» علی علیه السلام گفت: «خیر.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بنابراین، اجازه بگیر!»^۲

وقتی پسر خانواده‌ای می‌گوید که به خاطر پوشش مادر یا خواهرم در خانه، ذهن آرامی ندارم و آنان عامل تحریک من شده‌اند و مادر یا خواهر نیز می‌گوید که پسر خانواده، بعضی مواقع رفتاری می‌کند که احساس می‌کنیم قصد سوئی دارد، با ریشه‌یابی این رفتارها، مشخص می‌شود در بسیاری از این خانواده‌ها، مادر و دختر در مقابل پدر و پسر، پوشش‌های نامناسبی دارند و آرام‌آرام قبح پوشش نامتعارف دختر و مادر، در برابر مردان خانواده ریخته است و دیگر زشت نمی‌بیند. در نتیجه، حیا و عفت در دیدگاه آن‌ها کم‌اهمیت جلوه می‌کند و نوجوانی که همیشه مادر خود را نیمه‌عریان می‌بیند، احساس شرم نمی‌کند از این‌که خاله، دخترخاله و زن بیگانه را با همان وضع ببیند.

پوشش اطرافیان، می‌تواند در بلوغ زودرس فرزندان نقش مهمی داشته باشد. زمینه تحریک جنسی در کودکی که قبل از نوجوانی، هر روز با بدن نیمه‌عریان مادر و خواهر مواجه است و قسمت‌های برجسته آنان را می‌بیند، سریع‌تر و زیادتر است و آن‌چه را در خانواده می‌بیند، ناخودآگاه در کوچه و خیابان بر افراد دیگر منطبق می‌کند و باعث می‌شود زودتر از موعد بالغ شود.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸.

۲. همان ص ۳۸.

بعضی می‌گویند: «اگر کودک در خانواده با چنین صحنه‌هایی مواجه باشد، وقتی در مجالس و جوامع با چنین صحنه‌هایی برخورد کند، با حرص و ولع به چنین افرادی نگاه نمی‌کند.» در این جا باید پای تجربه را پیش کشید و تاریخ را مجبور به گفتن حقایق نماییم. آن وقت جواب این مسئله را خواهیم گرفت. زنان و دختران اروپا و آمریکا، سربرهنه شدند و کودکان خود را به چنین صحنه‌های عادت دادند؛ اما باز هم کودکان آن‌ها به جامعه، با نظر شهوت نگاه کردند و باز هم آمار جنایات جنسی درشت‌تر شد.

پایه‌های اساسی رشد شخصیت کودکان و نوجوانان، از طریق تقلید نهاده می‌شود و این شیوه تقلید، هم از راه شنیداری و هم از طریق بصری حاصل می‌شود؛ بنابراین رفتار مادر تأثیر فراوانی بر کودک دارد. این امر درباره پوشش نیز صدق می‌کند. اگر مادر همیشه با پوشش مناسب در مقابل فرزندان خود ظاهر شده باشد، کودک هم سعی می‌کند همان پوشش را از مادر تقلید کند و در دوران نوجوانی، با مادر همانندسازی کرده و همان شیوه مادر را انتخاب کند.

۳. ارتباط کلامی خانواده

در چندین سال پیش، بیش‌تر فرزندان اوقات خود را با مادرشان در خانه یا با پدرشان در مزرعه یا محل کار می‌گذراندند و با هم گفت‌وگو می‌کردند. اگر موانعی نیز پیش می‌آمد، آن را از سر راه برمی‌داشتند؛ از این رو، والدین قادر بودند به نیازها، آرزوها و شخصیت فرزندان‌شان پی ببرند. همچنین فرزندان وقت کافی برای شناختن بیش‌تر والدین‌شان داشتند؛ ولی امروز با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید، مانند موبایل به عرصه خانواده‌ها، والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یک‌دیگر می‌نشینند؛ بدون آن‌که با هم حرفی بزنند. متأسفانه پایین آمدن مدت گفت‌وگو بین افراد خانواده و فردیت‌گرایی، موجب

شده فاصله نسلی بیش از پیش نمایان شود! کاهش ارتباطات کلامی میان اعضای خانواده، به مرز هشدار رسیده و سلامت خانواده‌ها را تهدید می‌کند. به اعتقاد کارشناسان، اعضای یک خانواده در شبانه‌روز، باید دو تا سه ساعت با یکدیگر ارتباط عاطفی و گفت‌وگو داشته باشند؛ در حالی که اکنون این میزان، بسیار کاهش پیدا کرده است. براساس اظهارات رئیس انجمن مددکاری ایران، میانگین زمان گفت‌وگو در خانواده‌های ایرانی، پانزده دقیقه است.^۱ در چنین خانواده‌ای، چگونه می‌توان امیدوار بود که اعضا احساسات عاطفی و جامعه‌پذیری را تجربه کنند؟

از جمله عواملی که می‌تواند روزه‌روز فاصله دنیای والدین را از فرزندان‌شان بیش‌تر کند، حرف‌زدن است. بیش‌تر مشکلات و اختلافات بین والدین و دختران، از زمانی شروع می‌شود که کیمیای حرف‌زدن را از یاد ببرند و دختران، این انتظار را داشته باشند که والدین، حتی اگر ما چیزی نگوئیم، باید بدانند مشکل‌مان چیست!

ارتباط کلامی، فاصله‌ها را از بین می‌برد، گرمای عاطفی خانواده را افزایش می‌دهد و باعث دوام و قوام آن می‌شود؛ اما در صورت فقدان آن، خانواده میان‌تهی شده و مرکزیت خود را از دست می‌دهد.

روزی که وایبر، واتس‌آپ، تلگرام و غیره به زندگی‌ها وارد شدند، کمتر کسی بود که از آسیب‌های آن حرفی به میان آورد. کمی که گذشت، اولین زنگ خطر از درون خانه‌ها به صدا درآمد. فاصله بین اعضای خانواده بیش‌تر شد، دورهمی‌ها و تعامل در دنیای واقعی کاهش پیدا کرد و وابستگی‌ها به گوشی تلفن همراه زیاد و زیادتر گردید. در یک مهمانی خانوادگی یا فامیلی، همه در یک اتاق

بزرگ جمع‌اند، هیچ‌کس با دیگری حرف نمی‌زند و همه سرشان در تلفن همراهشان است؛ این یک تصویر تکراری و تکرارشونده است. عده‌ای به‌جای ارتباط کلامی، از طریق بلوتوث یا پیامک با یک‌دیگر صحبت می‌کنند. یکی برای دیگری تصویر یا متنی را ارسال می‌کند و بلافاصله جواب می‌گیرد. گاهی تمام وقت مهمانی و باهم‌بودن، به بررسی محتویات گوشی‌ها سپری می‌شود و انگار هیچ‌کس قصد ندارد از پشت هویت مجازی تلفن همراهش بیرون بیاید و درباره مسائل واقعی و ملموس کار، زندگی و روابط فامیلی و اجتماعی سخن بگوید! با ادامه این روند، باید انتظار داشت که نسل‌هایی مجازی پرورش یابند و حتی از ساده‌ترین مهارت‌های کلامی و رابطه‌ای بی‌بهره باشند.

جامعه‌شناسان، فردگرایی را اولین آسیب شبکه‌های ارتباطی می‌دانند. سردشدن روابط، دورشدن اعضای خانواده از هم، کم‌شدن سنت‌های قدیمی مثل صلۀ رحم و تغییر شیوۀ ابراز محبت، از آسیب‌های همین فردگرایی هستند. تنهایی و تنهاشدن، دور و بیگانه‌شدن از خانواده و رفتن در غاری تاریک و تودرتو، آسیبی است که نمی‌شود از کنار آن به این راحتی‌ها گذشت. بدون اغراق می‌توان گفت که نسل جدید، یک نسل معتاد است! معتاد ارتباطات و ابزارهای ارتباطاتی... وقتی یک روز گوشی را در خانه جا می‌گذاریم، تا شب حس می‌کنیم گم کرده‌ای داریم و در حالت بدتر، حس می‌کنیم یکی از اعضای بدن مان ناقص شده است! با این نقص، حتی چندساعت هم کنار نمی‌آییم و بعد از رسیدن به گوشی و وصل شدن به اینترنت، دو برابر وقت صرف می‌کنیم تا از خماری آن روز دربیاییم!

البته ما نمی‌خواهیم همه کاسه - کوزه‌ها را سر شبکه‌های اجتماعی بشکنیم. چه‌بسا افرادی که قبل از ظهور این شبکه‌ها، واقعاً حرفی برای گفتن به هم‌دیگر

نداشتند که با عضویت در آن‌ها، بحث‌های جالب، نکته‌های طنز و جوک‌هایی را پیدا می‌کنند و با هم به اشتراک می‌گذارند!

خانواده سالم، خانواده‌ای است که بتواند هر پدیده جدیدی را برای افزایش ارتباط و صمیمیت بین اعضا به خدمت بگیرد. در چنین خانواده‌ای، هر اتفاقی که می‌افتد، نمی‌تواند یک تهدید ترسناک باشد.

گاهی علت گفت‌وگوی کمتر در یک خانواده، این است که پدر و مادر نتوانسته‌اند احساس هم‌پستگی را بین اعضا به وجود آورند و افراد، احساس گسست دارند و فکر نمی‌کنند که منافع، علایق و عشق مشترکی بین آن‌هاست. تربیت خیلی از پدر و مادرها، آن‌قدر آسیب‌زاست که بچه‌ها به حرف‌زدن در این کانون، علاقه‌ای ندارند و مدام در حال فرار از آن هستند.

گاهی کم‌شدن زمان صحبت بین اعضای خانواده، نشانه بارز یک نارضایتی مزمن در زندگی خانوادگی است. وقتی فردی از موضوعی در زندگی ناخوشنود است، بارها درخواست و تلاش می‌کند که مشکلات را حل کند؛ اما طرف مقابل هیچ عکس‌العملی برای بهبود اوضاع نشان نمی‌دهد و او، کم‌کم سعی می‌کند صحبت، بحث و مجادله نکند.

بعضی از خانواده‌ها می‌گویند که ما حرفی با هم نداریم! راجع به چه چیزی با هم صحبت کنیم؟ افراد خانواده باید این مهارت را یاد بگیرند که گزارشی از عمل‌کرد روزانه‌شان بدهند؛ پدر و مادر و فرزندان، باید اتفاق‌هایی را که در طول روز بیرون از خانه برای‌شان افتاده، تعریف کنند. این کار خیلی مهم است و فواید متعددی دارد؛

مثلاً وقتی پدر یا مادر از کار خودش و سختی‌هایی که در طول روز متحمل می‌شود بگوید، فرزندان می‌فهمند که والدین بیرون از خانه با

دنیای سختی مواجه هستید، مهمانی نرفته‌اند و گردش و خوش‌گذرانی نمی‌کنند؛ بلکه کار می‌کنند تا مایحتاج زندگی را تأمین کنند. به این ترتیب، یاد می‌گیرند وقتی بزرگ شدند، آن‌ها هم تلاش کنند که دنیای مهربانی در انتظارشان نیست! از طرفی وقتی بچه‌ها، خود را ملزم بدانند که هر شب به اعضای خانواده گزارشی دهند، می‌فهمند مسئولیت‌هایی، مثلاً در حوزه تحصیلی دارند و باید به بقیه اعضای خانواده بگویند که چگونه این مسئولیت‌ها را انجام می‌دهند. این فضای گفت‌وگو، باعث می‌شود پدر و مادر در جریان آخرین وضعیت فرزندان‌شان از نظر تحصیلی، فرهنگی و هنری قرار بگیرند.

پدر و مادرها از بچه‌های‌شان بخواهند که یک خاطره خوب و یک خاطره بد آن روز را تعریف کنند. خیلی وقت‌ها در جریان همین گزارش‌ها، از اتفاق‌های بدی که برای‌شان افتاده، می‌گویند. در همین فضای گفت‌وگوست که پدر و مادر از زحمتهایی که هر یک از طرفین، آن روز کشیده باید تشکر کنند و از فرزندان‌شان بابت نمره خوبی که گرفته یا زحمتی که کشیده، هم تشکر و هم تقدیر و تحسین کنند.

در این فضا فرزندان هم یاد می‌گیرند که از پدر و مادرشان به‌خاطر زحمتهای‌شان تشکر کنند و پدر و مادر به آن‌ها یاد می‌دهند که باید قدردان باشند و قدردانی را به شکل کلامی ابراز کنند تا نسلی غیرمسئول و متوقع بارنیاوریم که هر کاری والدین برای‌شان انجام می‌دهند، وظیفه و باز هم کم بدانند. نسخه‌ای که می‌توان برای خانواده‌های ایرانی پیچید، در نظر گرفتن چنین فضای گفت‌وگویی در ساعت‌های پایانی شب است.

گاهی کم‌شدن زمان صحبت بین اعضای خانواده، به دلیل موانع ارتباط کلامی، مانند: ارزیابی منفی، انتقاد، برچسب‌زدن، احساس شکست، از بین بردن عزت نفس، تهدید، تحقیر و تنبیه، دست‌زدن، ذهن‌خوانی، مقایسه افراد با یکدیگر، نصیحت کردن و طرح سؤال‌های بی‌مورد و نامناسب است.

در هر حال، خانواده‌ها باید بازنگری کلی در سبک زندگی‌شان داشته باشند، تلاش کنند از لحظه‌لحظه زندگی و از کنار هم بودن لذت ببرند، در ثبات خانواده بکوشند و هنگام شام یا بعد از آن، زمانی هرچند کوتاه را برای گفت‌وگو اختصاص دهند.

ارزش خانواده به فضای عاطفی آن است. این فضا در گرو تعامل انسانی زوجین است و برای ایجاد فضای عاطفی، هیچ راهی جز ارتباط کلامی وجود ندارد. در واقع سوءتفاهم‌ها و برداشت‌های غلط و منفی، به علت نبود ارتباط کلامی است. تعاملات درونی اعضای خانواده که همان انس گرفتن‌ها، صله رحم و گپ‌وگفت‌های شبانه است، جایگاه ویژه‌ای در دین اسلام دارد و در روایات و احادیث، بارها به آن توصیه شده است.

دوره‌م‌نشینی‌های شبانه و طرح مسائل اعضا در جمع خانواده، از رفتارهایی است که در تربیت فرزندان، اصلاح رفتار، رفع مشکلات و کاهش استرس و افسردگی افراد خانواده تأثیر بسزایی دارد. به پدر و مادرها توصیه می‌شود که وقت زنده خود را به فرزندان اختصاص دهند و به دلیل مسائل اقتصادی، از وقت‌گذاری برای فرزندان غافل نشوند؛ چراکه انس پدر و مادر با فرزندان و حضور فیزیکی آنان در جمع خانواده، باعث می‌شود بسیاری از خلأهای عاطفی فرزندان پر شود.

البته کیفیت گفت‌وگوی والدین و فرزندان نیز بسیار مهم است. آنان باید به فکر «برد برد» باشند و سعی نکنند تنها حرف خود را بر کرسی بنشانند و اصطلاحاً، برنده قاطع گفت‌وگو باشند؛ زیرا در طرف مقابل احساسات منفی ایجاد می‌شود. نسل دیروز (والدین) احساس دانایی و باتجربگی می‌کند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیش‌رفت‌های روز است، در برابر آن‌ها واکنش نشان می‌دهد و چون از پس منطق و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه آن‌ها بر نمی‌آید، به لجبازی روی می‌آورد.

نقش مادران در تربیت بزرگان دین

سیده طاهره موسوی*

مقدمه

رسول خدا ﷺ می فرماید: «رَجِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بَرِّهِمَا؛^۱ خداوند رحمت کند پدر و مادری را که به نیکی فرزند خود کمک کنند.»
نیکی فرزند زمانی حاصل می شود که والدین در تربیت او کوشیده باشند. در این بین مادر به دلیل برقراری روابط عاطفی تر از پدر، نقش اساسی و اثرگذارتری در تربیت فرزند دارد و می تواند با به کارگیری شیوه های متناسب با دین و روان شناسی، فرزند را به گونه ای پرورش دهد که از اشخاص اندیشمند و نامدار جهان شود.

تربیت فرزند شامل ابعاد گوناگونی چون: تربیت دینی، اخلاقی، عاطفی، عقلانی و... است. بسیاری از مادران اندیشمندان و بزرگان دین، توانسته اند برای رشد و تعالی جنبه های مختلف شخصیت فرزندشان، با بهره گیری از رهنمودهای اسلامی و برنامه ریزی دقیق، ابعاد مختلف تربیتی را در پرورش

* پژوهشگر.

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.

فرزند خود به کار گیرند و موجب شکوفایی استعدادها، بروز نخبگی، بزرگی و ماندگاری نام فرزندان‌شان در طول تاریخ شوند.

این مقاله در پی بررسی نقش مادران نامداران، به‌ویژه بزرگان دین در تربیت فرزندان است.

(۱) تربیت دینی

نقش مادر در پرورش دینی و مذهبی فرزند روشن است. این نقش، دوران پیش از تولد و نیز پس از آن، یعنی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را در بر می‌گیرد.^۱ ایمان، اعتقاد، تقوا، طرز فکر و رفتار مادر، مؤلفه‌هایی است که در شکل‌گیری شخصیت فرزند بسیار مؤثر است. بین همه مؤلفه‌ها، تقوای مادر از مهم‌ترین‌هاست؛ چراکه تربیت دینی زمانی امکان‌پذیر است که مادران پرهیزکار تربیت فرزندان را عهده‌دار شوند که این امر در تأمین سعادت فرزند نیز نقش اساسی دارد. همان‌طور که بی‌تقوایی مادر در بدبختی فرزند نقشی بنیادی دارد. رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ»^۲ بدبخت در شکم مادرش بدبخت است و سعادت‌مند در شکم مادر خود سعادت‌مند! بنا بر این باید قبول کنیم که نقش مادر در تربیت دینی و اسلامی فرزند، پرهیزگاری او رأس هر امر و مورد محبت خداست و مادران باید فرزندان‌شان را با معارف الهی آشنا کنند.^۳ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ»^۴ از معارف ما آنچه برای فرزندان‌تان

۱. محمد احسانی، *مادر معمار تربیت*، مجله شمیم یاس، ش ۵۱، ص ۱۰.

۲. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۵، ص ۹.

۳. سمیرا رضایی، *تأثیر مادر در تربیت دینی فرزند*، پایان‌نامه سطح دو، ص ۲۴.

۴. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۵، ب ۸۶، ح ۴، ص ۱۹۹.

سودمند است، به آنان بیاموزید.»

شبی شیخ مفید در خواب دید که حضرت فاطمه زهرا ع، حسنین ع را نزد او آورده و می‌فرماید: «به ایشان فقه بیاموز!» صبح همان شب، مادر سیدمرتضی و سیدرضی که از قضا فاطمه نام داشت، دو پسر خردسال خود را پیش شیخ آورده و همان عبارت در خواب را گفت: «ای شیخ! ایشان پسران من اند. این‌ها را پیش تو آورده‌ام که فقه تعلیم‌شان دهی.»^۱

مادر این دو دانشمند بزرگ اسلامی، چنان تقوا و فضیلت اخلاقی و عبادی داشته که در خواب به شیخ مفید گفته می‌شود، تربیت فرزندان ایشان را برعهده بگیرد.^۲

در ذیل نمونه‌هایی از شیوه‌های تربیت دینی بزرگان از سوی مادران‌شان آمده است:

الف) شیردادن همراه با طهارت اساسی

شیر مادر در آینده‌ی فرزند نقش دارد. امام علی ع فرمود: «الرَّضَاعُ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ»^۳ شیر، سرشت آدمی را دگرگون می‌سازد.» بر همین اساس، امام باقر ع به خانواده‌ها دستور می‌دهد: «عَلَيْكُمْ بِالْوَضَاءِ مِنَ الظُّمُورَةِ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعَدِي»؛^۴ بر شما لازم است دایه‌ی پاکیزه‌ای برای شیرخوارگی کودکان خود برگزینید که شیر بر فرزند اثر می‌گذارد.» همچنین بسیار پسندیده است که مادران هنگام شیردادن فرزندان، وضو داشته باشند. رسول خاتم ع درباره‌ی تأثیر وضو فرموده‌اند: «إِنَّ

۱. محمدعلی مدرس تبریزی، *ريحانة الادب*، ج ۴، ص ۱۸۵.

۲. خدمات این دو دانشمند بزرگ اسلامی (سیدمرتضی و سیدرضی)، مرهون زحمات مادر خوش‌فکر و فرهنگ‌دوست‌شان است.

۳. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳.

۴. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۵، ص ۱۸۹.

الْعَبْدَ إِذَا تَوَضَّأَ فَغَسَلَ وَجْهَهُ تَنَاءَتْ دُنُوبُ وَجْهِهِ^۱ وقتی بنده وضو می‌گیرد و صورتش را می‌شوید، آثار گناهان از چهره‌اش زدوده می‌شود.» طبق سخن ایشان، وضو سبب نورانی شدن روح و صفای باطن می‌گردد، آثار گناه را از جوارح پاک می‌سازد و بستری مناسب برای رشد حالات معنوی در آدمی ایجاد می‌کند.^۲ مادری که پیش از شیردهی وضو می‌گیرد، این آثار معنوی را به فرزند منتقل می‌سازد. همچنین وضوگرفتن پیش از خوردن غذا، از آدابی است که مریبان الهی به انجامش تأکید کرده و آن را مایه سلامتی و افزایش رزق (مادی و معنوی) دانسته‌اند. مادر می‌تواند این عمل شایسته را به نیابت از خردسالش انجام دهد.^۳

برای نمونه مادر شیخ انصاری، هنگام شیردادن فرزندش همواره وضو می‌گرفت. وقتی پس از تبریک به مناسبت اجتهاد شیخ انصاری از چگونگی تربیت فرزندش می‌پرسند، چنین بیان می‌کند: «با زحمتی که من برای تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام نبوت هم می‌رسید تعجب نمی‌کردم؛ چه رسد به مقام اجتهاد!»^۴ مردم با شگفتی از زحمتهای ایشان می‌پرسند و باز می‌گویند: «بیان زحمتهای من برای تربیت او، از حوصله شما بیرون است؛ ولی برای نمونه می‌گویم که هرگز به او شیر ندادم، مگر این‌که با طهارت بودم و وضو داشتم.»^۵ این‌گونه است که شیخ انصاری توفیقات خود را مرهون زحمات و

۱. همان، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. مسعود بسیطی، نقش شیردهی در تربیت فرزند، درس گفتارها:

<http://www.mohammadivu.org>

۳. همان.

۴. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۳۲.

۵. شب قبل از تولد، مادرش در خواب می‌بیند که حضرت صادق علیه السلام، قرآنی مُذَهَّب به وی می‌دهد و خوابش را به «فرزند جلیل‌القدر» تعبیر می‌کند. مسلماً این رؤیایی صادق بود که باعث شد مادرش وی را هرگز بی‌وضو شیر ندهد (حاج مرتضی انصاری، زندگی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۷۷).

تلاش‌های مشفقانه و مخلصانه مادر می‌داند.^۱

ب) لقمه حلال

از نظر روان‌شناسان، غذا در شخصیت کودک تأثیر زیادی دارد. اسلام نیز تأیید کرده است که غذای سالم و حلال و حالات معنوی پدر و مادر، در روح طفل اثر دارد.^۲ کسی که تصمیم دارد فرزند صالح تربیت کند، باید از غذاهای حرام و حتی شبه‌ناک پرهیز کند.^۳ به همین دلیل خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛ ای رسولان! از غذاهای پاکیزه (حلال) تناول کنید و به نیکوکاری و اعمال صالح پردازید که من به هرچه می‌کنید آگاهم.»

لقمه حلال ارتباط مستقیمی با کسب و کار پدر خانواده دارد. در صورتی که «کسب پدر حلال باشد، شیر مادر هم حلال و به‌صورت شکر در دهان طفل نهاده می‌شود.»^۴ از این رو پدران باید برای به دست آوردن روزی حلال، حتی قبل از تشکیل خانواده دقت کنند. یکی از پدرانی که برای حلال‌بودن طعام در تمام مراحل زندگی اهمیت ویژه‌ای قائل شده است، پدر مرحوم «مقدس اردبیلی» بود که ماجرای جالبی در این باره در زندگی ایشان اتفاق افتاده است. شیخ محمد اردبیلی در اوایل زندگی، کنار تبلیغ و ارشاد به کار کشاورزی در روستای خود «نیار» مشغول بود. یک روز وقتی سرگرم زراعت بود، آب سیبی را

۱. محمدعلی کریمی‌نیا، *الگوهای تربیت اجتماعی*، رهنمودهای مهم تربیتی در قالب تمثیل و حکایت، ص ۳۶.

۲. اسماعیل صدیقی، *رازقیت خالق*، جهالت مخلوق، ص ۲۰۵.

۳. <http://abdolghaem.ir/content>.

۴. مؤمنون، آیه ۵۱.

۵. حسن حسن‌زاده آملی، *هزار و یک کلمه*، ج ۲، ص ۴۷۱.

با خود آورد و ایشان هم آن را گرفت و خورد. بلافاصله با خود گفت: «این سیب برای که بود؟ و چرا آن را خوردم؟» سپس کسی را در مزرعه به کار گمارد و از کنار آب برای پیدا کردن صاحب سیب راه افتاد. پس از مدتی، صاحب باغ را پیدا کرد و جریان را به او گفت. صاحب باغ که مرد روشن ضمیری بود، او را انسان خوبی یافت و گفت: «آیا ازدواج کرده‌ای؟» شیخ پاسخ داد: «خیر.» صاحب باغ گفت: «آب کشاورزی شما از میان باغ من می‌گذرد، سیب هم مال درختان این باغ است؛ اما آن را حلال نمی‌کنم!» هر چه ایشان اصرار نمود و حتی خواست قیمت سیب را بدهد، او قبول نکرد. سرانجام گفت: «به یک شرط حلال می‌کنم. دختری دارم که هم کور است، هم کر است و هم شل، اگر با او ازدواج کنید، حلال می‌کنم.» شیخ محمد ناگزیر قبول کرد. صاحب باغ او را به خانه برد، مجلس جشن عروسی آراست و شیخ به حجله روانه شد. وقتی تازه داماد، نوعروس را در نهایت کمال و جمال دید، پدر عروس را خواست و از او پرسید: «شما که گفتید دختر من کور، کر و شل است؛ این دختر چنان نیست!» پدر دختر اظهار داشت: «گفتم دختر من کر است؛ چون غیبت کسی را نشنیده، کور است؛ چون با دیده خود به نامحرمی ننگریسته و شل است؛ چون بدون اجازه پدر و مادر از خانه بیرون نرفته است.»^۱

ثمره ازدواج چنین مرد و زن مؤمنی، فرزندی به نام شیخ احمد مقدس اردبیلی است که در علم و تقوا زبانزد خاص و عام شد. مادر و پدر مقدس اردبیلی در زندگی خود، همواره در حلال بودن غذای خود مراقبت می‌کردند که زمینه بروز چنین کمالاتی در شیخ احمد مقدس اردبیلی شده است.^۲ بر همین

۱. محمدتقی مقدم، سرمایه سعادت و نجات، ص ۲۹-۳۱.

۲. پیام حوزه، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۱۱۸.

اساس وقتی از مادر مقدس اردبیلی سبب مقام ارجمند فرزندش را پرسیدند، گفت: «من هرگز لقمه شبه‌ناک نخوردم و قبل از شیردادن به او، وضو می‌گرفتم...»^۱

ج) آموزش قرآن

آموزش قرآن به فرزند، از جمله وظایف پدر و مادر است؛ زیرا قرآن تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را دربردارد و تلاوت آن، کلید ارتباط با خداست و تدبیر در آیات جان‌بخشش، سبب بیداری دل، شکوفایی استعداد و بروز خلاقیت در فرزند می‌شود.^۲ مادر نیز همانند پدر، مسئول آموزش قرآن به فرزند و تربیت وی است و باید به این وظیفه عمل کند.^۳

از این رو بیش‌تر مادرهای بزرگان به فرزندان‌شان خواندن قرآن را می‌آموختند و آن‌ها را براساس آموزه‌های قرآنی پرورش می‌دادند؛ برای نمونه مادر علامه جعفری، زنی باسواد بود و قرآن را به خوبی می‌خواند. او قرائت قرآن و چند درس دیگر را به فرزندش تعلیم داد. علامه بزرگوار درباره مادر گرامی‌شان چنین گفته است: «مادرم از سادات علوی و از خاندان بزرگ تبریز بود... مادرم - برخلاف پدرم - باسواد بود و جوان هم از دنیا رفت. هنگام مرگ سی‌و دو سال داشت. نخستین بار مادرم قرآن را به من یاد داد. حتی یادم می‌آید یک‌بار که به مشهد می‌رفتیم، در طول راه مادرم قرآن می‌خواند و میان راه که برای استراحت و نماز توقف کردیم، فرزندانش را دور خودش جمع کرد و یک سوره قرآن را به ما تعلیم داد.»^۴ محمدتقی، چنان خوب قرائت قرآن را از مادرش فراگرفته بود که

۱. احمد بن عبدالله، *وفیات العلماء*، ص ۷۱.

۲. حسین رضائیان بی‌لندی، *رسانه و نقش والدین در تربیت فرزندان*، ص ۶۵.

۳. محمد احسانی، *نقش مادران در تربیت دینی فرزندان*. مجله شمیم یاس.

۴. ماهنامه جامعه، «گفت‌وگو با خانواده علامه جعفری»، ش ۱۴، ص ۲۲.

وقتی در شش سالگی به مدرسه رفت، مدیر پس از شنیدن قرائت قرآن او، لبخندی زد و گفت: «بارک‌الله! خیلی خوب خواندی! نیازی به درس‌های کلاس اول و دوم نداری؛ از فردا به کلاس سوم برو!»^۱

انس با قرآن آینده‌فرزند را تغییر می‌دهد و آموزش آن وظیفه‌ای بر پدر و مادر است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»^۲؛ حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو بر او گذارند، ادب بیاموزند و آموزش قرآنش دهند.»

در این روایت، پدر مسئول شده و حقوق یاد شده برعهده او گذاشته شده است؛ ولی این وظیفه به او منحصر نیست و همان‌طور که گفته شد، مادر نیز در قبال آموزش و تربیت فرزند مسئولیت دارد.^۳

خداوند منان نیز در برابر انجام این وظیفه متعالی در روز قیامت، به پدر و مادر پاداش ویژه‌ای می‌دهد و می‌فرماید: «مَنْ عَلَّمَ وَلَدًا لَهُ الْقُرْآنَ قَلَّدَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقِلَادَةٍ يُعْجَبُ مِنْهُ الْأُولُونَ وَالْآخِرُونَ»^۴؛ هر که فرزند خود را قرآن بیاموزد، خدا در روز قیامت حلقه افتخاری بر گردن او آویزد که باعث حیرت اولین و آخرین شود.»

۲) تربیت اخلاقی

یکی از موضوعات مهم در تعلیم و تربیت انسان، پرورش جنبه اخلاقی و تأمین نیازهای روحی فرد است. نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزند بر همگان روشن

۱. محمد ناصری، علامه جعفری، ص ۱۰.

۲. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۷۲۴، ح ۳۹۹.

۳. خطاب‌های مطلق در آیات و روایات، اگرچه در صیغه مذکر باشد، زن و مرد را دربرمی‌گیرد و بسیاری از تکالیف مشترک به همین شکل در قرآن و سنت بیان شده است.

۴. ابن ابی‌الدنیا، کتاب العیال، ج ۱، ص ۴۷۸.

است؛ زیرا مادر، مهم‌ترین و نخستین الگوی رفتاری و اخلاقی فرزند است. فرزند به دلیل علاقه و اعتماد به مادر و درست دانستن رفتارهایش به صورت ناخودآگاه، از او الگوبرداری یا تقلید می‌کند و می‌کوشد حرکات و رفتار خود را با مادر هماهنگ سازد.^۱ در واقع تصویرهای ذهنی، در خزانه ذهن فرزند انباشته می‌شود و به تدریج، در رفتار او ظهور و بروز می‌کند. مادر با رفتار پسندیده خود، انسان را می‌پروراند. وی می‌تواند درس تقوا و خداترسی به فرزند بیاموزد و از کودکی ضعیف و ناتوان، شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد و تحویل جامعه دهد؛^۲ از این رو مادر می‌تواند با بهره از ارتباط عمیق روحی و عاطفی خود با کودک، ارزش‌های اخلاقی را به صورت ناخودآگاه به وی آموزش دهد.

۳) تربیت عقلانی

خداوند در قرآن کریم تربیت عقلانی را مورد تأکید قرار داده است. «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۳ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد، شاید اندیشه کنید. «پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عقل را ارزشمندترین موهبت الهی می‌داند^۴ که با آن می‌توان صاحب اندیشه شد. امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَدَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ»^۵ برای هر چیز نشانه‌ای است و نشانه عقل، تفکر است.»

از نظر اسلام، تربیت عقلانی «فرآیند رشد و شکوفاسازی ظرفیت‌های

۱. علی اکبر شعاری نژاد، روان‌شناسی رشد، ص ۱۹۳.

۲. عبدالکریم پاک‌نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، صص ۱۶ و ۱۷.

۳. بقره، آیه ۲۴۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۲.

۵. همان.

اکتسابی ذهنی و ارزش‌های عقلی نظری و عملی»^۱ فرزند است (با هدف ایجاد تکامل و اعتدال در امور دنیوی و اخروی) که منجر به ژرف‌اندیشی، خلاقیت، نوآوری و... خواهد شد. اگر به مسئله پرورش عقلانی - که با آن، فرزند می‌تواند مسائل خودش را شناسایی و حل کند - توجه نشود، برنامه تربیتی به نتیجه و هدف نخواهد رسید. رویکرد عقلانی در تربیت فرزند، باید برای مبنای فرآیند تربیت از سوی والدین مورد توجه قرار گیرد.^۲

مادران، در تربیت عقلانی فرزندان‌شان نقش بسزایی دارند که شیوه اجرای فرآیند تربیت عقلانی باید مورد توجه آنان قرار گیرد. در پیش گرفتن روش مناسب با روحیات فرزند، برای تسهیل فرآیند شکوفاسازی نیروی اندیشه و تعقل فرزندان بسیار اثرگذار است.^۳ از جمله روش‌های مؤثر در تربیت عقلانی، آموزش تفکر و پرورش عقل، بهره از تکنیک‌های جهت‌دهنده به سوی تفکر (طرح پرسش)، آموزش تفکر خلاق، تجربه‌اندوزی و... است که مادران دانشمندانی، چون انشتین و ادیسون از چنین شیوه‌هایی در تربیت فرزند خود بهره برده‌اند. بدین ترتیب هدف اصلی مادران در تربیت عقلانی، باید تربیت انسان‌هایی کاشف و نوآور باشد.

الف) برانگیختن روحیه کنجکاوی و پرسش‌گری

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَنَّ هَذَا الْعِلْمَ عَلَيْهِ قُفْلٌ وَ مِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ؛^۴ بر این علم قفلی نهاده شده و کلید آن پرسش است.»

۱. ابوالفضل ساجدی، مفهوم تربیت عقلانی در سبک اسلامی تربیت دینی، مجله معارف، ش ۹۷، ص ۲۴.
۲. محبوبه جمشیدی کوهساری و دیگران، تأکید بر تربیت عقلانی؛ گامی اساسی در تربیت دینی، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی.
۳. محمد احسانی، مادر معمار تربیت، مجله شمیم یاس، ص ۱۰.
۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۶۴.

جهت‌دهی ذهن کودک به‌سوی پرسش، موجب آشنایی با اندیشه‌ی درست و پیوستگی تفکر به‌صورت عادت می‌شود. با این کار، فکر ضمن فعالیت و پرهیز از ساده‌اندیشی، به مشکل‌گشایی می‌پردازد. قرآن به انسان سفارش کرده است که از این توانایی، بیش‌ترین استفاده را ببرد؛ زیرا سبب باروری و تکامل عقل می‌شود^۱ و نیز به گفته‌ی امام علی علیه السلام به بروز آگاهی منجر می‌گردد؛^۲ از این رو این مادران هستند که باید روحیه‌ی پرسش‌گری را از دوران کودکی در ذهن فرزند نهادینه کنند که از راه‌های ایجاد ابتکار در فرزندان، بارور کردن پرسش و برانگیختن حس کنجکاوی آنان است. «پرسش‌گری علاوه بر افزایش توان‌مندی ذهنی کودکان، موجب مهیج و مفرح شدن یادگیری برای آن‌ها نیز می‌شود. کودکان از طریق پرسش، نقش فعال بیش‌تری در تفکر خلاق و ارائه‌ی استدلال پیدا می‌کنند.»^۳

بسیاری از مادران با تحریک حس کنجکاوی فرزند برای توجه به محیط پیرامون و کاوشگری در آن، پویایی ذهن را به فرزند آموزش داده‌اند. یکی از این مادران مادر انشتین است. انشتین در پاسخ به عامل مهم در ارائه‌ی «نظریه‌ی نسبیت» می‌گوید: «مادرم موجب کشف نظریه‌ی قانون نسبیت شده است؛ زیرا وقتی از مدرسه بازمی‌گشتم، می‌پرسید که امروز چه سؤال زیبایی از معلم خود پرسیدی؟ من نیز سعی می‌کردم برای این که پاسخ مادر خود را به‌خوبی بدهم،

۱. محبوبه جمشیدی کوهساری و دیگران، تأکید بر تربیت عقلانی؛ گامی اساسی در تربیت دینی، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی.

۲. «مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا تَعَلَّمَ اتَّقَنَ عِلْمَهُ وَفَهِمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ؛ هر کس در آن‌چه می‌داند، بسیار بیندیشد، ضمن اتقان و استحکام‌بخشی به آگاهی‌های خود، از آن‌چه خبر ندارد، آگاه می‌شود (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۱۶).»

3. <http://www.thinkingacademy.org>.

هر روز سؤال خوبی از معلم می‌پرسیدم و از این طریق، سؤالات من به فضا و کهکشان‌ها رسید.^۱

اشتیاق مادر انشتین برای پرسیدن، باعث برانگیختن بیش‌تر حس کنجکاوی، جذاب‌شدن تفکر و درنهایت سیال‌سازی ذهن فرزندش شده است؛ بدین ترتیب او با فراهم آوردن زمینه‌های تفکر به‌صورت غیرمستقیم، پرسش‌های فرزندش را به یک پروژه تحقیقاتی - علمی، بدل می‌کند و به‌صورت ناخودآگاه او را با قانون علیت، آشنا و علاقه یافتن علت و معلول‌ها و رفع نیازها را در او بارور می‌کند.

ب) پرورش خلاقیت و نبوغ

همان‌طور که گفته شد از روش‌های مؤثر در تربیت عقلانی، آموزش تفکر خلاق، پرورش عقل و تجربه‌اندوزی است که مادر ادیسون هم، تمامی این شیوه‌ها را در تربیت وی به کار گرفته است.

درباره او نوشته‌اند که یک روز وقتی به خانه برگشت، یادداشتی به مادرش داد و گفت: «این را آموزگارم داد و گفت فقط مادرت بخواند...» مادرش در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت: «معلمت نوشته که فرزند شما یک نابغه و این مدرسه برای او کوچک است. آموزش او را خود برعهده بگیرید...» سال‌ها گذشت و مادرش از دنیا رفت. روزی ادیسون - که اکنون از بزرگ‌ترین مخترع قرن بود - در گنجۀ خانه وسایل قدیمی‌اش را مرتب و خاطراتش را مرور می‌کرد که کاغذی در شکاف دیوار، او را کنجکاو کرد... آن را درآورد و خواند؛ همان نامه آموزگارش بود و داخلش نوشته بود: «کودک شما کودن و خنگ است؛ از فردا او را به مدرسه راه نمی‌دهیم.» ادیسون ساعت‌ها گریست و در

۱. دنیل اسمیت، چه‌طور مثل انشتین فکرکنیم، ترجمۀ سیامک دشتی، ص ۵۶.

خاطراتش نوشت: «توماس آلو ادیسون کودک کودنی بود که از سوی یک مادر قهرمان به یک نابغه بدل شد!»^۱

وقتی معلم اجازه نداد ادیسون به مدرسه برود، مادرش با به‌کارگیری خلاقیت (مهارت در حل مشکلات) آموزش ادیسون را برعهده گرفت و با بهره‌گیری از مهارت‌های آموزشی هدف‌مند، طرح «پرسش‌ها و تفکر واگرا»^۲ تنوع منابع درسی و عدم محصور کردن ذهن فرزندش به دانسته‌های محدود، همراه با تکنیک‌های ترغیب به درس و سخت‌گیرانه، موجب پرورش عقل و اندیشه در ادیسون شد. مادر ادیسون در روش آموزشی خود، تنها دنیال انتقال اطلاعات به فرزندش نبوده؛ بلکه با شوق و عاطفه مادرانه، موجب ترغیب وی به تفکر شده و یافتن مشکلات و اختراع ابزار حل مشکلات را به وی آموزش داده است. «به عبارت دیگر مادرش علاوه بر پرورش اندیشه، به تقویت انگیزه از طریق تربیت عاطفی پرداخته است.»^۳

افراد برای بروز استعدادهاى نهفته در وجودشان و هدایت و پی‌گیری آن‌ها، در به‌کارگیری اندیشه و تفکر، به فراهم شدن شرایط برای آزادی عمل و تجربه‌اندوزی نیاز دارند. علی‌علیه در این باره می‌فرماید: «الْعَقْلُ عَقْلَانِ، عَقْلُ الطَّبِيعِ وَ عَقْلُ التَّجْرِيبَةِ وَ كِلَاهُمَا يُؤَدِّي إِلَى الْمَنْفَعَةِ؛^۴ عقل دو گونه است، عقل طبیعی - که به صورت استعداد است - و دیگری عقلی است که با تجربه به دست می‌آید و هر دو به بهره‌وری می‌انجامند.»

۱. اکبر مرتضی‌پور، شرح حال توماس ادیسون، ص ۱۰.

۲. در تفکر واگرا، برای مسائل جواب قطعی وجود نداشته، تغییر مسیر در حل مسائل مجاز بوده و تعداد زیادی جواب وجود دارد که از لحاظ منطقی درست‌اند.

۳. ابوالفضل ساجدی، مفهوم تربیت عقلانی در سبک اسلامی تربیت دینی، مجله معارف، ش ۹۷، ص ۲۴ و ۲۵.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۱۱۶.

۴) تربیت اجتماعی - سیاسی

با توجه به پیچیده‌تر شدن اجتماعات در جهان امروز، مادران باید فرزندان خود را مطابق ضرورت‌های ارتباطی جامعه تربیت کنند؛ چراکه افراد با ارتقای مهارت‌های اجتماعی، نه تنها مشکلات خود، بلکه مسائل و مشکلات جامعه را نیز حل می‌کنند. راه‌های زیادی برای تربیت اجتماعی وجود دارد که یکی از بهترین آن‌ها تربیت اجتماعی، ارائه الگوی مناسب و شایسته است؛ برای این‌که فرآیند تربیت اجتماعی آسان شود، مادر باید با رفتارش، الگوی اجتماعی مناسبی برای فرزند ترسیم کند تا او بتواند - ضمن ارتباط عاطفی - آن‌ها را فراگیرد.^۱

الف) ظلم‌ستیزی

لازمه اثرگذاری بر اجتماع، صلابت، ابرام، پایداری، حق‌طلبی، کیاست و... است که مادر باید با رفتار خود، به‌صورت غیرمستقیم فرزندش را براساس چنین ویژگی‌هایی تربیت کند. برای نمونه مادر امام خمینی علیه السلام با تدبیرهای خود، روحیه حق‌خواهی، مبارزه و ظلم‌ستیزی را به حضرت امام علیه السلام آموزش داده است. وی (هاجرخانم) از زنان برجسته و منصوب به خاندان علما در منطقه خود بودند. او پس از شهادت همسرش، با روح‌الله که کودکی خردسال بود - همراه عمه - به تهران رفتند و با عین‌الدوله، صدر اعظم مظفرالدین‌شاه دیدار کردند. بانوصاحب (عمه) و بانوهاجر در حضور مظفرالدین‌شاه، سخنانی در دفاع از خون شهیدشان و اصرار بر قصاص قاتل وی داشتند که درنهایت با پی‌گیری‌های مداوم، شاه و صدراعظم مجبور شدند، دستور قصاص قاتلان سیدمصطفی را

۱. علی قانمی امیری، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، ص ۲۶۴.

صادر کنند. پس از مدتی قاتل را به حکم دولت وقت، در قلعه یوجان (دو فرسخی خمین) دستگیر کرده، به زندان تهران انتقال داده و در میدان توپخانه به حکم علما و مجتهدان عصر قصاص کردند.^۱ روحیه حق طلبی مادر امام، از همان کودکی چنان در شخصیت ایشان متجلی شد که بعدها در دفاع همه جانبه وی از مستضعفان و مردم مظلوم، یکی از خدشه ناپذیرترین اصول مبارزاتی ایشان جلوه گر شد.

ب) فن سخنوری

فرد برای پیوستن به اجتماع و پیش برد اهدافش، علاوه بر علم و دانش، به مهارت برقراری ارتباط نیازمند است. به این ترتیب مادر در تربیت فرزند، باید زمینه ای فراهم کند تا دانشی که فرزند می آموزد، همراه یادگیری مهارت های اجتماعی پیش رود. آموختن دانش باید با یادگیری علم بیان، یعنی فن بیان و سخنوری همراه باشد؛^۲ زیرا برخورداری از هوش اجتماعی و آداب سخنوری برای برقراری رابطه با اجتماع، درخواست یاری از اطرافیان برای پیش برد اهداف، حل مشکلات و ارتقای سطح فهم عمومی جامعه ضروری است؛ از این رو «مشارکت های عمومی، سیاسی و اجتماعی جایگاه فوق العاده ای در قرآن دارد.»^۳

بنا بر ضرورت، مادران در اصل تربیت اجتماعی باید با رفتار و گفتار خود، هنر گفت و گو، برقراری ارتباط و تکنیک های جذب مخاطب (بهره مندی از آیات

۱. علی ربانی خلخالی، *شهدای روحانیت شیعه در یک صد سال اخیر*، ج ۱، ص ۱۱ و *خاطرات آیت الله پسنده*، ص ۲۸ و ۲۹.

۲. امانوئل کانت، *اندیشه های درباره آموزش و پرورش*، ترجمه دکتر غلامحسین شکوهی، ص ۶۹.

۳. اکبر آقامحمدی، *ابعاد تربیت در قرآن* <http://www.markazfeqhi.com/tafsir/news>

و روایات، تمثیل‌ها و اشعار پرتکرار شاعران در فرهنگ عامه) را با رفتارهای خویش به صورت غیر مستقیم آموزش دهند؛ در واقع به گونه‌ای رفتار کنند که فرزندان از آن‌ها الگوبرداری کنند.

نظارت مادر بر رفتار دختران

سیده معصومه موسوی*

مقدمه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «مَنْ كَانَتْ لَهَا ابْنَةٌ فَأَدَّبَهَا وَأَحْسَنَ أَدَبَهَا، وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا؛ فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعْمِ اللَّهِ الَّتِي أَسْبَغَ عَلَيْهَا، كَانَتْ لَهَا مَنَعَةٌ وَسِئْرًا مِنَ النَّارِ»^۱ هرکس دختری داشت و به بهترین صورت او را تعلیم و تربیت نمود و همچنین از نعمت‌هایی که خداوند بر او ارزانی داشته، بهره‌مندش ساخت، در برابر آتش جهنم برای خود سپری فراهم ساخته است».

یکی از اصول تربیتی، نظارت بر رفتار فرزند است؛ به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی که دختر، بیشتر تحت تأثیر احساسات قرار دارد و شخصیت و هویت وی در حال شکل‌گیری است.

مادران باید با توجه به اهمیت و اولویت مسائل و رفتارهای دختران، همچنین ویژگی‌های هر نسل، شیوه‌های نظارتی کارآمد و مطابق با رفتار آن نسل را به کار گیرند. البته نظارت مادر بر رفتار دختران محورهای متعددی دارد، اما در این نوشتار، به سه محور، اشاره می‌کنیم:

* پژوهشگر.

۱. محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۴۰۳.

۱. پوشش

به فرمایش امام صادق علیه السلام لباس ظاهر، نعمتی از سوی خداوند است که بنی‌آدم با آن، خود را می‌پوشانند. پوشش، هدیه خدا برای پنهان کردن زشتی‌ها و زیبا شدن است.^۱ خداوندی که عیب‌پوش و زیبایی‌طلب است، برای بندگان، لباس آفریده تا به وسیله آن، زشتی خود را بپوشانند و زیبا و آراسته گردند. پوشش زمانی زیباست که علاوه بر چشم‌نواز بودن، صاحب پوشش و بیننده را از فجور و فساد دور کرده، به معنویت و پاکی سوق دهد. پوشش‌های نامناسب، موردپسند دین نیست.^۲ به همین دلیل خانواده‌ها، به ویژه مادران باید بر پوشش و حجاب دختران خود نظارت کنند. امروزه القانات رسانه‌های غربی، تهاجم فرهنگی و... باعث شده در جامعه الگوهای نامناسب پوشش رواج یابد؛ به ویژه برای دخترانی که به سن نوجوانی می‌رسند. مادران وظیفه دارند با نظارت بر رفتار دختران و استفاده از روش‌هایی، فرهنگ پوشش را به گونه‌ای در دختران خود نهادینه کنند که با تبلیغات برنامه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی و... دگرگونی‌ای در آینده در خصوص پوشش دختران صورت نگیرد. همچنین با استفاده از روش‌هایی که در ادامه ذکر می‌شود، می‌توان ذهنیت دختران جوانی را که پوشش‌های نامناسبی دارند، درباره پوشش، متحول کرد.

الف) آگاهی بخشی با بهره از استدلال

دختران را باید از ویژگی‌های روحی‌شان و تأثیر حجاب بر روان و امنیت آنان آگاه کرد. «اگر مادر بتواند با دختر نوجوان خود روشن صحبت کند، شانس ایمن و سلامت ماندن وی را افزایش داده است. شما باید برای او توضیح دهید که چرا

۱. ر.ک: اعراف، آیه ۲۶.

۲. احمد حیدری، پوشش، زیبایی و هنر است، پیام زن، شماره ۲۶۵، ص ۹.

پوششی که انتخاب می‌کند، باید از روی بصیرت باشد. برایش شرح دهید که در چه شرایطی بهتر دیده می‌شود.^۱

ممکن است برای قانع کردن دختر، به استدلال و منطق و روان‌شناسی اسلامی نیاز داشته باشید؛ زیرا ریشه بسیاری از خلاف‌ها و لغزش‌ها ناآگاهی است. اگر مادر، دخترش را با ملایمت و نرمی آگاه کند و دلایل قانع‌کننده‌ای برایش بیاورد، دختر پوشش و حجاب را خواهد پذیرفت. می‌توان در استدلال‌ها و دلایل خود، به آیات قرآن استناد کرد؛ برای نمونه ضرورت پوشش و حجاب را با توجه به آیه ۹۵ سوره احزاب مطرح کرد. همچنین راه‌های مصون ماندن از هرگونه آزار و اذیت و تعرضی را با کمک دختر بررسی، و پوشش مناسب را بهترین راهکار رهایی از شناخته شدن و دوری از اذیت و آزار معرفی کرد.^۲ بهتر است چنین مفاهیمی را با بیان نمونه‌های عینی که در جراید منتشر می‌شود، ملموس‌تر کرد؛ مثلاً زنان تازه‌مسلمانی که برای مصون ماندن از آزار و اذیت، پوشش اسلامی را انتخاب کرده‌اند و با این کار احساس امنیت بیشتری دارند. همچنین می‌توان با استفاده از چنین استدلال‌هایی به شبهه‌ها و پرسش‌هایی که در ذهن دختران نقش بسته است، پاسخ داد.

متأسفانه برخی از مادران بدون آنکه علت ناپسندی و نادرستی انتخاب پوشش نامناسب را توضیح دهند و دلیل ناراحتی خود را به دختر بفهمانند، با تحکم و استبداد می‌خواهند وی را به تغییر پوشش وادار سازند که در اکثر موارد با شکست روبرو شده، نمی‌توانند از روش خویش نتیجه مطلوب بگیرند.^۳

۱. زهره بانی، *چطور دختران نوجوان خود را از خطرات مصون نگه داریم؟*، همشهری آنلاین، یکشنبه ۷ اسفند ۱۳۹۰. موجود در: <http://hamshahrionline.ir/details/160470>

۲. عبدالکریم پاک‌نیا، *تربیت در سیره و سخن امام حسن مجتبی* علیه السلام، ص ۵۰-۵۸. (با تغییر و تلخیص)

۳. همان، ص ۵۸. (با تغییر و تلخیص)

ب) مصونیت بخشی در برابر تبلیغات ماهواره

ماهواره و اینترنت، فرهنگ برهنگی را که به خصوص در غرب رایج است، نمایش می‌دهد و درصدد القای آن به دختران نوجوان و جوان است. مادر باید به دخترش یادآوری کند که دخترهایی که در فیلم‌ها بازی می‌کنند، شخصیت خود را از دست داده‌اند. همچنین مادر باید از طریق شواهد تاریخی برای او روشنگری کند که در فرهنگ هلنیسمی غرب، نمایش برهنگی زن، ارزش و زیبایی او محسوب می‌شود؛ اما در فرهنگ ما ارزش زن به پوشش و حجاب او است و زیبایی باید با رنگ و فرم لباس نمایش داده شود؛ مثل لباس‌های محلی که در عین حفظ کردن پوشش و حجاب، زیبا هستند. در واقع باید باور زیبایی‌شناسی دختران را متحول ساخت و زیبایی را نه با معیارهای غرب، بلکه با نمادهای زیبای برگرفته از فرهنگ اسلامی و ایرانی، رنگ و فرم معنا کرد. مثلاً می‌توان دختر را در کلاس آموزش طراحی لباس و خیاطی ثبت‌نام کرد و از او خواست به جای تقلید از غرب، با به‌کارگیری خلاقیت، به خلق ایده و تولید پردازد و لباسی زیبا و درعین حال باحجاب طراحی کند، نه اینکه برای زیباتر شدن، ظاهری برهنه از خود نمایش دهد. در واقع پس از مبنا قرار دادن اصل پوشش و حجاب لباس، زیبایی شکل و رنگ آن را مدنظر قرار دهد.

برای آشنایی با فرهنگ ایرانی و اسلامی، بهتر است دختر را به موزه‌هایی که لباس‌های تاریخی زنان ایران وجود دارد برد تا با طرز لباس پوشیدن زنان در طول تاریخ ایران و نیز با لباس‌های محلی آشنا شود و هویت دینی و ملی خود را بازشناسد و در ذهنش آن را با فرهنگ القایی ماهواره و اینترنت مقایسه کند. باید او را از نظر فرهنگی، بیدار و هشیار کنیم تا بتواند با مؤلفه‌هایی که از هویت ملی و دینی به دست آورده است، علت حقیر بودن فرهنگ غرب نسبت به فرهنگ

خود را درک کند. این کار باعث هشیاری فرهنگی نسل جوان می‌شود. همچنین می‌توانیم به دخترمان کمک کنیم تا به شخصیت آینده خود فکر کند؛ به اینکه انتخاب چه پوششی او را مشخص تر نشان خواهد داد. در این صورت، وی خواهد توانست بهترین پوشش را انتخاب کند. باید به دختر گوشزد شود که مادر مانند رسانه‌ها با جذابیت‌های دروغین در پی تبلیغ باور خود و تحمیل آن به او نیست؛ بلکه قصدش راهنمایی درباره تعریف شخصیتی شایسته برای دختر خود است.

باید با بیان نمونه‌هایی به دختر فهماند حتی برخی از غربی‌ها نیز حجاب را ارزش، و بی‌حجابی و برهنگی را ضد ارزش می‌دانند. به عنوان نمونه دکتر هنری ماکووو، استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر مسائل زنان و جنبش‌های آزادی‌بخش می‌نویسد: «روی دیوار دفترم دو عکس چسبانده‌ام: عکس اول، تصویر زنی مسلمان و باحجاب است و در کنارش، تصویر زنی آمریکایی قرار دارد که در مسابقه ملکه زیبایی شرکت کرده و چیزی بر تن ندارد. زن نخست کاملاً پوشیده است و دیگری کاملاً عریان! من کارشناس مسائل زنان مسلمان نیستم. به همین دلیل اینجا انگیزه‌ای برای دفاع از حجاب ندارم؛ ولی زیبایی زنان را دوست دارم و بدین‌رو از برخی ارزش‌هایی که حجاب، گویای آن است، دفاع می‌کنم. تنها کسانی که زن مسلمان را بدون حجاب می‌بینند، خانواده او هستند و این مسئله، تأکیدی بر ویژه بودن زن مسلمان است. زن مسلمان ریشه‌ای است که زندگی و روح خانواده را استمرار می‌بخشد، فرزندان را تربیت می‌کند و زندگی می‌آموزد و یاری‌کننده همسر و پناهگاه او است. در نقطه مقابل، ملکه زیبایی آمریکایی است [که] در برابر میلیون‌ها نفر در صفحه‌های تلویزیون، عشوهری می‌کند. او ملکه‌ای عمومی است [که] زیبایی‌اش را در مزایده همگانی به بالاترین قیمت عرضه کرده... در آمریکا معیار ارزش فرهنگی زن،

جذابیت او است. بر اساس این معیارها، ارزش زن به سرعت کاسته می‌شود؛ چون خود و اعصاب و روانش را برای خودنمایی به کار می‌گیرد. ... من از حجاب دفاع نمی‌کنم؛ ولی تا اندازه‌ای طرفدار ارزش‌هایی هستم که حجاب، گویای آن است. به شکل ویژه، وقتی زن، خود را وقف همسر و خانواده‌اش می‌کند و با وقار و تواضع رفتار می‌کند، باید چنین موضعی نسبت به او داشته باشم»^۱.

ج) تذکر و یادآوری

بعضی وقت‌ها دختر برای خروج از منزل یا حضور در مراسم میهمانی و... پوشش نامناسبی دارد و فرصت کافی هم برای اعمال روش‌های دیگر نیست. در این موقعیت‌ها بهتر است به جای برخوردهای نامناسبی، مانند تحکم، از تذکر بهره گرفت؛ چراکه ممکن است با تذکرهای مادرانه و با ملایمت بتوان رفتار نادرست دختران را اصلاح، و از تکرار آن جلوگیری کرد. البته در تذکر مستقیم لازم است نکاتی را رعایت کرد؛^۲ نخست اینکه تا حد امکان مخفیانه و در خلوت باشد؛ سپس کوتاه، مختصر و ملایم باشد. امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرکس با سخنان زاید، شیرینی کلام خود را محو کند، به نابودی عقلش اقدام کرده است»^۳.

۲. انتخاب دوست

حضرت علی علیه السلام فرمود: «لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ وَ آفَةُ الْخَيْرِ قَرِينُ السَّوِّءِ؛^۴ هر چیز آفتی

۱. هنری ماکووو، *مزایده‌ای برای زیبایی زنان*، مترجم: حمیدرضا غریب‌رضا، موجود در:

<http://www.tebyan.net/newmobile.aspx/index.aspx?pid=93481>

۲. عبدالکریم پاک‌نیا، *تربیت در سیره و سخن امام حسن مجتبی علیه السلام*، ص ۷۰.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۱۷.

۴. تمیمی آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۵۴۲.

دارد و آفت خوبی، رفیق بد است».

والدین از طریق روابط دوستانه، خانوادگی و شغلی خود با افراد خاص، و نیز با انتخاب محله زندگی و محل تحصیل فرزندان و... نقش مهمی در دوستی‌های فرزندان خود دارند. در این زمینه مادر می‌تواند با هشیاری، دقت نظر و برخوردهای مشفقانه و خرمندانه، دختر خود را راهنمایی کند که با راهکارهایی چون تحقیق، آزمودن و... دوستانی پاک، متعهد و تلاشگر انتخاب کند و از دوست‌نمایی که تباه‌کننده زندگی هستند، دوری گزیند.^۱

امام حسن مجتبی علیه السلام به یکی از فرزندان خود می‌فرماید: «پسرم، با احدی برادری مکن مگر این که بدانی به چه جاهایی می‌رود و با چه افرادی نشست و برخاست می‌کند و چون خوب بر احوالش آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی، با او برادری کن بر اینکه او را از لغزش بازداری و در تنگدستی به او یاری رسانی».^۲

مادران مسئول و آگاه نمی‌توانند به دوستان دخترانشان بی‌اعتنا باشند و در این باره نظارتی نداشته باشند؛ این کار نه به نفع فرزند است و نه به نفع پدر و مادر. البته دخالت مستقیم پدر و مادر هم نه به صلاح است و نه نتیجه می‌دهد؛ چراکه انتخاب دوست، امری دستوری نیست و با امر و نهی درست نمی‌شود.^۳ با روش‌های ذیل می‌توان به صورت غیرمستقیم بر انتخاب دوست و رابطه‌های دوستانه فرزندان نظارت کرد.

الف) گزارش داستان‌های عبرت‌آمیز

مادر با نقل داستان‌های عبرت‌آمیز، به صورت غیرمستقیم می‌تواند علاوه بر بیان

۱. محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ص ۷۳-۷۹. (با تغییر و تلخیص)

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۲۳۳.

۳. معصومه حیدری، آداب رفتار با دختران، ص ۶۷.

علت نگرانی‌های خود از رابطه با دوستان، دختر را از تأثیر و اهمیت انتخاب دوست خوب آگاه کند. در این روش، بهره گرفتن از داستان‌ها و روایت‌هایی که در منابع دینی نقل شده، مناسب است؛ مانند این داستان:

عقبه و ابی با هم دوست بودند. روزی عقبه، بزرگان قبیله و دوستان و رسول خدا ﷺ را به میهمانی دعوت کرده بود. سفره گسترده شد، پیامبر ﷺ فرمود: عقبه! من از غذای تو نمی‌خورم، مگر اینکه به وحدانیت خدا و رسالت من شهادت دهی (مسلمان شوی). عقبه شهادتین را گفت و مسلمان شد. ابی، خبر را شنید و گفت: آیا از آیینت دست کشیدی؟ عقبه گفت: نه، منحرف نشدم، بلکه مردی بر سفره من بود که حاضر نشد به سوی غذایم دست دراز کند مگر این که مسلمان شوم. شرم داشتم او از سر سفره بدون غذا برخیزد. از این رو مسلمان شدم. ابی گفت: اگر می‌خواهی دوست من باشی، باید به او توهین کنی. عقبه به رسول خدا ﷺ توهین کرد و از اسلام برگشت و مشرک شد. سرانجام در جنگ بدر در صف کفار قرار گرفت و به دست حضرت علی علیه السلام به هلاکت رسید. دوستش نیز در جنگ احد به دست مسلمانان کشته شد. او به وسوسه‌های شیطانی دوستی ناشایست دل سپرد و خود را جهنمی ساخت^۱ و این آیات در شأن آن دو نازل شد: « وَ يَوْمَ يَعَضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛^۲ و روزی که ستمگر دست به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش راهی را که رسول خدا در پیش گرفته بود در پیش می‌گرفتم. ای وای بر من، کاش فلان [شخص گمراه] را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آنکه نور هدایت به سراغ من آمده بود.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۶۸ - ۶۹.

۲. فرقان، آیه ۲۷ - ۲۹.

این داستان و آیه قرآن به خوبی اهمیت و تأثیر دوست را در سرنوشت انسان نشان می‌دهد. از این رو در روایات آمده که آدمی به دین و آیین دوست خویش وابسته و پیوسته است.^۱

ب) مهارت ارتباط کلامی

پدر و مادر، به ویژه مادر، باید به گونه‌ای با دختر خود برخورد کنند که او اسرار خود را به آنها بگوید. آیه چهارم سوره یوسف از روابط بسیار نزدیک حضرت یوسف علیه السلام با پدرش حکایت می‌کند؛ به گونه‌ای که حضرت یوسف علیه السلام خواب عجیب و پر رمز و راز خود را تنها برای پدرش نقل می‌کند^۲: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ»^۳.
طبق این آیه، فرزند باید بتواند به خانواده‌اش به حدی اعتماد کند که حتی رازهای خود را نیز به آنان بگوید. «به بیان گویاتر، مادر باید دخترش را تشویق کند تا درباره روابطی که با دوستانش دارد، با وی حرف بزند. مشکل عمده مادران، نداشتن مهارت‌های ارتباطی سالم برای فراهم کردن زمینه صحبت کردن دخترشان است»^۴. در واقع زمانی که ارتباط سالمی بین مادر و دختر برقرار باشد، او می‌تواند به راحتی با مادرش درددل کند. برای ایجاد ارتباط سالم و سازنده، مادر باید به تمام حرف‌های دختر، به صورت فعال و با حوصله گوش فرا دهد؛ یعنی با واکنش‌های مناسب خود نشان دهد که تمام صحبت‌های دختر

۱. محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ص ۷۹.

۲. محمدرضا حسین‌زاده، ازدواج و خانواده، ص ۳۹.

۳. «به خاطر بیاور [هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابر من سجده می‌کنند. (یوسف ، آیه ۴)

۴. معصومه اسدی، «چگونگی رفتار با دختران خانواده»، سه‌شنبه ۲۸ مهر ۱۳۸۸، موجود در:

<http://www1.jamejamonline.ir/printable.aspx?newsnum=100920404099>

برای مادر، بسیار جذاب و مهم است. «اگر مادر با گشاده‌رویی، به سخنان و نظرات دختر در مورد دوستانش گوش دهد، موجب تخلیه احساسات، آرامش روانی و کاهش فشار روحی وی می‌شود. آن‌گاه دختر می‌تواند عمق باورها و احساسات خود را صادقانه بیان کند و از عدم پذیرش از سوی مادر، ترسی نداشته باشد. مادران برای آنکه شنونده خوبی باشند، گاهی لازم است که سکوت کنند و مدتی بعد پاسخ دهند»^۱. در واقع پس از آنکه صحبت‌های دختر کامل شد، بهتر است مادر بخشی از آن‌ها را تأیید، و درباره بخشی از آن اظهار نظر کند. برای آنکه اظهار نظر مادران بر دختران تأثیرگذار باشد، باید مادر حتماً مهارت‌های ارتباطی و کلامی را به کار گیرد؛ مثلاً با کلام درست و قاطع^۲، نیک^۳ و با لحنی خوش و آرام^۴ و به بهترین وجه^۵ نظر خود را بگوید.

ج) وضع قوانین گروهی برای خارج از منزل

بیرون رفتن با دوستان، حق دختران است؛ اما دختر برای این کار لازم است که از مادر اجازه بگیرد. این مهم است که مادر به طور دقیق بداند دخترش با چه کسی، به کجا می‌رود و در بیرون از منزل چه رفتاری دارد. مادران برای کنترل فرزند خود و پیشگیری از بروز مشکل، می‌توانند پس از شناخت دوستان دخترشان، با مادران آنها ارتباط برقرار کنند و با مشورت با یکدیگر، هر کدام قوانینی درباره بیرون رفتن برای دختران‌شان معین کنند. با وضع این قوانین، کنترل

۱. رضا فرهادیان، تربیت برتر «آنچه والدین و معلمان باید بدانند»، ص ۸۶. (با تغییر)

۲. «وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ و درست و قاطع سخن بگویید». (احزاب، آیه ۷۰)

۳. «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ و به آنان سخن نیک بگویید». (نساء، آیه ۴)

۴. «وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ؛ لحن سخنت را آرام کن». (لقمان، آیه ۱۹)

۵. «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند». (اسراء، آیه ۵۳)

و نظارت بر رفتار دختران آسان‌تر خواهد شد؛ زیرا دختران به رعایت قوانین حاکم بر جمع و تبعیت از جمع، میل بیشتری دارند. «در اینجا به جای اقتدار فردی، اقتدار جمعی حاکم است. توجه به جمع و گروه و محرومیت و طرد از موقعیت در گروه، عامل انجام کار و اطاعت است.»^۱

۳. استفاده از شبکه‌های اجتماعی

ناآگاهی دختران از آسیب‌های استفاده بی‌رویه از شبکه‌های اجتماعی ممکن است به بروز مشکلاتی چون اعتیاد به شبکه‌ها، عقب افتادن در درس و کار، تغییر نگرش‌ها و باورها، ترجیح دادن شادی‌های مجازی به شادی‌های واقعی، برقراری روابط خارج از شرع و عرف و... منجر شود. بنابراین مادران باید در کنار آگاهی دادن درباره این آسیب‌ها، با کنترل میزان استفاده دختران خود از شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی برای دیگر اوقات آن‌ها، اوقات فرزندان خود را به صورت غیر مستقیم مدیریت کنند و آن‌ها را به فعالیت‌هایی جز شبکه‌های اجتماعی سوق دهند.

الف) نظارت بر استفاده از شبکه‌ها

مادران باید از نظر اطلاعات و فناوری به دختران خود ارتباط برقرار کنند؛ به گونه‌ای که دختر بدانند مادرش به‌روز است. حتی گاهی لازم است که مادران همانند دختران در شبکه‌های اجتماعی عضو شوند و اشتیاق خود را برای عضو شدن در گروه‌هایی که دخترشان در آن عضو است، نشان دهند تا بتوانند از افراد گروه، عقاید گروه، مطالب ارسالی و... مطلع شوند. عقاید و نگرش‌های گروه بسیار مهم است؛ زیرا تأثیر بالایی بر باورها، ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی

۱. رضا فرهادیان، تربیت برتر، ص ۹۲.

نوجوانان و جوانان دارد. چون «انسان به هرچه محبت پیدا کند، بدو متمایل می‌شود و رنگ و بو و حال و هوای او را می‌گیرد و همسانی صورت می‌پذیرد»^۱؛ به بیان حضرت علی علیه السلام: «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهَجَ بِذِكْرِهِ؛ هرکس چیزی را دوست بدارد، به یاد آن حریص می‌شود»^۲.

همچنین مادران می‌توانند دختر خود را با مخاطبان و هم‌گروهی‌های خود آشنا کنند تا دختران نیز متقابلاً این کار را انجام دهند. همچنین مادران می‌توانند برای عضویت در گروه‌های مختلف و نوع ارتباط با مخاطبان خود و... با دخترشان مشورت کنند. این کار علاوه بر القای احساس ارزشمندی و اطمینان، او را نیز ترغیب خواهد کرد که همانند مادر عمل کند و برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی از مادر خود مشورت بگیرد.

مادران باید دخترشان را به عضویت در گروه‌هایی سوق دهند که منجر به رشد و پویایی فکری آن‌ها می‌شود و او را تشویق کنند که افکار خود را در چنین گروه‌هایی مطرح کند؛ با این کار به جای خوشگذرانی و تلف کردن اوقات خود در شبکه‌های اجتماعی، به سمت یادگیری علوم و مهارت‌های مختلف می‌رود. مادران باید ارتباط با جنس مخالف را در شبکه‌های مجازی، از نظر شرعی و نیز آسیب‌های روان‌شناسی آن برای دختر خود توضیح دهند. برای آگاهی دادن از آسیب‌های احتمالی نیز می‌توانند از داستان‌های واقعی که در روزنامه‌ها یا اینترنت منتشر می‌شود، استفاده کنند.

(ب) جایگزین بازی‌های گروهی و کامپیوتری

مادران باید بدانند اگر دخترشان علاقه زیادی به بازی‌ها دارد، با منع کردن او، تنها

۱. مصطفی دلشاد تهرانی، مشرب مهر، روش‌های تربیت در نهج البلاغه، ص ۱۰۰.

۲. تمیمی آمدی، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۱۷۷.

باعث برانگیختن لجاجت وی می‌شوند و او برای انجام خواسته خود مقاومت بیشتری می‌کند. بنابراین به جای منع کردن از بازی، بهتر است درباره بازی‌ها تحقیق کنند و بازی‌های مناسبی بیابند و با تعریف کردن و هیجان‌انگیز نشان دادن بازی، او را به انتخاب آن بازی ترغیب کنند.

ج) برنامه‌ریزی زمانی

اوقات دختران باید برای انجام فعالیت‌های مفید صرف شود. مادران می‌توانند با ثبت نام آن‌ها در کلاس‌های ورزشی، هنری، دینی و... اوقات زندگی دختران را مدیریت کنند. همچنین می‌توانند از دخترشان بخواهند که آن‌ها را در نمایشگاه‌ها، فعالیت‌های اجتماعی، مسابقات هنری - ورزشی و... همراهی کنند. با این کار ممکن است علاقه‌های جدیدی در دختر شکل بگیرد و وقت خود را صرف کارهای جدید کند.

د) ارتباط دائمی

نوع رفتار مادر با دختر، بر میزان گرایش او به برقراری ارتباط مجازی تأثیرگذار است. نکته مهم در رفتار مادران با دختران، درک روحیات دختران و برقراری ارتباط پیوسته کلامی، احساسی و دوستانه با آنان است که در این صورت، رابطه دختر و مادر در آینده مستحکم‌تر نیز می‌شود و دختر دچار کمبودی نخواهد بود که برای جبران آن، در پی برقراری رابطه با افراد در فضای مجازی باشد و ناچار باشد با آنها از احساسش بگوید. مادر اگر حتی احساسات جریحه‌دار شده‌اش را به دخترش بروز دهد و دلیل آن را به او بگوید، دختر نیز به او اطمینان می‌کند و احساساتش را به او خواهد گفت؛ زیرا دختران دوست دارند احساسات و عواطفشان را با کسی در میان بگذارند که به او اعتماد دارند.

۴. پیشگیری از ارتباط با جنس مخالف

والدین باید بدانند که هر معلولی، علتی دارد و هر رفتار ناهنجاری که از فرزندان سر می‌زند، دارای ریشه و زمینه مشخصی است. بنابراین اگر بخواهیم معلولی را تغییر دهیم و رفتاری را عوض کنیم، باید به علل و زمینه‌های آن توجه کنیم و ریشه‌ها و زمینه‌های آن را از بین ببریم و با واکاوی علت، از بروز رفتار ناهنجار پیشگیری کنیم.^۱

در بسیاری از موارد، کمبود محبت، عامل و علت دوستی دختران با جنس مخالف است و چنین دوستی‌هایی، آسیب‌های روانی جبران‌ناپذیری بر دختر وارد می‌کند. مادران با برقراری روابط عاطفی با دختران و محبت به آن‌ها می‌توانند مانع چنین دوستی‌هایی و پیامدهای آن شوند. همچنین می‌توانند به طور غیرمستقیم و با بهره‌گیری از رمان‌های عبرت‌آمیز و حس‌همذات‌پنداری دختر با شخصیت‌های رمان، وی را از عواقب چنین دوستی‌هایی آگاه سازند.

الف) تأمین امنیت عاطفی

امام صادق علیه السلام فرمود: «خدا بنده‌اش را به واسطه شدت محبتی که به فرزندش دارد، مورد رحمت قرار خواهد داد».^۲

یکی از نیازهای ضروری دختران، بهره‌مندی از عاطفه در محیط خانواده است. به ویژه وابستگی و پیوند عاطفی با مادر برای دختر بسیار مهم است. اگر نیاز عاطفی دختر تأمین نشود، دچار کمبود محبت می‌شود و این کمبود، به عقده تبدیل می‌شود. اگر دختر امنیت عاطفی نداشته باشد، همواره در معرض خطر است. پس باید به نیاز عاطفی دختران توجه ویژه داشت.^۳

۱. مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۸۱، ص ۳۲.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۱۵.

۳. معصومه حیدری، آداب رفتار با دختران، ص ۵۴.

پیوند روحی و عاطفی عمیق بین والدین و فرزندان سبب می‌شود که بسیاری از نیازهای روحی و عاطفی فرزندان در خانواده برآورده گردد و آنان دچار کمبودهای عاطفی نشوند. خانواده‌ها باید بستری فراهم کنند که دخترها به راحتی مسائل خود را با آنها در جریان بگذارند. دخترانی که از چنین روابط عاطفی سالمی در محیط خانه محروم‌اند، برای جبران کمبودهایشان به دوستی با جنس مخالف جذب می‌شوند.^۱ دختری که در محیط خانه و از محبت پدر و مادر اشباع شده، احساس محرومیت و بی‌پناهی نمی‌کند تا در مقابل چند جمله محبت‌آمیز یک جوان غریبه، خود را بیازد و آینده خویش را تباه سازد.^۲ میزان محبت والدین باید به حدی باشد که تمام زندگی دختر را در بر گیرد و رشد کافی جسمی و روانی او را تضمین کند. در این صورت است که والدین فردی سالم و متعادل تحویل جامعه می‌دهند.^۳

ب) بیان غیرمستقیم مطالب

اگر به صورت مستقیم دختر را از رابطه با جنس مخالف نهی کنید، ممکن است فکر کند که به او شک دارید یا نصیحت شما را نپذیرد و حتی برعکس آن رفتار کند. پس بهتر است از راه‌های غیرمستقیم، مثل نقل داستان استفاده کنید. نقل قصه و داستان شیوه‌ای بسیار مؤثر در انتقال مفاهیم مورد نظر است. مادران باید با استفاده از مهارت زنانه خود، داستان‌های عاشقانه را که در آن‌ها قهرمان داستان در عشق و روابط دوستانه با جنس مخالف شکست می‌خورد، با رعایت نکته‌های روان‌شناسانه و اخلاقی، برای دختر خود نقل کنند. دختر به دلیل

1. <http://migna.ir/vdcgz79q.ak9nw4prra.html>.

۲. ابراهیم امینی، آئین تربیت، ص ۱۱۹.

۳. علی قائمی، نقش مادر در تربیت، برداشتی از ص ۹۱-۹۶.

همذات‌پنداری با قهرمان داستان و تحریک احساساتش، با او همراه می‌شود و مشکلات چنین روابطی را درک می‌کند؛ بدون اینکه چنین روابطی و شکست در آنها را در زندگی خود تجربه کند.

نقش زنان شاغل در خانواده

ناهدالسادات قائم مقام فراهانی*

مقدمه

امروزه در جوامع به‌ویژه جامعه اسلامی، یکی از مباحث چالش‌زا اشتغال و عدم اشتغال زنان است. برخی با اشتغال زن مخالف و معتقدند که وظیفه زن تنها تربیت فرزند است؛ اما عده‌ای بر این باورند که زن می‌تواند در عرصه‌های مختلف حضور یابد و رسالت اولیه‌ی او تربیت فرزند نیست. با نگاهی به آیات قرآن، می‌توان دریافت که اشتغال برای زنان منع نشده است. بسیاری از اطلاعات و دلالت‌های قرآن، نشان می‌دهد که زنان می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشته و با حفظ حدود اسلامی به کسب و کار پردازند. در روایات ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، اشتغال زن به‌طور کلی حرام نشده است؛ بلکه روایات بیش‌تر درباره‌ی نحوه حضور زن در اجتماع و کار و فعالیت او سخن گفته‌اند. البته آن‌چه در آموزه‌های دینی مورد توجه قرار گرفته، این است که وظیفه‌ی اصلی زن تربیت فرزند و خانه‌داری است.

این نوشتار می‌کوشد اشتغال زنان را از جنبه مثبت و منفی بررسی کند.

* دکتری فرهنگ و زبان‌های باستان.

(۱) رسالت اصلی زن

بر اساس برخی آیات (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛^۱ مردان سرپرستان زنان‌اند.) و روایات رسالت مرد، سرپرستی و تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و رسالت زن، شوهرداری و تربیت فرزند است؛ اما متأسفانه - در عصر کنونی، زنان برای حضور فعال در جامعه گرایش به اشتغال بیرون از خانه دارند؛ یعنی می‌خواهند برخی از وظایف مرد را برعهده بگیرند. در صورتی که اشتغال مانع انجام رسالت و وظایف اصلی آنان می‌شود. به بیان دیگر، شغل در درجه اول و وظیفه اصلی، یعنی خانواده در درجه دوم قرار می‌گیرد و زنان به جای آن که مادر و همسری نمونه باشند، در پی آن هستند که کارمندی نمونه شوند و تنها پیش‌رفت در شغل را هدف اصلی زندگی خود قرار می‌دهند، نه تعالی خانواده را که با این عمل کرد خود موجب ایجاد پی‌آمدها و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر خانواده می‌شوند.

(۲) اشتغال زنان از منظر قرآن و حدیث

زنان در عین تساوی با مردان در اصل آفرینش و گوهر انسانیت،^۲ در استعدادها و امکانات، وصول به بالاترین مراتب کمال و معنویت،^۳ می‌توانند استقلال مالی و اقتصادی داشته باشند؛^۴ چنان‌که در قرآن آمده است: «الرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ»^۵ مردان نصیبی از آنچه به دست

۱. نساء، آیه ۳۴.

۲. نساء، آیه ۱ و احزاب، آیه ۶.

۳. نمل، آیه ۹۷ و احزاب، آیه ۳۰.

۴. لیلا بختیاری، بررسی نقش اشتغال زنان در کاهش وظایف مادری (http://www.borhan.ir).

۵. نساء، آیه ۳۲.

می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی.»^۱ همچنین آمده است: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ بِالْمَعْرُوفِ؛^۱ باکی بر شما نیست، در آن اموری که زنان در باره‌ی خود و از روی معروف انجام می‌دهند.»

اطلاق و عموم این آیه، شامل انتخاب شغل نیز می‌شود؛ یعنی اگر زنان بخواهند در زندگی خود به فعالیت‌های اقتصادی یا اجتماعی بپردازند، مانعی ندارد؛ به شرطی که براساس معروف، یعنی اصول عقلانی و انسانی و عرف جامعه باشد.^۲ زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در مشاغلی همچون تجارت، بافندگی، آرایش‌گری، پرستاری، چوپانی و... برای کار به فعالیت می‌پرداختند و به‌استثنای مشاغل فسادانگیز، هیچ مخالفتی با اشتغال آنان صورت نگرفته است؛^۳ هرچند توصیه یا تشویق خاصی نیز برای اشتغال زنان در متون دینی دیده نمی‌شود؛^۴ بنابراین اسلام اشتغال را برای زنان می‌پذیرد، با این تفاوت که آن را هدف نمی‌داند، بلکه در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌پذیرد.^۵

۳) دست‌آوردهای اشتغال زنان

حقیقت این است که اشتغال زنان آثار مثبت دارد؛ به عبارت دیگر میان اشتغال و دست‌آوردهای آن برای زنان، رابطه‌ی دوسویه‌ای برقرار است؛ البته زمانی اشتغال

۱. بقره، آیه ۲۳۴.

۲. اعظم نوری، بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام، ص ۱۶.

۳. شیخ طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۸۷؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۵۱؛ ریاض عبدالله، معجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۳۱۱ و ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۵۹۵.

۴. کاظم علی محمدی، آسیب‌شناسی و اشتغال زنان از نگاه اسلام و روان‌شناسی، (<http://tahzib.com>).

۵. ابوالقاسم بشیری، اشتغال زوجین و آثار و پوی‌آمدهای آن، ص ۹۰.

موجب بروز آثار مثبت می‌شود که زن از ساعات، نوع شغل، درآمد و... رضایت داشته باشد. به بیان دیگر میزان انطباق شغل با ویژگی‌های جسمی و روحی و چگونگی نگرش او به وضعیت شغلی، موجب می‌شود وی با عقل و تدبیر، فشار و مشکلات ناشی از کار را عاقلانه و با صبر و حوصله تحمل کند. آن‌گاه بتواند به انجام وظایف مادری و همسری اهتمام ویژه‌ای ورزد. چنین اشتغالی آثار مثبتی بر شخصیت زن، همسرمداری و مادری به شرح ذیل خواهد داشت:

۱. آثار مثبت بر شخصیت زن: پیش‌رفت مادی، رشد اجتماعی، دفاع از حق و حقوق خود،^۱ استفاده بهینه از اوقات فراغت و دورشدن از افسردگی، شکوفایی استعداد و ابراز وجود به صورت مثبت، پرورش شخصیت و رفع نیازهای روانی^۲ و افزایش عزت نفس.^۳

۲. آثار مثبت بر وظایف همسرمداری: زنان شاغل با کسب درآمد حاصل، بخشی از هزینه‌های اقتصادی خانواده را تأمین می‌کنند؛ به ویژه در زمان بروز مشکلات، به دلیل درک متقابل باری از دوش مرد برداشته می‌شود و از دغدغه‌های وی کم می‌کند.^۴

۳. آثار مثبت بر وظیفه مادری: به نظر برخی پژوهشگران، فرزندان که پدر و مادرشان هر دو شاغل‌اند، در مقایسه با فرزندان خانواده‌های سنتی، به نسبت مستقل‌تر و کاردان‌تر هستند.^۵

۱. کاظم علی محمدی، آسیب‌شناسی اشتغال زنان از نگاه اسلام و روان‌شناسی، (<http://www.borhan.ir>).

۲. بتول محتشمی، اشتغال زنان، بایدها و نبایدها، ص ۸۱.

۳. زهره خسروی، مبانی روان‌شناختی جنسیت، ص ۲۷۶.

۴. عبدالله بن مسعود، یکی از یاران پیامبر بود که در مشکلات مالی همسرش با انجام کارهای صنعتی و کسب درآمد یاری‌اش می‌رساند.

۵. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۵۷۵ - ۵۸۰.

۴) پیآمدهای اشتغال زنان

این پیآمدها که آسیب‌هایی را متوجه شخصیت زن، خانه‌داری و روابط همسری و مادری وی می‌نماید، در زندگی زنان شاغلی رخ می‌دهد که ساعات طولانی را به کار خود اختصاص داده و حتی نقش خانوادگی خود را در اولویت دوم قرار می‌دهند؛ به عبارتی می‌خواهند یک شاغل نمونه باشند تا مادر یا همسری نمونه. در چنین وضعیتی میان ویژگی‌هایی ذاتی زن (توجه به خانواده) و نقش آفرینی‌های مدرن (کار) تعارض به وجود می‌آید.

به گفته «گرین‌هاوس»، زنان سطوح بالایی از تعارض کار و خانواده را هنگامی که به شدت درگیر انجام کارهای خود (وظایف کاری و زندگی) هستند، تجربه می‌کنند. این تعارض‌ها موجب بروز آسیب‌هایی بر شخصیت خود زن، وظایف خانه‌داری، روابط همسری و وظایف مادری می‌شود.

الف) پیآمدهای منفی اشتغال بر شخصیت زن

نخستین کسی که از اشتغال زن متأثر می‌شود، خود اوست. با اشتغال وی، وابستگی او به خانواده از بین می‌رود و روابط عاطفی کم‌رنگ و پرتنش می‌شود.^۱ به عقیده «پرایس» شغل زنان شاغل، نه جای‌گزین نقش همسری یا مادری، که توأم با آن‌هاست. بار مضاعفی که زنان بر دوش می‌کشند، شاید دلیل اصلی آن چیزی باشد که وی آن را «نابودکننده تأثیرات مادری» می‌نامد که شامل فشارهای جسمی، فکری و عاطفی شدید است.^۲ به گفته «جان‌گری»، زن شاغل بیش از زن خانه‌دار در معرض استرس و آلودگی احساسی قرار می‌گیرد.^۳ «گرهارد» معتقد است مدت کار و فشار مضاعف، باعث فرسودگی جسم و

۱. اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق، مجله حورا، بهمن و اسفند ۸۴، ص ۲۲.

۲. جان برناردز، درآمدی بر مطالعات خانواده، ص ۲۹۱.

۳. جان‌گری، مردان مریخی و زنان ونوسی، ص ۱۵۷.

روان و پیری زنان شده و به‌مرور آنان را با مشکلات متعدد جسمی و روحی مواجه خواهد کرد.^۱

ب) پی‌آمدهای منفی اشتغال بر وظایف خانه‌داری

به عقیده «پاملا آبوت»، اشتغال تمام‌وقت زنان کنار انجام وظایف خانگی، بار مضاعفی بر دوش آن‌ها می‌گذارد؛ زیرا اعتقاد به این‌که خانه‌داری مسئولیت و وظیفه زنان است، پیروان بسیاری دارد.^۲

همچنین حضور کم‌رنگ و نداشتن فرصت کافی برای پخت‌وپز و استفاده بیش از حد غذاهای آماده و گاه ناسالم، مشکلاتی را در تغذیه و رشد جسمانی اعضای خانواده به وجود می‌آورد.^۳ در صورتی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «وظیفه زن در برابر شوهرش این است که چراغ خانه را روشن کرده و غذای نیکو و شایسته تهیه کند.»^۴

زنان شاغل برای مطرح‌شدن در محیط کار، بیش از حد توان‌شان فعالیت می‌کنند و بیش‌تر انرژی، خلاقیت، نشاط و آرامشی را که سهم خانواده است، در محیط کار صرف می‌کنند و دیگر توانی برای انجام وظایف خانه‌داری خود ندارند.

چنان‌چه با توجه به تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب، وظیفه اساسی زن، خانه‌داری و استقرار در سنگر خانه است.^۵

۱. لسنکی گرهارد، *جامعه‌شناسی انسانی*، ص ۴۶۵.

۲. پاملا آبوت، *جامعه‌شناسی زنان*، ص ۱۷۷.

۳. کاظم علی محمدی، *آسیب‌شناسی و اشتغال زنان از نگاه اسلام و روان‌شناسی*، (<http://tahzib.com>).

۴. نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۲، ص ۵۵۱.

۵. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (جمال الدین قاسمی دمشقی، *محاسن التاویل*، ج ۱۳، ص ۳۴۹).»

همچنین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خانه‌داری زن را به منزله جهاد در راه خدا می‌داند.^۱

ج) پی‌آمدهای منفی اشتغال در روابط همسری

براساس تعالیم اسلام، مهم‌ترین وظیفه زن پس از تکالیف دینی، در قبال همسر اعلام شده است.^۲ پیامبر در این باره می‌فرماید: «هر زنی بمیرد، در حالی که شوهرش از او راضی باشد، وارد بهشت می‌شود.»^۳ همچنین فرموده‌اند: «زن نمی‌تواند حق خدا را ادا کند؛ مگر این که حق شوهرش را ادا کند.»^۴ عدم توانایی در برقراری تعادل منطقی میان محیط کار و محیط خانوادگی، آسیب‌های جدی به روابط زن و شوهر وارد می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. عدم وابستگی اقتصادی و ایستادگی در مقابل اقتدار شوهر:^۵ چنین زنانی مدام در پی نفی شخصیت مردانه هستند که چنین نگرشی نه تنها آسیب‌های بسیاری بر روح و روان شوهر که بر خانواده وارد می‌کنند. «زنان با رفتارهایی مثل منت‌گذاشتن بر همسر، رفتار و گفتار تحقیرآمیز، حساب و کتاب جداگانه برای خود و... نقش مرد بودن را از او گرفته، غالباً به حاشیه‌نشینی وی می‌انجامد.»^۶

۱. «جهادُ الْمَرْئَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ (فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳).»

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۳. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۲، ص ۷۰.

۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۲.

۵. چنین تغییرهایی در روابط زن و مرد، به تغییر ساختار عمودی نظام خانواده به ساختار افقی منجر می‌شود و فرزندان، چنین تعامل‌هایی را می‌آموزند و در نتیجه، فرهنگ جدیدی در خانواده‌های نسل آینده ایجاد می‌گردد که با آموزه‌های دینی که نان‌آوری و ریاست مرد را در خانواده مدل مطلوب ترسیم کرده، فاصله می‌گیرند (سیده فاطمه محبی، اشتغال زنان، فرصت‌ها و تهدیدها، ص ۱۶).

۶. سیده فاطمه محبی، اشتغال زنان، فرصت‌ها و تهدیدها، ص ۱۶.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد استقلال اقتصادی زنان باعث افزایش طلاق شده است.^۱

«چرستون» می‌گوید: «من به فکر آن نیستم که زنان قبلاً مورد رفتار ناشایست و حتی در معرض شکنجه قرار می‌گرفتند؛ ولی به عقیده من، وضع آن‌ها هیچ‌گاه به اندازه امروز که فرمان‌روای خانه و نیز رقیب ادرای مردان‌اند رقت‌بار نبوده است!»^۲

۲. بروز مشکلات در روابط زناشویی: خستگی زنان شاغل از کار بیرون منزل، کم‌تحرکی جنسی را در پی دارد و ممانعت از برقراری رابطه، غیرفعال بودن در روابط زناشویی، شروع درگیری، مشاجره و بهانه‌گیری‌ها را به دنبال دارد. کالبدشکافی بعضی از طلاق‌ها نشان می‌دهد، ریشه دل‌زدگی زوجین از یک‌دیگر در دافعه‌های روانی - جنسی است.^۳

در صورتی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «حق مرد بر زن این است که در هر حال در امر زناشویی او را ممانعت نکند.»^۴

۳. رفتار آمرانه و برخورد مردانه با شوهر: زنان شاغل در محاوره‌ها و رفت و آمدها، چون با اشخاص و افراد مختلفی سروکار دارند، نوع برخوردهای شان مردانه و آمرانه است. ظرافت و لطافت در گفتار و رفتار این زنان، کم‌رنگ می‌شود و اثر مستقیم بر روابط میان زن و شوهر دارد.^۵

۴. عدم آرامش بخشی به همسر: از نظر اسلام یکی از مهم‌ترین وظایف زن،

۱. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۴۱ - ۲۴۰.

۲. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۲.

۳. کیهان، ش ۱۸۳۲۴، ص ۵.

۴. مهدی نراقی، مکارم اخلاق فی حق الزوج علی المرثه، ص ۲۱۴.

۵. آندره میشل، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ص ۷۲ - ۷۳.

ایجاد محیط آرام در فضای خانه و نقش آرامش‌دهندگی او برای شوهر است. «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»^۱ و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا کنار آنان آرامش یابید و میان‌تان مودت و رحمت قرار داد...» بنا بر روایت از پیامبر ﷺ، زن وظیفه دارد اخلاق نیکویی با همسر داشته باشد. تندخویی نکند و عصبان نورزد. هنگام ورود شوهر به خانه از او استقبال نماید، او را در صورت خستگی راحت گذارد و وسایل آسایشش را مهیا کند.^۲

آرامش و سکونی را که زن به مرد می‌بخشد، با هیچ شیوه و ابزاری نمی‌توان پدید آورد.^۳ به گفته «ویل دورانت»، زن از آن‌جا که مرد خیالی سرگردان را به مرد فداکار و پای‌بند خانه و کودکان بدل می‌سازد، عامل حفظ و بقای نوع است؛^۴ ولی سنگینی وظیفه و مسئولیت، سبب می‌شود که به همسر خود نرسند، به کارهای او با بی‌اعتنایی بنگرد، نگاه‌ها دل‌سردکننده و برخوردها یأس‌آور باشد و این خود موجب افسردگی و اختلاف‌ها می‌گردد.^۵

زن شاغل چنان در استرس، تنش و درگیری شغلی غرق شده است که خود نیاز به مامن آرامش‌بخشی دارد تا این‌که بخواهد با رفتارهایش موجب آرامش همسرش شود.

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. حضرت محمد ﷺ فرمود: «حق مرد بر زن این است که چراغ خانه را روشن کند، غذا را آماده کند، هنگام ورود تا در خانه استقبالش کند، خوش‌آمد بگوید و بدون عذر، خود را از او دریغ ننماید.» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

۳. محمد حکیمی، دفاع از حقوق زن، ص ۶۳.

۴. ویل دورانت، لئدات فلسفه، ص ۱۴۹.

۵. فاطمه فرهادیان، پی‌آمدهای منفی اشتغال زنان بر خانواده، ص ۴۱.

۵. انزوای نقش شوهر که پدر خانواده است: کسب درآمد زن، اگر با عدم تفاهم زناشویی همراه باشد، باعث کم‌اهمیتی و کم‌رنگی تلاش‌های پدر در زندگی می‌شود. فرزندان چون حالا می‌توانند بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق مادر برطرف کنند، ممکن است نقش پدر را در منزل نادیده گرفته و خود را از کمک‌ها و راهنمایی‌های وی بی‌نیاز بدانند و به مرور پدر در انزوا قرار گیرد.^۱

۶. کاهش ارتباطات کلامی: برخی از زنان در محیط کار، به اندازه موردنیاز با همکاران خود گفت‌وگو می‌کنند و نیازهای کلامی خویش را برطرف می‌کنند. این زنان در خانه، نیازی به برقراری ارتباط کلامی با شوهر خود ندارند و چنین مسائلی، به مخاطراتی در روابط خانوادگی می‌انجامد و حتی در برخی موارد، این اختلافات به طلاق منجر می‌شود. «لنسی گرهارد» عقیده دارد که مشارکت شتاب‌آلود زنان در صنعت، باعث گسترش طلاق و افزایش جرائم شده است.^۲ در واقع اشتغال زنان، به معنای کلی خود باعث مشکل نمی‌شود؛ بلکه مسائل پیرامون آن، زمینه را برای ایجاد اختلاف و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها، فراهم می‌کند.

۵) پی‌آمدهای منفی در انجام وظایف مادری

رسالت مادری، زیباترین و باشکوه‌ترین هنرنمایی زن است. زنان باید به این مسئله برسند که نقش مادری اصولی‌ترین و براننده‌ترین نقشی است که در زندگی دارند و تکامل و رشد مادی و معنوی و حتی سلامتی جسمی آنان، در پرتو ایفای این نقش است.^۳ نقش مادران در سعادت و شقاوت فرزندان، بسیار مهم است که دوران‌های مختلف زندگی آنان را دربرمی‌گیرد:

۱. همان، ص ۶۶.

۲. لنسی گرهارد، جامعه‌شناسی انسانی، ص ۴۶۵.

۳. اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق، مجله حورا، بهمن و اسفند ۸۴، ص ۲۰.

الف) دوران بارداری و کودکی

۱. عدم رعایت آرامش در دوران بارداری

در دوران بارداری تمام روحیات، رفتار و افکار مادر بر جنین تأثیر دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «چنان نباش که به خاطر تو، خویشاوندانت بدبخت‌ترین و شقی‌ترین مردم باشند.»^۱

مادر باید در دوران بارداری سرشار از آرامش و نشاط باشد؛ ولی استرس‌ها و تنش‌های فکری محیط کار، مانع از آرامش شده و تمام دغدغه‌های فکری به فرزند منتقل می‌شود.

۲. کم‌توجهی به تغذیه نوزاد

دستورهای اسلام پیش از رسیدن به یافته‌های روان‌شناسانه، درباره تأثیر شیر مادر و فایده‌های آن سفارش‌های فراوانی دارد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «برای کودک، شیری بهتر از شیر مادر نیست.»^۲ و امیر مؤمنان علی علیه السلام با اشاره به نقش مؤثر شیر مادر در تربیت کودک می‌فرماید: «بنگرید که چه کسی فرزندان شما را شیر می‌دهد؛ زیرا کودک با شیر رشد می‌کند.»^۳

۳. دوری از فرزند

وجود مادر در خانه، به‌ویژه در یکی - دو سال آغاز زندگی، برای ایجاد دلبستگی میان مادر و کودک الزامی است. با این حال بسیاری از زنان، اندکی پس از تولد بچه روانه بازار کار می‌شوند.^۴ جدایی مادر و کودک، عامل بسیاری از مسائل و

۱. تمیمی آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، ص ۸۰۲.

۲. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۲۳، ص ۷۶.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۰.

۴. مجله گنجینه، شماره ۵۴، ص ۴۹.

مشکلات بعدی برای فرزند خواهد شد.^۱ کودکان نیازمند ارتباط‌های کلامی و لمسی مادر هستند. گریه‌های نوزادان در برخی حالت‌ها، تنها به‌خاطر شیر نیست؛ بلکه نوازش و آغوش مادر در چنین لحظاتی، باعث اطمینان خاطر کودک از محیط خانه و خانواده می‌شود.^۲

مطابق نظر «اشپیتز»، جدایی‌های تا حدود هجده‌ماهگی، ممکن است کودک را تا مرز «افسردگی اتکایی» با نشانه‌های بی‌اشتهایی روانی و اختلال‌هایی در رفتار غذایی، توقف رشد و تأخیر در تحول روانی - حرکتی پیش ببرد.^۳ روان‌شناسان معتقدند که برای اطفال کوچک‌تر از پنج سال، هیچ‌چیز مهم‌تر و وحشت‌آورتر از این نیست که آن‌ها را از مادرشان جدا کنند؛^۴ در نتیجه حضور هرچه بیشتر مادر کنار کودکان در سال‌های آغازین، نقش مهمی در سلامت جسمی و رشد مناسب شخصیت و عواطف کودکان دارد. به همین دلیل در آموزه‌های اسلامی، مادر تا دو سال دربارهٔ پسر و تا هفت سال دربارهٔ دختر، بیش‌تر از پدر در حضانت اولویت دارد.^۵

۴. عدم مهرورزی مناسب به کودک

در آموزه‌های دینی، بسیار بر مهرورزی به کودک سفارش شده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشَدَّ حُبَّهُ لَوْلَدِهِ؛^۶ همانا پروردگار بنده‌اش را به دلیل زیادی مهرورزی به کودک خود می‌بخشد.»

۱. علی محدث، کودک و روابط خانوادگی، ص ۱۱.

۲. مجله گنجینه، شماره ۵۴، صص ۹ - ۵۱.

۳. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مشکلات زنان، ص ۹۹۴.

۴. سیدجعفر شیخ‌الاسلام، پرورش کودک، ص ۵۴.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ب ۸۱.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۴۷۵.

«پرینگل» معتقد است که اولین رابطه عاطفی کودک با مادر اهمیتی حیاتی دارد. کودک به برقرارکردن پیوندی پایدار نیاز دارد و اگر این پیوند به گونه‌ای برگشت‌ناپذیر قطع شود، یا هرگز به شکل رضایت‌بخشی برقرار نشود، از آن پس رشد جسمانی، ذهنی و اجتماعی کودک ممکن است به صورتی دائمی آسیب ببیند.^۱

ب) دوران نوجوانی و جوانی

دوره نوجوانی با توجه به بحران بلوغ و تغییراتی از قبیل بروز اخلاق خودپروی و حس استقلال‌طلبی، فرزندان فکر می‌کنند قدرت انجام هر کاری را دارند؛ به علاوه بحران‌های عاطفی در رابطه با جنس مخالف، وارد شدن به گروه‌های مختلف و... از جمله مسائلی هستند که می‌توانند مشکلاتی را برای نوجوانان فراهم کنند. این جاست که حضور و ارائه راهنمایی‌های به موقع مادر، می‌تواند از بروز بسیاری از این خطرها پیش‌گیری کند یا از شدت بحران‌ها بکاهد.^۲ در واقع کنترل و حضور فعال مادر در دوره نوجوانی، به شکل‌گیری شخصیت مناسب و عاری از آسیب و در دوره جوانی به تثبیت شخصیت فرزند منجر می‌شود. مادری که مدت بسیاری را در طول روز در خانه حضور ندارد و زمانی هم که حضور دارد ذهنش آن‌قدر درگیر مسائل کاری است که حضور فعالی ندارد، نمی‌تواند در مقابله با بحران‌های دوران نوجوانی و جوانی، با فرزند همراه شود و فرزند براساس عقاید و تصمیم‌های خود و بدون نظارت تربیتی، با آسیب‌پذیری بیش‌تری در تنهایی بزرگ خواهد شد.

۱. میاکلمز پرینگل، نیازهای کودکان، ص ۱۳۸.

۲. همان.

۶ آداب اشتغال

تا این‌جا ثابت شد که وظیفه اولیه مادر تربیت فرزند است. دلایل و شواهد متعدد بر این امر وجود دارد؛ از این رو در اسلام سفارش شده که زنان رسالت اصلی خود، یعنی تربیت فرزند و خانه‌داری را انجام دهند. البته در مرحله دوم، می‌توانند شغل و مسئولیت‌هایی را هم انتخاب نمایند. اتفاقاً از جمع آیات و روایات نیز همین مطلب استفاده می‌شود؛ زیرا در برخی آیات، به استقلال اقتصادی و انتخاب مشاغل بانوان اشاره شده است. در برخی روایات هم آسیب‌ها و پی‌آمدهای اشتغال زنان بیان شده و معنایش این است که در صورت تعارض وظیفه اولیه مادر (تربیت) و رسالت دوم او، باید وظیفه اول در اولویت قرار گیرد؛ اما در صورت عدم تعارض آسیب‌های جدی، زنان می‌توانند شغل انتخاب کنند.

در این‌جا باید به این مسئله اشاره شود که اشتغال دارای آداب ظاهری، پوششی، اخلاقی و... است و رعایت این آداب، آسیب‌های اجتماعی که بقای خانواده‌ها را تهدید می‌کند، به حداقل می‌رساند.

گاهی در محیط‌های کاری، زنانی با چهره‌های آرایش شده و غیرمتعارف هستند که موجب می‌شوند، تعدادی از مردان نیز نگاه‌های خود را کنترل نکرده و آسیب‌های اجتماعی شروع شود. طلاق عاطفی که هم‌اکنون بر خانواده‌های بسیاری سایه انداخته، حاصل رواج بدحجابی و حضور چنین زنانی در محیط‌های کاری و اجتماعی است. در این شرایط، مردان از همسر خود انتظار دارند که مشابه این افراد باشند. گاهی نیز در برخی شغل‌ها، مقام و منزلت زن را چنان پایین می‌آورند که هدف از انتخاب زن در آن، فقط جذب مشتری است.^۱

1. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=>

«آنی رود (نویسنده انگلیسی)» می‌گوید: «کاش کشور من مانند کشورهای اسلامی بود که زنان با پوشش و عفت، آسوده‌ترین زندگی را دارند. این برای انگلستان یک ننگ است که دخترانش به خاطر آمیختگی با مردان در مشاغل اجتماعی به رذالت کشیده شوند. چه می‌شود ما را که سعی نمی‌کنیم وظایف و مسئولیت زنان مان، هماهنگ با فطرت و طبیعت آنان باشد؛ یعنی همان خانه‌داری و تربیت فرزند و کارهای مردانه را به مردان واگذار کنیم تا شرافت و ارزش زنان را به دست آوریم.»^۱

شایسته است زنان شاغل در محیط کار، حریم عفت و نجابت را رعایت کنند و در تعامل با نامحرمان از صحبت‌های غیرضروری، درد دل کردن و شوخی و مزاح خویش‌داری کنند و این نیاز، احساس، شور و هیجان خود را با همسر خویش رفع نمایند و در صورت امکان، از حضور در مشاغلی که محیط خلوت با نامحرم را فراهم می‌کند، دوری کنند و در همه حال - به ویژه محیط کار - در مقابل نامحرم رفتاری توأم با وقار، جدی و متکبرانه داشته باشند. همچنین در کیفیت، رنگ، اندازه و جنس پوشش خود حدود شرعی را رعایت کنند و از آرایش و صحبت با لحن مهیج خودداری ورزند. در قرآن (خطاب به زنان پیامبر) آمده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۲ به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند.»^۳

۱. مریم نورالدین فضل‌الله، *المرآة فی کل الاسلام*، ص ۴۵ و خدیجه سفیری، *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*، ص ۱۳۷.

۲. احزاب، آیه ۳۲. <http://tahzib-howzeh.com>.

۳. <http://tahzib-howzeh.com>.

بدین‌گونه اسلام اشتغال زنان را زمانی می‌پذیرد که آن‌ها در انجام وظایف همسراری و مادری، کوتاهی نوزند و همیشه رسیدگی به امور خانواده را در اولویت قرار دهند.

زنان و مُدگرایی

سیده مریم طباطبایی ندوشن*

مقدمه

در سرشت آدمی، حس «کمال‌جویی» نهفته است. بنابراین آدمی به پیروی از انسان‌هایی تمایل دارد که در مقام «الگو» درجه‌های بالاتری از «کمال» را دارند. اساس «الگوگرایی»، ارزش‌های درونی فرد است که «کمال» را برای آدمی تعریف می‌کند. این کمال می‌تواند کمال معنوی، جمال ظاهری و باطنی باشد. بنابراین الگو می‌تواند یک اسوه دینی یا یک هنرپیشه و... باشد.

کمال باطنی، مُنافی جمال ظاهری نیست؛ چون زیبایی دوستی و آراستگی، بخشی از فطرت کمال‌جوی آدمی است؛ اما افراط در الگوگیری از افراد بعضاً مشهوری که در امور، مانند نوع لباس، آرایش مو... «الگو» و «مُد» انگاشته می‌شود، آدمی را از توجه به ارتقای درونی و کمال انسانی بازمی‌دارد و مُنافی هدفِ متعالیِ خلقتِ ارزش‌های انسان است. این امر که با عنوان «مُدگرایی افراطی» یا «مُدپرستی» یاد می‌شود، پیامدهای منفی فردی، خانوادگی و اجتماعی فراوانی دارد.

* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و پژوهشگر حوزه خانواده.

این مقاله که می‌کوشد موضوع مدگرایی زنان را واکاوی کند، در محورهای ذیل سامان یافته است:

تعریف مد

در فرهنگ دهخدا «مد» این‌گونه تعریف می‌شود: لغتی فرانسوی به معنای روش و طریقه موقت که طبق ذوق و سلیقه اهل زمان، طرز زندگی، لباس پوشیدن و غیره تنظیم می‌شود.^۱ «مُد» در زبان فرانسه به معنای طرز، اسلوب، عادت، شیوه، سلیقه، روش و باب روز آمده است. این واژه پس از جنگ جهانی اول، به دنبال نفوذ تمدن غرب به ایران، وارد زبان فارسی شد و در اصطلاح، روش و طریقه‌ای موقتی است که بر اساس سلیقه و سبک زندگی افراد یک جامعه، تنظیم می‌شود. نکته در خور تأمل در این تعریف، موقتی بودن رفتار است.^۲

فرایند ایجاد و ترویج مد

از بررسی تعاریف متعدد مُد، به این جمع‌بندی می‌رسیم که مُدها در همه ابعاد (لباس، شیوه آرایش، معماری، دکوراسیون، اتومبیل، تلفن همراه و...) جزو آخرین الگوهایی هستند که مُدپردازان برای دوره کوتاهی عرضه می‌کنند و بخشی از جامعه نیز آن را می‌پذیرند. پس از آن‌که تقاضای مد به اوج خود رسید، زوال مد آغاز، و با پیدایی مد جدید، مد قبلی از دور خارج می‌شود. ماهیت کلی مُد، به وسیله اصطلاحات متقابل «مُد روز» و «از مُد افتاده» یا «مُد و دُمده» بیان می‌شود. این اصطلاحات بر تغییرات مُداوم دلالت دارد و «مُد» را از «رسم» که ثابت و تثبیت شده است، جدا می‌کند.

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۲، ص ۱۸۱۱۵.

۲. علی محمدنژاد، مدگرایی، نشریه نسیم البرز، تیرماه ۱۳۸۳.

فرایند ایجاد و ترویج مد بدین صورت است که شرکت‌های تولیدی جهان بر اساس روحیه نوگرایی انسان، از طریق سنجش روحیات افراد جامعه، هر روز یک فرم شلوار، پیراهن، کفش و... را عرضه می‌کنند و اندک تغییری از جانب آنها، یک مد جدید می‌شود. حتی گاهی برای آن‌که کالای تولیدی سریع‌تر در جامعه ترویج شود، با پرداخت مبالغ هنگفتی به افراد مشهور، مانند فوتبالیست‌ها یا بازیگران سینما، از آنها با کالا یا لباس مدنظر، تصاویری تهیه می‌کنند و به تبلیغ گسترده می‌پردازند. تولیدکنندگان داخلی نیز بدون تحقیق و در نظر داشتن فرهنگ ملی و اسلامی، معمولاً به الگو برداری و تقلید از مدهای غربی می‌پردازند و این، یکی از شیوه‌های ترویج مدگرایی در ایران است.

دلیل نگرانی از شیوع مدگرایی در ایران

شیوع مدگرایی در جامعه ایرانی، نگران‌کننده است؛ چراکه با تغییر اولویت جنگ‌ها از سخت به نرم، فرهنگ غربی - صهیونیستی با تمامی امکانات تبلیغی و رسانه‌ای، ملل مسلمان و به ویژه جامعه ایران را آماج حملات فرهنگی خود ساخته است تا زمینه برای انواع گرایش‌های غیرالهی هموار، و بدین وسیله امکان انواع سلطه فراهم شود. در این عرصه، همواره «زنان» هدف اصلی دشمن بوده‌اند؛ چراکه سرمایه انسانی - فرهنگی جوامع مسلمان، زنان آن هستند که در کنار وظیفه پرورش دهنده‌گی جامعه، پرچمداری حجاب و عفاف را نیز بر عهده دارند.

متأسفانه فضای جامعه نیز تحت تأثیر مدگرایی قرار گرفته و مُدگرایی را توجیه می‌کند. چنان‌که همه ما بارها و بارها از دیدن زنانی که با پوشش‌های زننده و آرایش عجیب چهره در اجتماع حاضر شده‌اند، متعجب شده‌ایم و از خود

پرسیده‌ایم: چطور ممکن است کسی حاضر شود با چنین لباس غیرمتعارف و چنین چهره‌ای در معرض دید دیگران قرار گیرد؟! و بلافاصله، به خود پاسخ می‌دهیم: حتماً مد شده است! گویا «مُد» توجیهی پذیرفتنی برای پوشش و آرایش‌های غیر معمول است.

آنچه درباره گرایش به مد نگران‌کننده است، گرایش افراطی به آن است؛ به گونه‌ای که تمام فکر و توجه فرد به شیوه‌ای بیمارگونه، به آخرین مُدل‌های روز لباس، آرایش و... معطوف می‌شود و به محض آن‌که الگوی جدیدی در جامعه رواج یافت، از آن‌ها پیروی می‌کند. به موازات افراط در مدگرایی، اگر مدهای یک جامعه، الگوگیری از فرهنگ غیر خودی باشد، نگرانی از این پدیده بیش از پیش افزایش می‌یابد. «آنچه برای اندیشمندان و محققان مسائل فرهنگی در هر جامعه‌ای، مهم و اساسی است، مسئله پیروی از مد غیر بومی است»؛^۱ چنان‌که مقام معظم رهبری نیز تأکید می‌کنند: «مواظب باشید قبله‌نمای این مُدگرایی، به سمت اروپا نباشد»؛^۲ چراکه انسان مدگرا، قربانی مد می‌شود و اگر مُدها برخلاف شئون فرهنگی و اعتقادی جامعه باشند، ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه را به همراه هویت افراد به مسلخ می‌برند.

انواع مدها

با آن‌که الگوها و مدهای غربی تنها یکی از اشکال الگویی هستند و مفهوم مد، به شکل غربی آن خلاصه نمی‌شود، مدها در جامعه ما، از پستوانه فرهنگ خودی، کم‌بهره‌اند و غالباً وارداتی هستند.

متأسفانه برخی از زنان جامعه اسلامی ما در گرایش به مد و مدپرستی، به

۱. هدایت‌الله ستوده، *درآمدی بر روان‌شناختی اجتماعی*، ص ۳۲.

ویژه در حوزه لباس و آرایش، گوی سبقت را از مدپرستان غربی و کشورهای اروپایی که خواستگاه مد هستند، ربوده‌اند. این پدیده که در چشم بعضی زیبا جلوه می‌کند، طیف وسیعی از ناهنجاری‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را به همراه دارد که دود آن به چشم همه خواهد رفت. مجله فرانسوی اکو مُد درباره وضعیت ظاهر و آرایش زنان ایرانی می‌نویسد:

«صورت‌ها دیگر واقعی و دل‌نشین نیستند. زنان ایرانی، چهره خود را پشت نقاب سنگینی از آرایش و عمل زیبایی مخفی می‌کنند. جای تعجب دارد که زنان این کشور علی‌رغم آموزه‌های دینی خود، شبیه ستاره‌های فیلم‌های پورنو آمریکایی آرایش می‌کنند. ما در خیابان‌های اروپا بسیار کم با چنین مواردی روبه‌رو می‌شویم. در ایران صورت زنان، بیشتر از آن‌که حس خوبی القا کند، حس شهوت را برانگیخته می‌کند. خرید و فروش کتاب در مقابل خرید و فروش لوازم آرایش بسیار کم و ناچیز جلوه می‌کند. در ایران مقدار خرید و فروش یک سال کتاب، برابر است با میزان خرید و فروش یک روز لوازم آرایش...»^۱ بر نوشتار این مجله خارجی، پوشش و آرایش آشکار زنان در بسیاری از خیابان‌ها، آمارهای رسمی از فروش لوازم آرایش، عمل‌های جراحی، انواع پروتز و ... صحنه می‌گذارد و این نوشتار گویای آن است که زنان ایرانی حتی بیش از انتظار غرب، مُدگرا شده‌اند! و چون از آنها «کلاه» خواسته شده، «سر» آورده‌اند!

رابطه زیباخواهی و مدگرایی

الگوگرایی ریشه در فطرت انسان دارد. بنابراین آدمی به پیروی از انسان‌هایی تمایل دارد که به عنوان «الگو» درجه‌های بالاتری از «کمال» را طی

۱. شبکه خبری تحلیلی <http://titre1.ir/fa/news/>

کرده‌اند. اینکه حد نهایی کمال برای آدمی «آراستگی باطنی» یا «جمال ظاهری» باشد، بستگی به ارزش‌های درونی فرد دارد. البته جمال ظاهری با کمال باطنی منافاتی ندارد؛ اما اگر زیباخواهی به افراط کشیده شود، زمینه مدگرایی را فراهم می‌کند.

آراستگی که بعضاً در مدهای منطقی جلوه می‌کند، نه تنها آثار مثبت بر روح و روان خود فرد دارد، موجب تعالی و رشد افراد جامعه نیز می‌شود. در مقابل، پرهیز از خودآرایی، و پریشانی و ژولیدگی چون با خواست فطری انسان در تعارض است، به تدریج آثار منفی در روان او بر جای می‌گذارد که افسردگی، نداشتن تعادل روانی، سرکوبی علایق طبیعی و... از جمله آنهاست.

در قرآن که بهترین پاسخ‌ها برای نیازهای بشر را در آن می‌یابیم، آمده است:
 «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱ ای آدمی زادگان! در هر مسجد و عبادتگاهی لباس زیبا بپوشید».

در آیه بعدی با لحن تندتری در پاسخ به آنها که گمان می‌برند، تحریم زینت‌ها و پرهیز از غذاها و روزی‌های پاک و حلال، نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است، می‌گوید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^۲ بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده و مواهب و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است».

در سیره اولیای الهی نیز همواره با این منطق غلط ناآگاهان که پرهیز از خودآرایی را دلیل وارستگی از قید نفس و بی‌اعتنایی به دنیا قلمداد می‌کردند، به طور جدی برخورد شده است.^۳

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. اعراف، آیه ۳۲.

۳. شیخ طوسی، *الأمالی*، ص ۲۷۵، ح ۵۲۶.

امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند: مردی برای ورود به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواست. چون آن حضرت خواست بیرون بیاید، در اتاق، در مقابل کاسه کوچکی که آب داشت، کمی ایستاد و در آن نگاه کرد تا محاسن خود را صاف و مرتب کند. هنگامی که به درون خانه بازگشت، عایشه گفت: «ای رسول خدا، تو سرور فرزندان آدم و فرستاده پروردگار جهانیانی! در برابر این کاسه چرمین (که کمی آب دارد) می‌ایستی و سر و ریش را صاف می‌کنی؟!» پیامبر فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُ وَيَتَجَمَّلَ؛^۱ خدا دوست دارد هنگامی که بنده مؤمنش نزد برادر خود می‌رود، خود را مرتب و آراسته کند.»

اسلام، در کنار توجه به بُعد زیبایی‌گرایی فطری انسان، به روحیه زیبایی طلب زنان توجه ویژه‌ای معطوف داشته است. برای نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره کوتاه کردن ناخن به مردان توصیه می‌کند: «قُصُّوا أَظْفَارَكُمْ؛^۲ ناخن‌های خود را کوتاه کنید»، ولی به زنان می‌فرماید: «أُتْرِكْنَ فَإِنَّهُ أَرْزِينُ لَكُنَّ؛^۳ ناخن‌ها را بلند نگه دارید؛ زیرا برای شما زیباتر است»

در روایاتی نیز بر زیور داشتن گردن زن، هرچند به گردنبندی ساده، تأکید شده است.^۴

اسلام برای نوع آرایش و پوشش زن در مقابل همسر نیز محدودیتی قائل نشده است؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَّيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيْبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَ عَشِيَّةً؛^۵ بر

۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۹۶.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۴۵.

۳. همان.

۴. طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۹۴.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸.

زن لازم است خود را خوشبو کند، بهترین لباس‌هایش را بپوشد، به بهترین وجه زینت کند و با چنین وضعی صبح و شب با شوهرش ملاقات کند». بر این اساس پرداختن به موضوع مدگرایی زنان و آسیب‌های آن، به معنای نفی زیبایی‌طلبی فطری نیست؛ چراکه خداوند روحیه و ذات زنان را به زیبایی خلق کرده و طبیعت آنان را زیباطلب آفریده است. بنابراین گرایش به مد در حد تعادل، یعنی در حدی که از مرز اسلام و عقل خارج نشود، نه تنها هنر زن، بلکه در میان زرق و برق مدهای وارداتی و ضددینی، ستودنی است.

عوامل و زمینه‌های مدگرایی

در خصوص علل مدگرایی، به دو دسته عوامل فردی و اجتماعی می‌توان اشاره کرد:

۱. عوامل فردی

الف) ضعف اعتقادی: سستی اعتقاد به روز جزا و باور نداشتن اینکه حجاب، مصونیتی برای زن است و دستورهای اسلام ضامن آرامش دنیا و سعادت آخرت است، یکی از علل اصلی گرایش افراطی به مد است.

زنی که اسلام را عزیز و محترم می‌داند، به اصول آن نیز معتقد و ملتزم است؛ بنابراین در انتخاب پوشش و آرایش خود و در گرایش به مد، از خود می‌پرسد:

آیا با چنین مدی، اصل حجاب و عفاف رعایت می‌گردد؟

بر اساس آیه سی و یکم سوره نور، اسلام با هرگونه پوششی که در آن به دلیل نازکی، چسبندگی و همچنین نمایان شدن اعضای بدن، حریم عفاف و حیا رعایت نشود، مخالف است. مانتوهایی که آستین کوتاه دارند، شلوارهای چسبان و ساپورت‌هایی که با مانتوهای کوتاه پوشیده می‌شوند، روسری‌ها و شال‌هایی که بخشی از موها را نمی‌پوشانند، مشمول مخالفت اسلام‌اند.

آیا انتخاب این مد، ناقض احکام الهی نیست؟

اولین سؤالی که در ذهن یک بانوی مسلمان در مواجهه با مدهایی چون کاشت ناخن، کاشت مژه و... مطرح می‌شود، این است که این امور مُبطل وضو و غسل نیست؟

آیا این پوشش و آرایشی که مد شده است، مطابق با جنسیت زن است؟ چندی پیش نوعی از کوتاهی مو بین زنان رایج شده بود که از موی بسیاری از مردان و پسران جوان نیز کوتاه‌تر و تداعی‌کننده جنس مرد بود.

از نظر اسلام، نوع لباس و آرایش افراد، باید معرف جنسیت آنها باشد. امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَتَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ لَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ؛^۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردانی که خود را همانند زنان بیارایند و رفتار زنانه‌ای داشته باشند، و زنانی که خود را به شکل مردان درآورند، لعنت فرستاد».

آیا با انگیزه فخرفروشی، به چنین مُدی گرایش داریم؟ اسلام مبنا را در پوشش، پرهیز از خودنمایی و مباهات و فخرفروشی قرار داده و کسانی را که بدین منظور لباس می‌پوشند، مذمت کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَلْبَسُ ثَوْبًا لِيَبَاهِيَ بِهِ فَيَنْظُرُ النَّاسَ إِلَيْهِ إِلَّا اسْمَ لَمْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْزِعَهُ؛^۲ هرکس لباس بپوشد تا بدان مباهات کند و مردم به او بنگرند، خدا به او ننگرد تا آن لباس را از تن به در کند».

ب) خودکم‌بینی: افرادی که خود را از نظر ارزش ذاتی، کمتر از دیگران ارزیابی می‌کنند، برای جبران این حس حقارت درونی به تظاهر بیرونی روی می‌آورند. استفاده از لباس‌های چسبان و بدن‌نما و رنگارنگ، کفش‌هایی با

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۰۸.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۷۰۴.

پاشنه‌های خیلی بلند، و آرایش تند با رنگ‌های غیرطبیعی، با هدف جلب توجه دیگران صورت می‌گیرد.

ج) هم‌رنگی با جماعت: بیشتر مردم، در عقیده و عمل خاص از اکثریت پیروی می‌کنند. پیروی از اکثریت، بدون تأمل در حقیقت آن، از آفت‌های مهم تقلید است. بعضی از زنان به دلیل عفت درونی از بی‌حجابی و چهره‌آرایش کرده در حضور نامحرم کراهت دارند و تنها به دلیل هم‌رنگی با جماعت، مانند سایرین رفتار می‌کنند. این زنان با آنکه هیچ هدفی در جلب نظر نامحرم ندارند، از این‌که در ظاهر با دیگرانی که تعدادشان کم نیست، متفاوت باشند، احساس ناخوشایندی دارند. باید مراقب بود که این ضرب‌المثل سطحی‌گرانه که «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» آفت دین و دنیای ما نشود.

د) معاشرت‌ها: یکی از عوامل پیروی از مد در زنان جوان، ترس و نگرانی از مجازات‌های غیررسمی از سوی دوستان است. لذا تحقیر و تمسخر، پوزخند زدن و متلک گفتن اطرافیان، باعث می‌شود که بعضی از زنان جوان از مدهای رایج پیروی کنند.

ه) سطحی‌نگری: مناسب‌ترین بستر برای مُدگرایی، کوتاهی فکر و کوچک بودن دنیای ذهنی افراد است. پادزهر کوتاه‌فکری، تفکر و مطالعه است. مطالعه به انسان، وسعت فکر می‌دهد. افراد اهل مطالعه، قدرت تجزیه و تحلیل بیشتری دارند. آنها خود را قربانی مد نمی‌کنند.

به علاوه تفکر در عاقبت هر امری، در گرایش انسان به آن یا پرهیزش از آن، بسیار مؤثر است.

و) تفاخر: افرادی که خود را از قشر مرفه جامعه و برتر از دیگران می‌دانند، سعی می‌کنند این برتری را در گویش، پوشش، محیط‌آرایی و سبک آرایش و زیورآلات خود نشان دهند.

۲. عوامل اجتماعی

الف) ماهواره:

ماهواره‌ها و شبکه‌هایی که با هدف تهاجم فرهنگی ایجاد شده‌اند، با سه شیوه جوانان و زنان را به سوی مدگرایی و در نتیجه غربی‌گرایی سوق می‌دهند: روش اول برای افراد نسبتاً مذهبی، روش دوم برای آنان که اعتقادات ضعیفی دارند، و روش سوم برای همه افراد جامعه به کار گرفته می‌شود:

۱. شیوه اول: اعتقادی: هر انسانی دارای یک مبنای فکری و اعتقادی است که اساس رفتار او را تشکیل می‌دهد. شبکه‌های ماهواره‌ای با ایجاد شباهت و تلقین‌های نادرست در زمینه اعتقادات اسلامی و به ویژه شیعی، سعی در بی‌هویتی دینی جوانان و زنان دارند. تهی ساختن فرد از مبانی دینی، اولین گام برای پر ساختن ذهن او از افکار سطحی است.

۲. شیوه دوم: فرهنگی و اخلاقی: انسان‌های آزاده‌ای هستند که علی‌رغم ضعف اعتقادی، خود را به رعایت اصول فرهنگی و اخلاق انسانی مقید می‌دانند؛ اصولی مانند رعایت متانت در اجتماع و رعایت حریم زن و مرد. اما مبنای این رسانه‌ها آن است که اساساً فکر و اندیشه را از هر آنچه مانع گرایش به انواع پلیدی و زشتی است، پاک کنند؛ به طوری که تنها عامل و انگیزه رفتار آدمی، لذت‌ها و شهوت‌ها باشد.

۳. شیوه سوم: سیاسی: هدف نهایی این شبکه‌ها سلطه سیاسی است و راه سلطه سیاسی، سلطه فرهنگی است. این شبکه‌ها با اظهار دلسوزی برای ملت، به دولت حمله انتقادی می‌کنند تا آنانی را که در بصیرت کم‌بهره‌اند، از نظام دلسرد کنند و به نوعی آنها را با نظام اسلامی دشمن سازند. مسلم است که زمانی که یک جوان و یک زن از هر اعتقاد بازدارنده درباره بی‌حجابی خالی شود، با نظام

اسلامی که گاهاً محدودیت‌هایی برای بی‌حجابی و بی‌عفتی قائل است، دشمن می‌شود.

ساده‌لوحانه است اگر هدف حامیان صهیونیستی شبکه‌های ماهواره‌ای را دلسوزی و ایجاد سرگرمی برای ایرانیان بدانیم. خبرگزاری یونایتدپرس در ۲۱ شهریور ۱۳۸۱ مطلبی به نقل از نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، خطاب به کمیته اصلاح دولتی (یک نهاد دولتی در آمریکا) منتشر کرد که فلسفه ایجاد بسیاری از شبکه‌های فارسی‌زبان را روشن می‌سازد، وی گفت:

«آمریکا می‌تواند با پخش سریال‌های شبکه فاکس که افراد زیباروی جوان را در وضعیت‌های متنوعی از برهنگی نشان می‌دهد در حالی که زندگی‌های فریبنده و مادی‌گرایانه دارند و رابطه‌های بی‌قید جنسی برقرار می‌کنند، یک انقلاب را علیه حکومت این کشور برانگیزد». وی به این کمیته گفت: «این [سریال‌ها]، واقعاً براندازانه هستند. جوانان ایرانی، دل‌شان از لباس‌های دل‌پسندی که در این سریال‌ها می‌بینند، خواهد خواست. آن‌ها استخرها و زندگی‌های پر زرق و برق را خواهند خواست».^۱

مطلب قابل توجه آن است که نخست‌وزیر اسرائیل، سقوط جمهوری اسلامی ایران را به نفوذ فرهنگی غرب در ایران وابسته می‌داند و از آمریکا خواسته تا تغییر رژیم دو کشور عراق و ایران را پی‌گیرد و این کار را در عراق، با حمله نظامی و در ایران، با پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای با محتوای هرزه انجام دهد.^۲

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی موعود، به نشانی: www.mouood.org

۲. محسن عباسی ولدی، بشقاب‌های سفره پشت بام‌مان، ص ۸۹.

ب) ضعف تربیت اسلامی - اجتماعی:

تربیت اجتماعی به معنی آموختن هنجارهای جامعه است. خانواده، مدرسه و دانشگاهی که پایبندی به اصول را اساس تربیت و پرورش قرار می‌دهد و بر هنجارهای مورد قبول جامعه تأکید دارد، خط قرمز اعضایش در گرایش به مد، انتخاب نوع پوشش، آرایش و... قوانین ارزشی و مذهبی است. تربیت اجتماعی صحیح به انسان یادآور می‌شود که پوشش، عاملی برای نمایش اعتقاد و شخصیت افراد است و تنها زیبا بودن یک لباس، پوشیدن آن را مجاز نمی‌کند. اگر مراکزی چون مدرسه، دانشگاه و محل کار موازینی بر پایه اخلاق و حجاب اسلامی داشته باشند، ضمن آن‌که از ناهنجاری‌های اجتماعی کاسته می‌شود، آن مراکز علمی، آموزشی یا شغلی، بالاترین کارکرد را خواهند داشت. «در هنگام ورود به دانشگاه کوالا لامپور، نگهبان مانع ورود یک جوان ایرانی به دانشگاه شد. علت جالب بود؛ چون با پیراهن مردانه آستین کوتاه قصد ورود داشت! و این برایم جای شگفتی و تأسف داشت که در چنین کشوری که زنان غیرمسلمان، از پوشش‌های بسیار کم و کوتاه استفاده می‌کنند (در حد تاپ و شلوارک‌های بسیار کوتاه) برای آنکه یک محیط رسمی و علمی مانند دانشگاه، دچار کژکارکردی نشود، چنین قوانینی اعمال می‌شود؛ در حالی که در دانشگاه کشور اسلامی ایران، پوشش دانشجویان و آرایش دختران، قرابتی با محیط علمی ندارد: ناخن‌های لاک‌زده، صندل، آرایش زننده و...»^۱.

شاخصه‌های مدگرایی در زنان

گستره مد، تمامی شئون زندگی را در بر می‌گیرد. عرصه پوشش، آرایش، محیط‌آرایی، مدل ماشین، مدل کیف و کفش، لوازم منزل، معماری، و حتی شیوه

۱. تجربه نویسنده در سفر به کشور مالزی.

احوال‌پرسی به سبک و مد روز بستگی دارد. شاخص‌ترین ابعاد مدگرایی مربوط به زنان ایرانی عبارت‌اند از:

لباس

تا یکی دو دهه قبل، زنان ایرانی از چهار دسته لباس استفاده می‌کردند: لباس‌های ویژه منزل، لباس‌های ویژه خیابان (ویژه حضور نامحرم)، ویژه مهمانی و مجالس، و لباس‌های ویژه محل کار. اما در چند سال اخیر در خیابان‌های شهرهای بزرگ، زنانی با پوشش‌های نامناسب و مطابق با مدهای غربی می‌بینیم که در کنار عمل بینی و پروتزهای لب و گونه، آرایش‌های زنده‌ای نیز دارند. گویا برای این زنان، فرقی نمی‌کند که مقصدشان محل کار است یا مراسم جشن و مهمانی!

این در حالی است که در کشورهای اروپایی و آمریکایی لباس‌ها و آرایش‌ها متناسب با موقعیت در نظر گرفته می‌شود!

گزارشی در زمینه بازار مد پوشاک در ایران نشان می‌دهد که ایران بزرگترین بازار مصرف مد در خاورمیانه است و گردش مالی سالانه آن، بالغ بر دو هزار و سیصد میلیارد تومان است که این امر نتیجه تسخیر بازار ایران توسط پوشاک خارجی است.^۱

سبک آرایش

استفاده از لوازم آرایشی در ایران، دیگر نه سن خاصی دارد و نه قشر خاصی. امروزه برخی از دختران و زنان ایرانی استفاده از لوازم آرایشی را جزو لاینفک زندگی خود می‌دانند. از سوی دیگر، سن مصرف لوازم آرایش نیز به سنین

1. <http://mardomsalari.com/template1/News.aspx>

نوجوانی رسیده؛ این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، تمایل به آرایش، بیشتر در بین زنان مسن دیده می‌شود که طراوت و شادابی پوست خود را از دست داده‌اند.

در روزنامه ایندپندنت گزارشی درج شده است که در آن سن مصرف لوازم آرایش در کشور ایران را پایین‌تر از نُرم جهانی عنوان کرده‌اند.^۱ انواع آرایش‌های خلیجی، لایت و... با زنده‌ترین شکل ممکن، همه و همه تقلید از بازیگران و خوانندگان عربی و غربی است؛ با این تفاوت که بازیگران و خوانندگان عربی و غربی بعضاً و بیشتر در صحنه و سن، چنین آرایشی دارند و مقلدانشان در ایران، در کوچه و خیابان!

عمل‌های زیبایی

جراحی پلاستیک در ایران هفت برابر کشور آمریکا است و نود درصد آن مربوط به عمل بینی است. از این رو ایران را باید پایتخت عمل جراحی زیبایی در جهان قلمداد کرد! این در حالی است که «تنها بیست درصد از عمل‌ها جنبه درمانی دارد و هشتاد درصد افراد تنها برای زیبایی، عمل بینی انجام می‌دهند که ده درصد این آمار را آقایان، و نود درصد را خانم‌ها شامل می‌شوند».^۲ در تحقیقی که گروه آسیب‌شناسی مرکز مطالعات آریا انجام داده است، ۶۵ درصد دختران زیر ۲۵ سال از ظاهر خود راضی نیستند و بسیاری از آنها به جراحی زیبایی روی می‌آورند.^۳

بر اساس آمارهای موجود در کشور ما، جراحی بینی در رتبه اول، جراحی اندام در رتبه دوم، و حذف چین و چروک صورت در رتبه سوم جراحی‌های

1. <http://www.jahannews.com>

۲. به نقل از دکتر محسن نراقی، رئیس انجمن تحقیقات راینولوژی ایران www.salamatnews.com

3. <http://hamshahrionline.ir>.

معمول در ایران قرار دارد و طبق نظرسنجی تلفنی از مردم تهران، ۴۵ درصد افرادی که مورد سنجش قرار گرفته‌اند، موافق جراحی زیبایی بوده‌اند!^۱ این آمارها گویای تب بسیار بالای زیباتر شدن با پذیرش نتایج مثبت و منفی آن است. آیا این پدیده، نتیجه مدگرایی و اسطوره دانستن شخصیت‌های ماهواره ای نیست؟

شیوه گفت‌وگو

گاهی در گفت‌وگوهای زنان، اصطلاحاتی می‌شنویم که شنیدن آن‌ها از مردان بزهکار نیز ناپسند است. تعابیری که وقار و متانت زنانه را می‌شکند و البته بعید است در این بُعد مدگرایی، وامدار غربی‌ها باشیم! اصطلاحات تویی از معنی مانند: «کَفَشْتِ تو حَلَمَم»، «اندشه و...».

به یاد داشته باشیم که چنین اصطلاحاتی، شأن و شخصیت گوینده را از جایگاه تشخص و فرهنگ‌مداری، تنزل می‌دهد.

حضور بی‌رویه در شبکه‌های مجازی اجتماعی نظیر واتساپ، تلگرام، اینستاگرام و... نوع لوازم و دکور منزل، نام‌گذاری فرزندان و... از شاخص‌های مدگرایی زنان ایران است که پرداختن به همه آنها در این مجال نمی‌گنجد.

رواج غیبت در بین بانوان

آمنه انتصاری*

مقدمه

غیبت یکی از بزرگ‌ترین عیوب اخلاقی و از فراگیرترین بیماری‌های روانی - شخصیتی است که در اخلاق اسلامی هم از آن به شدت نهی شده است. شاید هیچ عملی در اسلام به اندازه غیبت، ناروا دانسته نشده باشد؛ زیرا باعث هتک حرمت مسلمین شده، بین مردم ایجاد کینه می‌کند و موجب تضییع آبرو می‌شود. غیبت کردن، دوستی‌ها را تبدیل به دشمنی می‌کند و باعث می‌شود حسن ظن و خوش‌گمانی جایش را به بدگمانی بدهد. این بدگمانی، وحدت و دوستی را از بین می‌برد و با همراهی شیطان باعث ایجاد تفرقه می‌شود. در این مقاله به بررسی علل غیبت بین بانوان و راهکارهای جلوگیری از آن می‌پردازیم.

تعریف غیبت

غیبت کردن به معنای غایب شدن، ناپدید شدن، حاضر نشدن، بدگفتن در

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

پشت سر کسی، و بدی و عیب کسی را در غیاب او گفتن است.^۱ بنابراین اگر بدی‌های شخصی را در نبودش بگویند و آن بدی‌ها به واقع در او باشند، این کار غیبت است و اگر آن بدی‌ها در او نباشند، بهتان و تهمت است.^۲ در تفسیر مجمع البیان آمده: غیبت آن است که انسان پشت سر دیگران عیب‌هایی را که دارند بازگو کند؛ اما اگر پشت سر دیگران چیزی گفته شود که در آنان نیست، این کار بهتان و تهمت نام دارد که گناه بزرگی است.^۳

نکوهش غیبت

در قرآن کریم از غیبت به خوردن گوشت مرده تعبیر شده؛ زیرا کراهت خوردن گوشت مرده بر همه واضح است و کسی دوست ندارد گوشت مرده بخورد؛ در غیبت هم همین است و آبروی مؤمن در زمان غیبت مانند گوشت مرده است؛ به ویژه که آبروی رفته دیگر باز نمی‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «... لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ...»؛^۴ بعضی از شما غیبت بعضی را نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ پس [به راستی که] از آن کراهت دارید». مجمع البیان در ذیل این آیه به نقل از زجاج می‌گوید: این مثال بدان جهت آمده است که همان‌گونه که اگر گوشت مرده‌ای را برادرش بخورد، بدان دلیل که مرده است دردی را حس نمی‌کند، هنگام سخن گفتن پشت سر دیگری نیز او همان حالت را دارد؛ چراکه حضور ندارد تا از خود دفاع کند.^۵

۱. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، باب غیبت، ص ۱۴۸۹۶.

۲. ابن اثیر، النهایه، ج ۳، باب العین والباء، ص ۳۹۹.

۳. علی کرمی فریدنی، شرح واژه‌های قرآن در ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۳۱، ص ۴۵۳.

۴. حجرات، آیه ۱۲.

۵. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۳، ص ۸۷۸.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «مَرَزْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلِيٍّ قَوْمٍ يَخْمِسُونَ وُجُوهُهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ فَقُلْتُ يَا جِبْرَائِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ»^۱ در شب معراج مردمی را دیدم که چهره‌های خود را با ناخن‌هایشان می خراشیدند. پرسیدم ای جبرئیل اینها کیستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که غیبت مردم را می کنند و آبرویشان را می برند».

بُودِ غَيْبَتِ خَلْقٍ، مُرَدَّارِ خَوْرَدَنِ اَز اَيْنِ لَقْمِهٖ پَاك كَنِ كَامِ وَ دِهْنِ رَا

علل غیبت

غیبت از صفات و رذایل اخلاقی است که از وسواس فکری نشئت می گیرد و متأسفانه مرد و زن، پیر و جوان به آن گرفتار، و از عواقب سخت آن نیز غافل‌اند؛ چنان‌که علی علیه السلام می فرماید: «الْغَيْبَةُ قُوْثُ كِلَابِ النَّارِ»^۲ غیبت غذای سگ‌های جهنم است». در بین افراد جامعه، بانوان بیشتر درگیر غیبت می شوند و غیبت بین آنان رواج بیشتری یافته است. این امر عوامل متعدد دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. تجسس

یکی از علل و انگیزه‌های غیبت کردن، تجسس در زندگی دیگران است؛ زیرا فردی که علاقه‌مند است از مسائل مخفی زندگی دیگران آگاه شود، میل به بازگو کردن آن نزد دیگران را نیز دارد. در واقع تجسس مقدمه ارتکاب غیبت است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید: «تَتَّبِعُ الْعُيُوبِ مِنْ أَقْبَحِ الْعُيُوبِ وَ شَرِّ السَّيِّئَاتِ»^۳

۱. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۷.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۹.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۳.

جستجو کردن عیب دیگران، از زشت‌ترین عیوب و بدترین گناهان است». از قرآن مجید استفاده می‌شود که از مهم‌ترین عوامل این گناه، تجسس در احوال و اسرار مردم است و کسی که همواره در خصوصیات و اسرار مردم به جستجو می‌پردازد، قهراً به بیماری غیبت مبتلا می‌شود.^۱ در این میان، زنان چون بیشتر با زندگی خصوصی یکدیگر ارتباط دارند، زمینه تجسس در آنها بیشتر است و کنجکاوی بیشتری در این زمینه دارند. همین موضوع می‌تواند عامل ارتکاب به گناه تجسس شود که پیش‌زمینه غیبت است. بنابراین برای جلوگیری از غیبت، لازم است از تجسس در زندگی مردم پرهیز کنیم و مشغول زندگی خود باشیم.

۲. سوءظن

فردی که در زندگی‌اش دچار سوءظن است، همیشه در دل به بدگویی و غیبت دیگران مشغول است و از این جهت است که برخی از علمای اخلاق از سوءظن به غیبت قلبی و باطنی نام برده‌اند. افرادی که سوءظن دارند، به همه بدبین‌اند و کارهای آنان را بر اساس انگیزه‌های خصمانه و ریاکارانه تحلیل می‌کنند. آن‌ها به کسی اعتماد نمی‌کنند؛ هر حرفی را به نوعی دشمنی دانسته، بر غرض‌ورزی حمل می‌کنند؛ و هر کاری را به بدترین شکل ممکن تفسیر و تحلیل می‌کنند. این پدیده اغلب در زنان به این صورت مشاهده می‌شود که به علت سوءظن به خانواده همسر یا سوءظن به عروس، تمام حرکات و سخنان آنان را به بدترین شکل ممکن تفسیر می‌کنند؛ در حالی که ممکن است این‌طور نباشد و بلکه می‌توان سخن و رفتار آنان را به نحو مطلوبی تفسیر کرد. آن‌ها حتی گاهی در امور اطرافیان‌شان تجسس می‌کنند تا مطلبی علیه خود در رفتار آنان بیابند. پس

۱. مهدوی کئی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۳۴.

اگر بخواهیم غیبت نکنیم، باید سوءظن نداشته باشیم و چنانچه بخواهیم گرفتار سوءظن نشویم، باید در امور مردم جستجو نکنیم؛ زیرا سوءظن و تجسس در امور یکدیگر، تأثیر متقابل دارند و گاهی تجسس باعث سوءظن می‌گردد و گاهی سوءظن منشأ تجسس می‌شود. بنابراین باید از هردو احتراز کرد. در روایات نیز از تجسس و سوءظن به دلیل عواقب منفی آن نهی شده است.

آیت‌الله مهدوی کنی نیز می‌فرماید: چنان‌که خصلت بدگمانی بسیار زشت و ناپسند است، در مقابل، خوش‌گمانی از صفات نیک و از مکارم اخلاق مؤمن است. اخلاق اسلامی، ما را به داشتن حسن ظن به دیگران ترغیب، و سلامت روح را با این حس تضمین می‌کند و زندگی اجتماعی را بر این اساس استوار می‌سازد.^۱ یعنی همان‌گونه که فکر گناه، صفای روح انسان را از میان می‌برد، سوءظن نیز این‌گونه است؛ زیرا کسی که به برادران دینی خود بدگمان شد و به این بدبینی ترتیب اثر داد - یعنی در دل آن را پیگیری کرد و پرورش داد - سوءظن او منتهی به غیبت قلبی می‌شود که علمای اخلاق از آن به «عقد القلب» تعبیر کرده‌اند و عقد قلب مقدمه غیبت زبانی، تهمت، سخن‌چینی، سعایت و بسیاری از گناهان دیگر است.^۲

برای آنکه این صفت را در خود از بین ببریم، لازم است به دیگران خوش‌بین باشیم و طبق دستورات اسلام عمل کنیم که به شدت از بدگمانی نهی کرده‌اند.

۳. حسادت

یکی دیگر از علل روانی که موجب بدگویی و غیبت می‌شود، صفت ناپسند حسادت است. حسادت نوعی اختلال عاطفی است. بعضی افراد ممکن است

۱. همان، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۳۷.

به موفقیت و موقعیت دیگران، مال و ثروت، زیبایی، احترام و تکریمی که دیگران به شخص خاصی دارند، حسادت بورزند.

استیون رابرتز، نویسنده و روان‌شناس، حسادت را شایع‌ترین علتی می‌داند که باعث می‌شود افراد غیبت کنند: «اگر به خاطر محبوبیت، قیافه ظاهری، موقعیت مالی، پرستیژ اجتماعی و امثال این‌ها به کسی حسادت بورزیم، غیبت، وسیله خوبی برای مخدوش کردن چهره آن شخص خواهد بود»^۱ از این‌روست که در اسلام حسادت نکوهش شده است. زنان به علت قوی‌تر بودن عواطف و احساساتشان و میل بیشتر به محبوب بودن، بیشتر از مردان دچار حسادت می‌شوند. اگر حسادت به هر شکلی در آدمی باشد، به سازگاری وی لطمه وارد می‌آورد و موجب آسیب‌های جسمانی، روانی، عاطفی و اخلاقی و... فراوانی می‌شود. حسد نه تنها سایه زشتی بر زندگی عادی و روزمره انسان می‌کشد، بلکه موجب می‌شود که حسود در برابر اراده و مشیت خداوند بایستد و با آن مخالفت کند. قرآن در ترسیم این چهره حسود می‌فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»^۲ آیا به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم».

حسود در واکنش غیرمستقیم به خوبی‌ها و کمال دیگران، به بدگویی از آنان می‌پردازد تا منزلت آنها را کم کند و به این وسیله سعی دارد محسود را نزد همه خوار و کوچک جلوه دهد و خود را بهتر و برتر از او بنمایاند. فردی که از سر

1. <http://janahonline.ir>.

۲. نساء، آیه ۵۴.

حسادت غیبت می‌کند، در واقع در نهایت ناتوانی و درماندگی است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الغیبةُ جُهدُ العاجز؛^۱ غیبت کردن، تلاش شخص ناتوان است». برای آنکه دچار غیبت نشویم، باید رذیله حسد را از خود دور کنیم و به این منظور باید به مضراتی که حسد بر جسم و جان وارد می‌آورد، بیندیشیم. دعا و راز و نیاز با ذات حق تعالی، بهترین و مؤثرترین شیوه برای از بین بردن بیماری‌های روحی و روانی است.

۴. کینه و دشمنی

دشمنی با افراد و کینه‌توزی‌ها می‌تواند عاملی برای بدگویی کردن باشد. فرد غضبناک با غیبت کردن و بدگویی در واقع می‌خواهد از حرارت غیض و کینه خود بکاهد. به همین دلیل از غیبت به عنوان سلاحی برای تخریب شخصیت طرف مقابل خود و انتقام‌گیری شخصی استفاده می‌کند. اغلب بانوانی که جرئت حرف زدن و دفاع کردن رودررو با افراد را ندارند، دست به دامن غیبت می‌شوند و این‌گونه خود را تخلیه می‌کنند. منفورترین افراد نزد خداوند غیبت‌کنندگان هستند؛ چون هیچ فردی راضی به غیبت شدن نیست، چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَبْغَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُغْتَاب؛^۲ منفورترین مردم نزد خداوند، غیبت‌کنندگان هستند.»

درمان علمی این گناه آن است که شخص در پیامدهای این گناه بیندیشد و نفس خویش را تربیت کند و این پیامدها را با آنچه از این گناه عایدش می‌شود، مقایسه کند. با این مقایسه، وی تشویق می‌شود که این رذیله را ترک کند؛ زیرا او با این گناه، علاوه بر این‌که بغض و کینه و دشمنی ایجاد می‌کند، از چشم مردم

۱. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۶.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۰۱.

می‌افتد و رسوای دو عالم می‌گردد. هرگاه این پیامدها را با چند لحظه یاوه‌سرایی مقایسه کند، پی خواهد برد که با غیبت کردن چه خطای بزرگی مرتکب شده است.

۵. تکبر و فخر فروشی

یکی دیگر از عوامل غیبت، تکبر است. معمولاً فرد متکبر به قصد خوار کردن دیگران از آن‌ها غیبت می‌کند؛ زیرا خود را نسبت به دیگران در سطح بالاتری می‌بیند و همه را زیردست خود می‌انگارد و زمانی که نیازهای نفسانی او از طریق افراد دیگر برآورده نشود، به غیبت و بدگویی از آن‌ها رو می‌آورد. متأسفانه برخی بانوان، مواردی چون شیک‌پوشی، وضع مالی خوب، زیبایی، مدرک تحصیلی بالا و... را معیارهای برتری خود نسبت به دیگران در نظر می‌گیرند و بر همین اساس انتظار دارند که دیگران نیز با همین معیارها شأن وی را بالاتر بدانند و اگر این خواسته محقق نشود، با غیبت کردن از فرد متخاطبی و خرد کردن شخصیت وی، خود را تسکین می‌دهند.

برای جلوگیری از ایجاد تکبر، لازم است به تذکر خوبی‌های دیگران و بررسی عیوب خود پردازیم. آدمی اگر با نگرش عمیق به رفتار و کردار خویشتن، به سراغ نارسایی‌ها و عیوب خود رود، هرگز درصدد عیب‌جویی از دیگران برنخواهد آمد. کسی که به خودآگاهی رسید و خویشتن را سراپا عیب و نقص دید، شرم دارد که دیگران را سرزنش کند و عیوب آنان را نقل مجالس کند. عیب خود یک ذره چشم‌کور او می‌بیند گرچه هست او عیب‌جو

۶. بیکاری

رایج‌ترین علت غیبت، بیکاری است؛ خصوصاً بین بانوان که اوقات فراغت بیشتری دارند. یکی از مضرات این بیکاری آن است که ممکن است فرد در

درازمدت برای پر کردن اوقات فراغت خود، در بین خانواده و دوستان به غیبت رو بیاورد و از این کار به عنوان سرگرمی استفاده کرده، به این امر زشت عادت کند. بیکاری و بی‌برنامگی و عاطل و باطل بودن، سرمنشأ بسیاری از گناهان، از جمله غیبت کردن است و به تجربه هم ثابت شده که افراد بیکار و تنبل، بیشتر به فساد اخلاقی، مانند غیبت و تهمت و سخن‌چینی و امثال آن آلوده می‌شوند.

درمان عملی غیبت، مشغول شدن به فعالیت‌های مفید مثل مطالعه، هنر، نوشتن داستان و بسیاری کارهای مفید دیگر است تا فرد وقت اضافی برای غیبت کردن نداشته باشد. با پر کردن این وقت، شخص انگیزه کمتری برای غیبت کردن پیدا خواهد کرد.

۷. میل به زیاد صحبت کردن

یکی از خصوصیات بانوان، میل به زیاد صحبت کردن است. زنان به طور طبیعی نسبت به مردان بیشتر حرف می‌زنند و حتی در هنگام ناراحتی، دوست دارند با صحبت کردن تخلیه روانی شوند؛ در حالی که مردان تمایل چندانی به صحبت کردن و درد دل کردن ندارند. بنابراین اگر بانوان این میل را در مسیر درست هدایت نکنند، وسوسه‌های شیطانی، غیبت کردن را برای آنان شیرین جلوه می‌دهد و با غیبت کردن، میل به صحبت کردن را در ایشان ارضا می‌کند و با این خصوصیت، خواسته یا ناخواسته وارد مقوله غیبت می‌شوند. پیشوای متقیان، علی علیه السلام می‌فرماید: «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ؛^۱ سخن چون دواست، اندک‌ش سودمند و زیادش کشنده است».

۱. تمیمی آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۱۵۹، ح ۲۱۷۵.

یکی از راه‌های دور شدن از گناهان زبان، مهار زبان است. هرکس بتواند زبان خود را کنترل کند، موفق می‌شود جلوی بسیاری از گناهان را بگیرد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فِتْنَةُ اللِّسَانِ أَشَدُّ مِنْ صَرْبِ السَّيْفِ؛^۱ فساد و فتنه زبان، از ضربه شمشیر، شدیدتر و بلاخیزتر است».

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: «و اما [علاج] عملی به این است که تا چندی با هر زحمت شده، کف نفس از این معصیت کرده، مهار زبان خود را در دست گرفته، کاملاً از خود مراقبت کنی و با خود قرارداد کنی که چندی مرتکب این خطیئه نشوی و از خود مراقبت و محافظت کنی و حساب خود را بکشی؛ امید است ان‌شاءالله پس از مدت کمی اصلاح شده، قلع ماده آن بشود و کم‌کم کار بر تو آسان می‌شود. پس از چندی احساس می‌کنی که طبعاً از آن منزجر و متنفری. پس راحتی نفس و التذاذ در ترک این می‌شود.»^۲

۸. هم‌رنگ شدن با دیگران

یکی دیگر از علل روانی ارتکاب به غیبت، اثرپذیری از محیط و اطرافیان است. این مسئله در بانوان بسیار فراگیر است که در مجلسی عده‌ای برای تفریح، عیب‌های مردم را فاش می‌سازند و به خیال خود با این حرام، به مجلس خود رونق می‌بخشند. در چنین مجالسی افرادی هستند که می‌دانند این کار غیبت است و غیبت نیز حرام است؛ ولی برای هم‌رنگ شدن با جماعت یا عقب نماندن از قافله، به غیبت آنها گوش می‌دهند و گاهی خودشان هم زبان به غیبت می‌کشایند تا رضایت هم‌نشینان خود را جلب کنند؛ در حالی که این شیوه جلب رضایت مخلوق، سبب خشم خالق خواهد شد. توجه به این نکته که اگر غیبت

۱. محمدی ری‌شهری، *میزان الحکمه*، ج ۸، ص ۴۹۷.

۲. امام خمینی، *چهل حدیث*، ص ۳۱۳.

دیگران را کنیم، دیگران نیز غیبت ما را می‌کنند، می‌تواند مانع غیبت شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَغْتَابَ فَتُغْتَابَ وَلَا تَحْفِزَ لِأَخِيكَ حُفْرَةً فَتَقَعَ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ»^۱؛ غیبت نکن که از تو غیبت می‌شود و برای برادرت چاه مکن که خود در آن می‌افتی؛ زیرا با هر دست بدهی، با همان دست پس می‌گیری».

۹. شوخی و تمسخر

یکی از تفریحات برخی افراد در جلسات خصوصی و مهمانی‌ها تمسخر دیگران و خندیدن به عیوب آنان است. این افراد برای خنداندن دیگران، گاهی طرز لباس پوشیدن، راه رفتن، سخن گفتن و... افراد را تقلید می‌کنند و در واقع با ابزار مختلف به غیبت افراد مشغول می‌شوند و این کار را شوخ طبعی می‌پندارند؛ اما در واقع این مجالس، نوعی مجلس لهو و لعب است که ثمره‌ای جز بطالت وقت و گناه ندارد و موجب می‌شود که عبادات غیبت‌کننده و شنوندگان غیبت قبول نشود؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ اَعْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَ لَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ»^۲ هرکس از مرد یا زن مسلمانی غیبت کند، خداوند تا چهل شبانه‌روز نماز و روزه او را نپذیرد، مگر اینکه غیبت‌شونده او را ببخشد».

یکی از راه‌هایی که می‌تواند تاثیر مثبتی در کم شدن غیبت داشته باشد و انگیزه غیبت‌کنندگان را به این امر کم کند بی‌اعتنایی به غیبت‌کنندگان هنگام غیبت کردن است چون فردی که صحبت می‌کند نیازمند توجه مخاطبین است و اگر توجه کافی از طرف مخاطبین خود نبیند و یا احساس کند آنها از این سخن او خوششان نیامده دیگر چنین سخن نخواهد گفت.

۱. محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۷.

۲. همان، ص ۴۳۶.

۱۰. واکنش شنونده غیبت

یکی از علل شایع شدن غیبت، اشتیاق نشان دادن شنوندگان به شنیدن غیبت است. این واکنش آن‌ها فرد غیبت‌کننده را به ادامه دادن غیبت و تلاش برای جمع‌آوری مطالب بیشتر برای عرضه به دیگران، تشویق می‌کند و مصداق این ضرب‌المثل می‌شوند: «مستمع، صاحب سخن را بر سر ذوق آورد».^۱ برای همین است که در روایات، گناه شنونده غیبت همانند گناه غیبت‌کننده معرفی شده است؛ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «السَّامِعُ لِلْغَيْبِ كَالْمُعْتَابِ»^۲ شنونده غیبت، مانند غیبت‌کننده است».

امام خمینی رحمته الله در این باره می‌فرماید: «و از اقسام خفیه غیبت، گوش کردن به آن است از روی تعجب؛ زیرا که او اظهار تعجب می‌کند که نشاط مغتاب زیاده گردد در غیبت و او را وادار به غیبت می‌کند به تعجب. مثلاً می‌گوید: من تعجب می‌کنم از این حرف! می‌خواهد تصدیق کند با این کلمات مغتاب را و از او طلب زیادت کند با لطایف، با آنکه تصدیق غیبت نیز غیبت است و گوش کردن به آن، بلکه سکوت کردن در وقت شنیدن آن، غیبت است».^۳

گاهی انسان ناگزیر است در مجلسی بنشیند که در آنجا غیبت می‌شود؛ در این موقعیت‌ها باید برای آلوده نشدن به گناه غیبت، از شخص غایب دفاع کند و مانع ادامه غیبت از او شود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اکرم در این باره فرموده است: «مَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أَخِيهِ فِي غَيْبَةٍ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا عَنْهُ رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۴ هرکس در مجلسی بشنود که از برادرش غیبت می‌شود و آن را از او دفع کند، خداوند هزار باب بدی را در دنیا و آخرت از او دفع کند».

۱. صائب تبریزی.

۲. محمدی ری‌شهری، *منتخب میزان الحکمه*، ص ۴۳۸.

۳. امام خمینی، *شرح چهل حدیث*، ص ۳۱۸.

۴. محمدی ری‌شهری، *منتخب میزان الحکمه*، ص ۴۳۹.

۱۱. اغوای شیطان

شیطان، دشمنی است که برای گمراهی و اغوای انسان‌ها قسم خورده و برای این کار در مسیر تمام آدمیان کمین می‌کند. در این میان، حتی افراد مذهبی که به تکالیف شرعی خود به خوبی عمل می‌کنند، از این قاعده مستثنا نمی‌شوند و مورد اغوای شیطان قرار می‌گیرند و برای مثال، گاه به رذیله اخلاقی غیبت آلوده می‌شوند. گاهی دیده می‌شود حتی بانوان محجبه‌ای که اهل نماز و عبادت هستند نیز به پرهیز از غیبت اهمیت نمی‌دهند و حتی در اماکن مقدس، مثل مساجد و تکایا و امامزاده‌ها با اطرافیان خود مشغول غیبت می‌شوند؛ در حالی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اثر تخریبی این گناه چنین هشدار داده است: «الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ»^۱ غیبت کردن، در نابودی دین آدمی زودتر کارگر افتد تا بیماری خوره در اندرون او).

مرحوم نراقی می‌فرماید: «از اعظم مفسد غیبت آن است که باعث آن می‌شود که اعمال خیر آن کسی که غیبت کرده و در عوض آن غیبت، به نامه عمل آن شخصی که غیبت او شده ثبت می‌شود و گناهان این به دیوان اعمال او نقل می‌شود و چه احمق کسی باشد که به واسطه یک سخن در روز قیامت، وزر و وبال دیگری را متحمل گردد»^۲.

مکن غیبتِ هیچ‌کس را بیان که روزی شود بر تو غیبت عیان^۳

داستان غیبت

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی به اتفاق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جایی

۱. همان، ص ۴۳۷.

۲. احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۴۷۱.

۳. سعدی.

می‌رفتیم. در بین راه، بوی گند و متعفن‌ی به مشاممان رسید. حضرت با تنفر و انزجار از این ماجرا فرمود: علت وزش این بوی گند، این بود که عده‌ای از منافقین پشت سر بعضی از مؤمنان غیبت می‌کردند.

آری، مجلسی که افراد آن به جای سخن نیک، به غیبت کردن و بدگویی مشغول باشند و به خوردن گوشت بدن برادران و خواهران دینی خود پردازند، جز بوی گند و متعفن چیزی از آن مجلس به مشام انسان نمی‌رسد.^۱

انس بن مالک نیز می‌گوید: روزی رسول خدا ﷺ امر به روزه فرمود و دستور داد کسی بدون اجازه من افطار نکند. مردم روزه گرفتند؛ چون غروب شد، هر روزه‌داری برای اجازه افطار به محضر آن جناب آمد و آن حضرت اجازه افطار داد. در آن وقت مردی آمد و عرضه داشت: دو دختر دارم که تا کنون افطار نکرده‌اند و از آمدن به محضر شما حیا می‌کنند؛ اجازه دهید هر دو افطار کنند. حضرت جواب نداد. آن مرد گفته‌اش را تکرار کرد؛ حضرت پاسخ نگفت. چون بار سوم گفتارش را تکرار کرد، حضرت فرمود: آن‌ها که روزه نبودند! چگونه روزه بودند در حالی که گوشت مردم را خورده‌اند. به خانه برو و به هر دو بگو قی کنند. آن مرد به خانه رفت و دستور قی کردن داد. آن دو قی کردند و از دهان هریک قطعه‌ای خون لخته‌شده بیرون آمد. آن مرد در حال تعجب به محضر رسول خدا ﷺ آمد و داستان را گفت. حضرت فرمود: به آن کسی که جانم در دست اوست، اگر این گناه غیبت بر آنان باقی مانده بود، اهل آتش بودند.^۲

یکی دیگر از راه‌های درمان گناه، ذکر حق تعالی و سپس استغفار از آن گناه و ظلم بر نفس است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِرَةً

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۵۱۷.

۲. حسین انصاریان، عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)، ج ۱۰، ص ۱۲۴.

أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ
وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ^۱؛ و آنان (نیکوکاران) چون کار زشتی
کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش
می‌خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند،
با آن‌که می‌دانند [گناه است]، پافشاری نمی‌کنند».

خدا ترسی و یاد خدا سبب ترک هر گناهی، از جمله غیبت می‌شود؛ چراکه
جایی که ذکر خدا باشد، شیطان وارد نمی‌شود. اگر انسان به یاد خدا باشد، خدا
نیز به یاد اوست و توجه خدا که مدیر و مدبر همه امور است، به انسان، همه
مشکلات جسمی و روحی انسان را برطرف می‌سازد؛ چنان‌که خداوند
می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»^۲ پس مرا یاد کنید،
تا شما را یاد کنم و شکرانه‌ام را به جای آورید و با من ناسپاسی نکنید».

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در خصوص نقش یاد خدا در درمان بیماری‌های
روحی چنین فرمود: «ذِكْرُ اللَّهِ دَوَاءٌ أَعْلَالِ النَّفْسِ»^۳ یاد خدا، داروی بیماری‌های
دل‌هاست».

یاد او کن تا تو روحانی شوی عاری از هر کید شیطانی شوی

۱. آل عمران، آیه ۱۳۵.

۲. بقره، آیه ۱۵.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۰، ح ۵۱۶۲.

آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی

معصومه محمدی سیف*

مقدمه

امروزه «شبکه‌های اجتماعی»^۱ از قبیل «فیس‌بوک»،^۲ «مای اسپیس»^۳ و «اینستاگرام»^۴ توجه کاربران زیادی را به خود جلب کرده و به دلیل کارکردهای متنوعشان، برای ترویج سبک زندگی مبتنی بر اینترنت، مورد استقبال جوانان و نوجوانان قرار گرفته‌اند؛ چراکه این رسانه‌ها می‌توانند منبع اطلاعاتی بسیار باارزشی برای کاربران و همچنین، سازمان‌ها و دولت‌ها باشند و حتی در برخی مواقع، منافع ملی کشورها را نیز به مخاطره اندازند. در شبکه‌های اجتماعی، محدودیت زمان و مکان وجود ندارد. متن، صوت و تصویر، در دسترس همگان قرار گرفته و برقراری ارتباط می‌تواند با کارهای روزانه عجین شود. این رسانه نیز مانند هر پدیده نوظهور دیگری، در کنار فواید ارزشمندش، آسیب‌های منحصر به خود را نیز دارد؛ اما انتخاب اینکه به چه صورت از آن استفاده شود، به عهده

* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

1. Social Networks.

2. Facebook.

3. MySpace.

4. Instagram.

خود کاربران است. از این‌رو با هدف شناخت شبکه‌های اجتماعی، به تعریف آن و سپس بررسی آسیب‌هایش می‌پردازیم.

تعریفی از شبکه‌های اجتماعی

بررسی‌ها نشان می‌دهد از جمعیت حدوداً هفت میلیاردی جهان، حدود دو میلیارد آن از اینترنت استفاده می‌کنند. آمارها حاکی از آن است که شبکه اجتماعی فیس‌بوک در سال ۲۰۱۰ با پانصد میلیون کاربر، یکی از پرتراфик ترین شبکه‌های اجتماعی بوده است^۱ که این عدد گویای استفاده‌های افراط‌گونه کاربران از این شبکه اجتماعی بوده است.^۲ «شبکه‌های اجتماعی مجازی یا شبکه اجتماعی اینترنتی، وبسایت یا مجموعه‌ای از وبسایت‌هایی است که به کاربران امکان می‌دهد علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی، سایت‌هایی هستند که با استفاده از یک موتور جست‌وجوگر و افزودن امکاناتی مانند گفت‌وگوی اینترنتی (چت^۳)، پیام‌رسانی الکترونیک،^۴ انتقال تصویر و صدا و...، امکان ارتباط بیشتر کاربران را در قالب شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی فراهم می‌آورند. فیس‌بوک، توییتر،^۵ یوتیوب،^۶ پادکست،^۷ و... از جمله این شبکه‌های

۱. مجید کاشانی و سمیه زارعی، مطالعه جمعیت‌شناختی شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر کاربران فیس‌بوک در ایران، شماره ۵۶، ص ۷۸.

۲. نسیم جعفری و دیگران، خانواده و آسیب رسانه‌ای؛ رایانه و اینترنت، ص ۷۵.

3. Chat.

4. Email.

5. Twitter.

6. YouTube.

7. Pod cast.

پادکست‌ها فایل‌های صوتی یا تصویری هستند که در اینترنت منتشر می‌شوند و کاربران می‌توانند در آن‌ها مشترک شوند. این واژه، از هم‌آمیزی واژه‌های I pod (آی‌پاد) و broadcasting (پخش) پدید آمده است.

اجتماعی، رابطه بسیار نزدیک و مستقیمی با فناوری اطلاعات و ارتباطات دارند. «بین یهودا، مؤلفه‌های تأثیرگذار در سطح شبکه‌های مجازی اجتماعی را به شکل موازی ترسیم کرده و پیامد توسعه وب و برنامه‌های رابط کاربردی در کنار نیاز به اشتراک‌گذاری، اعتماد، اتصال آن‌لاین را در حقیقت موجب رشد شبکه‌های اجتماعی در اینترنت قلمداد می‌کند».^۱ «شبکه‌های اجتماعی را از نگاهی می‌توان به دو گروه عمومی و تخصصی تقسیم کرد. در شبکه‌های اجتماعی عمومی، کاربران اینترنتی با انگیزه‌ها و اهداف مختلف حضور دارند و شبکه‌های مجازی‌شان را از طریق این وبسایت‌ها دنبال می‌کنند؛ ولی شبکه‌های اجتماعی تخصصی، حول موضوعی ویژه شکل گرفته‌اند و تعداد کاربران این قبیل از شبکه‌های اجتماعی نیز محدودتر است. فیس‌بوک و توئیتر از مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی عمومی محسوب می‌شوند. البته اغلب شبکه‌های اجتماعی عمومی نیز فعالیت‌شان را با تعریف محدودی آغاز کرده‌اند و به تدریج عمومی شدند. در مقابل، شبکه‌های اجتماعی خاص، بر محوریت موضوعی مشخص فعالیت می‌کنند. به عنوان مثال، «لست اف. ام»^۲ از جمله معروف‌ترین این شبکه‌ها است که علاقه‌مندان به هنر موسیقی را گرد هم آورده است و یا شبکه اجتماعی «گودریدز»^۳ که شبکه اجتماعی مخصوص به علاقه‌مندان به کتاب است. گسترش شبکه‌های اجتماعی خاص تا بدانجا است که حتی برای سگ‌ها و گربه‌ها نیز شبکه اجتماعی راه‌اندازی شده و صاحبان این حیوانات می‌توانند برای حیوانات خود پروفایل باز کنند».^۴ در چنین شرایطی،

۱. ایمان محکم‌کار و محمد مهدی حلاج، شبکه‌های اجتماعی به دنبال چه هستند؟، ش ۲، ص ۸۹.

۲. Last.FM.

۳. Good Reads.

۴. هادی خانیکی و محمود بابایی، فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی مفهوم و کارکردها، ش ۱،

شبکه‌های اجتماعی که می‌توانند کارکردهایی چون اشتراک دانش، انتقال اطلاعات، گفتمان‌سازی، ایجاد همبستگی و تعامل سازنده داشته باشند، در برخی موارد، تبدیل به دغدغه و معضلی ناخواسته می‌شوند.

آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی

گسترش فناوری و ورود انواع وسایل ارتباط جمعی به کانون خانواده‌ها، ارزش‌های اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار داده و موجب تغییراتی در رفتار و گفتمان نسل جوان شده است؛ از مهم‌ترین این فناوری‌ها دسترسی آسان به اینترنت است که علاوه بر داشتن نقاط قوت، ضعف‌هایی نیز دارد.^۱ در اینجا به برخی از این آسیب‌ها اشاره می‌شود:

۱. عمومی شدن حریم خصوصی

«حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی اشخاص است که متعارف با درک نیازهای جامعه، در هیچ وضعیتی، تجاوز به آن مجاز شناخته نمی‌شود. به عبارت دیگر، این‌که چه موقع، چگونه و چه اندازه اطلاعات در مورد افراد، گروه‌ها و یا مؤسسات به دیگران منتقل شود، حق حریم خصوصی نام دارد. مالکیت افراد بر شرافت و حیثیت خود، مهم‌ترین معرف حریم خصوصی محسوب می‌شود».^۲ با ظهور شبکه‌های اجتماعی، امکاناتی به وجود آمده است که علی‌رغم ایجاد تحولات بسیار در ارتباطات میان افراد، در بسیاری از موارد

۱. طاهره خدامرادی و دیگران، بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان آموزش و پرورش استان ایلام)، ش ۴۴ و ۴۵، ص ۱۵۶.

۲. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۳.

نیز اسباب نقض حقوق افراد را در گستره‌ای بسیار وسیع فراهم کرده است. در این شبکه‌ها، امکان تفکیک حوزه خصوصی و حوزه عمومی وجود ندارد و با توجه به جهانی شدن، باید انتظار داشت که در زندگی مجازی با عمومی شدن حریم خصوصی مواجه شد!

۲. جرایم رایانه‌ای و اینترنتی

جرایم سایبری، نوعی از جرایم اینترنتی هستند که در محیط سایبر (مجازی) رخ می‌دهند؛ به طوری که کاربران می‌توانند به هرگونه خدمات اطلاعاتی الکترونیکی در سراسر دنیا دست یابند و به راحتی با ورود به فضای شخصی دیگران، انواع جرایم را مرتکب شوند. انواع مجرمان محیط سایبر شامل «هکرها»،^۱ «کرکرها»،^۲ «فریک‌های تلفن»،^۳ و نیز «تروریسم سایبر» - که مانند تروریست‌های معمولی دارای انگیزه‌های سیاسی برای ارتکاب جرایم هستند - و همچنین بحران‌سازهای سایبر شامل ویروس‌ها، عنکبوت‌های موتورهای

۱. در دهه ۱۹۷۰ هکر به شخصی اطلاق می‌شد که در برنامه‌نویسی، بسیار ماهر و باهوش باشد. بعدها در دهه ۱۹۸۰ این واژه به معنای شخصی بود که در نفوذ به سیستم‌های جدید به صورت ناشناس، تبحر داشته باشد.

۲. کرکرها، هکرهای بدخواه هستند. آنها به سیستم‌ها رخنه می‌کنند تا خرابکاری کنند، ویروس‌ها و کرم‌های رایانه‌ای را منتشر کنند، فایل‌ها را پاک کنند یا انواع دیگر ویرانی را به بار آورند. اختلاس، کلاهبرداری یا جاسوسی صنعتی (سرقت اطلاعات محرمانه یک شرکت) تنها بخش کوچکی از اهداف احتمالی کرکرها است.

۳. شکل دیگر از جرایم رایانه‌ای را فریک‌های تلفن مرتکب می‌شوند. فریک‌ها به جای دسترسی به سیستم‌های رایانه‌ای، از طریق خطوط تلفن در دنیای سایبر گشت می‌زنند. فریک‌ها از میان اولین هکرها در دهه ۱۹۷۰ پدید آمدند. آنها در سال ۱۹۷۷ با نفوذ به سیستم تلفن اداره پلیس شهر نیویورک، متن ضبط‌شده‌ای را که به تماس گیرندگان خوشامد می‌گفت، تغییر دادند.

جست‌وجو و پالس‌های الکترومغناطیسی، و ... می‌توانند به راحتی هر نوع جرمی را در فضای مجازی مرتکب شوند. «به عنوان مثال شاید نفوذ به سایت بانک‌ها و شبکه شتاب، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های آسیب‌پذیری از اینترنت است»^۱.

۳. شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب

«به علت عدم امکان شناسایی هویت واقعی اعضا و نیز عدم امکان کنترل محتوای تولیدشده توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی این شبکه‌ها، شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذبی خواهد بود که توسط برخی از اعضای این شبکه‌ها و با اهداف خاص و غالباً سیاسی منتشر می‌شود»^۲.

۴. ایجاد تعارض در ارزش‌های خانواده

سعادت انسان‌ها و آرامش روانی زن و مرد، در خانواده تأمین می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»^۳. از این رو شارع مقدس و خردمندان، بر قداست خانواده حکم می‌کنند. متأسفانه برخی شبکه‌های اجتماعی، خانواده را نشانه گرفته و در قالب‌های مختلف، می‌کوشند آن را متزلزل کنند. «تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به نوبه خود بنیان‌های خانوادگی را در معرض تهدید قرار می‌دهد»^۴. از این رو «تغییرات تکنولوژی،

۱. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۲.

۲. ایمان محکم‌کار و محمد مهدی حلاج، شبکه‌های اجتماعی به دنبال چه هستند؟، ش ۲، ص ۱۰۵.

۳. روم، آیه ۲۱.

۴. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۲.

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده و یکی از چالش‌های فرا روی فرهنگ‌ها برخورد با این پدیده است. چون اساساً ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آنجا که برخی از عناصر ارزشی موجود در این پدیده، مغایر با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی-ایرانی) است، پس می‌توان گفت اینترنت می‌تواند آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. مثلاً ورود اینترنت در حوزه خانواده، موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود. فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی، اهمیت قائل نشدن به نظرات والدین، ارزش‌های دوست‌یابی، همسرگزینی، صرف اوقات فراغت همراه با خانواده از جمله اثرات این پدیده است.^۱ «مثلاً در یک مطالعه به روش تجربی نشان داده شده که «استفاده جوانان از اینترنت، موجب کاهش ارزش‌های خانواده شده است»؛^۲ به این ترتیب که اینترنت، امروزه در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و در حقیقت جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است.

افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در سایت‌های اینترنتی سپری می‌کنند، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌نهند؛ چراکه فرد، دیگر فعالیت‌های اجتماعی خود را کنار نهاده و به فعالیت فردی روی می‌آورد.

نتایج پژوهش شاندرز نشان داد که استفاده زیاد از اینترنت، با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است. برعکس، کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند، به طور قابل ملاحظه‌ای با مادر و دوستانشان ارتباط بیشتر دارند.^۳ «اینترنت، به

۱. همان، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۲. ر.ک: زنجاتی زاده، ه؛ محمد جوادی، ع؛ بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین

دانش‌آموزان، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، سال ۱۳۸۴، ش ۲.

۳. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۳.

عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی و اطلاعاتی، فرصت‌ها و تهدیدهایی را در زندگی استفاده‌کنندگان ایجاد می‌کند. از آنجا که جوانان و نوجوانان بیشترین کاربران آن هستند، در جریان تعامل آنان با فضای مجازی، ارزش‌ها و هویت‌شان نیز دستخوش تغییراتی می‌شود. ارزش‌ها حلقه اتصال فرهنگ هر قوم و ملتی با نسل آینده هستند و غفلت از این مهم می‌تواند جوامع را با بحران هویت مواجه کند. ارزش‌ها آن‌قدر اهمیت دارند که اینگلهارد^۱ گفته است: «اگر می‌خواهید در کشوری بدون سر و صدا انقلاب کنید، ارزش‌های آنان را تغییر دهید». ^۲ از این رو تفاوت آنچه که از طریق رسانه‌ها دریافت می‌شود و آنچه در زندگی واقعی وجود دارد، خانواده را دچار تضاد می‌کند. به این ترتیب، ارزش‌های خانواده مخدوش می‌شود و شخصیت‌های دوگانه شکل می‌گیرد.^۳

۵. تبلیغات ضد دینی و القای شبهات

در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نیز مانند سایر رسانه‌ها، افراد و گروه‌های مغرض با اهداف از پیش تعیین شده و با شیوه‌های مخصوص، اقدام به تبلیغات ضد دینی و حمله به اعتقادات مذهبی می‌کنند. گاه پس از تحقیق و ریشه‌یابی در می‌یابیم که هدف اصلی گردانندگان برخی از این شبکه‌ها، دین‌زدایی و حمله به مقدسات بوده است.^۴

1. Englehart.

۲. اینگلهارد، ۱۹۹۸، ص ۲۳، به نقل از: خدامرادی و دیگران، بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان آموزش و پرورش استان ایلام)، شماره ۴۴ و ۴۵، ص ۱۵۶.

۳. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۵.

۴. ایمان محکم‌کار و محمد مهدی حلاج، شبکه‌های اجتماعی به دنبال چه هستند؟، ش ۲، ص ۱۰۵.

۶. انتشار مطالب قومی و افزایش تحریک‌پذیری قومیت‌ها

«خاصیت تأسیس سایت‌های قومی و راه‌اندازی وبلاگ‌های منطقه‌ای و انتشار برخی مطالب تحریک‌آمیز در سایت‌های اینترنتی، قابلیت این رسانه و پدیده برای دامن زدن به مباحث مناقشه‌آمیز قومی را بالا برده است».^۱ از طرفی جامعه استعداد بالایی برای بسیج و تحریک‌پذیری قومی دارد. رواج لطیفه‌های قومیتی نیز در فضای مجازی بر چنین تحریک‌پذیری دامن زده، باعث ایجاد ناراحتی و مشاجره‌های جدی در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. این نوع لطیفه‌های قومیتی، خارج از حوزه سیاست‌گذاری دولتی است و تغییر در این روند، نیازمند تغییر رفتار شهروندان و باور آن‌ها درباره تبعات رواج چنین لطیفه‌هایی است.^۲

۷. بی‌هویت کردن یا ایجاد هویت جدید

«هر شبکه اجتماعی، فرهنگ ارتباطاتی خاص خود را دارد؛ یعنی منش و گفتار مخصوص و منحصر به فردی را برای خود برگزیده است. البته می‌توان شبکه‌هایی را یافت که فرهنگ ارتباطی تقلیدی برای خود برگزیده‌اند. فرد با عضویت در هر شبکه اجتماعی، درگیر نوع خاصی از فرهنگ ارتباطی می‌شود که شامل برخورد، تکیه کلام، اصطلاحات مخصوص، رفتار، تیپ شخصیتی و ظاهری می‌باشد. بدون تردید، میزان تأثیرپذیری فرد از این محیط، صفر مطلق نخواهد بود. پس هر شبکه اجتماعی، هویت مطلوب خود را ترویج می‌کند»؛^۳ چراکه «با امکانات و گزینه‌های فراوانی که اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارد، آنان به طور

۱. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، ص ۱۶۳.

۲. «ظهور نشانه‌های بدخیم در سیاست‌گذاری قومی ایران؛ کریمی مله: جامعه استعداد بالایی برای تحریک‌پذیری قومی دارد»، برگرفته از سایت <http://mazandnume.com> در تاریخ ۹۴/۱۱/۱.

۳. ایمان محکم‌کار و محمدمهدی حلاج، *شبکه‌های اجتماعی به دنبال چه هستند؟*، ش ۲، ص ۱۰۶.

دائم با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتارها آشنا می‌شوند. این فضا، هویت نامشخص و اغلب متحولی را می‌آفریند؛ یعنی اینترنت یک صحنه اجتماعی است که فرد، خود را در موقعیت‌های متنوع نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد و از آن تأثیر می‌پذیرد.^۱ هنگامی که کاربر در فضای سایبر قرار می‌گیرد، ترجیح می‌دهد شخصیتی مجازی را برای خود برگزیند. این همسان‌گزینی گاه شبیه به شخصیت و هویت واقعی وی و گاه کاملاً متضاد با آن است. پرواضح است که «محیط‌های اینترنتی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی به گسترش روابط می‌انجامد، روابطی با هویت جدید! اینترنت به افراد، هویتی نامعلوم می‌بخشد؛ نظارتی، هم‌چون نظارت دنیای واقعی بر آن حاکم نیست و همین دلایل باعث می‌شود که افراد دچار نوعی آزادی در روابط شوند. زنان جوان با ورود به دنیای مجازی به راحتی می‌توانند با جماعتی گسترده از غیرهم‌جنسان خود ارتباط داشته باشند؛ ارتباطی که به دلیل نبود هیچ قانون خاص و هیچ نیروی کنترل‌کننده‌ای، شکل و هویت تازه و کاملاً دلخواه به خود می‌گیرد. ارتباطی که در دنیای واقعی به دلایلی همچون ترس از آبرو، خانواده، جامعه، دین و... هرگز امکان شکل‌گیری آن به این شیوه وجود ندارد. چنین ارتباطی در شبکه‌های مجازی به سادگی رخ داده و رفته‌رفته بر سبک روابط افراد تأثیری منفی خواهد گذاشت و این نوع ارتباط گسترده و آزاد با جنس مخالف را به شکل عادی در جامعه رواج داده است».^۲

۸. حیازدایی

رقابت دختران ایرانی در به روز کردن آلبوم‌های شخصی خود از عکس‌های

۱. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، ص ۱۶۲.

۲. *تأثیرات سوء شبکه‌های اجتماعی*، ماهنامه جامعه، خرداد و تیر ۱۳۹۳، شماره ۱۱۰، به نقل از: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۹۴/۱۰/۲۹، <http://www.hawzah.net>.

متنوع برهنه و نیمه‌برهنه، شبکه‌های اجتماعی، به ویژه فیس‌بوک را به محلی برای تبلیغ مدهای خیابانی و آرایش‌های جدید در میان ایرانیان تبدیل کرده است که با توجه به عادی شدن این امر در میان زنان و دختران، دیگر بحثی از حیا در میان این کاربران به میان نمی‌آید و دردآورتر از همه، این است که کاربران با کمال افتخار از تیپ و وضعیت ظاهری خود حرف می‌زنند و عکس‌های نیمه‌عریان خود را با دیگر کاربران به اشتراک می‌گذارند! به این ترتیب، دختران و پسران و در سطح کلی‌تر، زنان و مردان تمایل دارند که خود را به صورت تصاویری که در شبکه‌های مجازی از دیگران می‌بینند، به نمایش گذارند و جذابیت‌های ظاهری خود را به رخ دیگران بکشند. «از این رو می‌کوشند تا هرچه بیشتر در این فضا بمانند، لذت بیشتر و هیجان بیشتری را تجربه کنند و از این طریق به آرامش برسند».^۱

۹. سوءاستفاده جنسی، هرزه‌بینی و هرزه‌خوانی

«در سال ۱۹۹۹ گردهمایی جهانی تحت عنوان "کارشناسی برای حمایت کودکان در برابر سوءاستفاده جنسی از طرق اینترنت" برگزار گردید که منجر به صدور قطعنامه‌ای شد که در آن آمده است: هرچه اینترنت بیشتر توسعه پیدا کند، کودکان بیشتر در معرض محتویات خطرناک آن قرار خواهند گرفت. فعالیت‌های محرمانه مربوط به فحش‌های کودکان و پورنوگرافی که از طریق اینترنت مورد استفاده واقع می‌شوند، اکنون از مسائل حاد به شمار می‌رود».^۲ از طرفی، هرزه‌بینی و هرزه‌خوانی از دیگر بخش‌های بسیار رایج و پرجاذبه اینترنت

۱. محمدی سیف و دیگران، *آسیب‌های اعتماد به اینترنت در خانواده و انواع آن*، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۷۳.

۲. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، ص ۱۶۳.

برای کاربران جوان است. فراوانی سایت‌های نامناسب با عضویت رایگان و برقراری ارتباط رایانه‌ای در هر زمان و مکان، موقعیتی به وجود آورده است که جوانان به مسائلی دسترسی داشته باشند که در محیط خانوادگی و اجتماع، دسترسی به آن‌ها تقریباً غیرممکن و ناپسند است. این موضوع برخلاف ظاهر آن که تصور می‌شود تنها یک کنجکاوی مطلق است و هر زمان که کاربران بخواهند، می‌توانند از آن دست بکشند، با واقعیت مطابقت ندارد؛ بلکه روز به روز کاربر را بیشتر به سمت خود می‌کشاند.

مشاهده فیلم‌ها و عکس‌های مستهجن و مطالعه مطالب هرزه و تداوم آن، جوانان را بیش از پیش به این کار وامی‌دارد؛ به طوری که ساعت‌های متمادی بدون وقفه و استراحت، تمام وقت خود را با تماشای تصاویر هرزه پر کنند و به مرور زمان، بی‌اختیار، رفتاری سلطه‌جو و پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند. «به اعتقاد جامعه‌شناسان، بسیاری از افرادی که به طرف هرزه‌بینی و هرزه‌خوانی می‌روند، به مرور زمان به آن وابسته می‌شوند؛ به طوری که این مسئله به عنوان یک محرک قدرتمند جنسی در زندگی این افراد نقش بازی می‌کند. در این زمان برای این افراد نسبت به هرزه‌بینی و هرزه‌خوانی مشغولیت ذهنی زیادی ایجاد می‌شود؛ دائماً در پی تصاویر و مطالب جدیدتر می‌گردند و دیگر نمی‌توانند این نوع رفتار را ترک کنند و در ساعاتی که امکان استفاده از اینترنت را ندارند، دچار دلهره و اضطراب می‌شوند».^۱

۱۰. انزوای عاطفی و اجتماعی

پژوهش‌ها گویای آن است که آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی، نه تنها گریبان‌گیر جوانان و نوجوانان شده، بلکه زنانی که همسران‌شان به اینترنت و اتاق‌های

۱. محمدی سیف و دیگران، آسیب‌های اعتیاد به اینترنت در خانواده و انواع آن، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۷۳.

گفت‌وگو روی می‌آورند، احساس بی‌وفایی و خیانت از سوی همسرانشان را دارند؛ به ویژه زمانی که این مردان در اتاق‌های گفت‌وگو روابط عاشقانه با جنس مخالف برقرار می‌کنند. این مسئله می‌تواند به تزلزل و ویران شدن زندگی خانوادگی آن‌ها بینجامد. «چراکه یکی از دلایل مهم روی آوردن زنان متأهل به اتاق‌های گفت‌وگو، احساس خیانتی است که از طرف همسرانشان داشته و از این طریق از همسرانشان انتقام می‌گیرند. در این حال، اعضای خانواده همواره متحمل بی‌توجهی و کج‌خلقی و سردی کاربر شده و در نهایت، خانواده کم‌کم انزوای عاطفی حس می‌کند؛ انزوایی که حتی ممکن است به فروپاشی رکن اصلی و مهم جامعه، یعنی خانواده بینجامد؛ به این نحو که استفاده کنترل‌نشده از شبکه‌های اینترنتی، موجب کاهش ارتباط بین فردی و چهره به چهره اعضا با هم شده و فضای انفرادی را به جای فضای جمعی و اجتماعی خانواده حاکم می‌کند که این تعامل و ارتباط خانوادگی را کم‌رنگ‌تر می‌سازد»^۱.

۱۱. افزایش طلاق و گسست بنیان خانواده

یکی دیگر از آسیب‌هایی که در حوزه شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌گردد، سست شدن بنیان خانواده و افزایش طلاق است. از منظر اسلام، خانواده محبوب‌ترین بنای زندگی است؛ چنان‌که رسول الله ﷺ فرمود: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»^۲. رواج هرچه بیشتر استفاده از انواع شبکه‌های اجتماعی موجب گردیده که زوج‌های شکاک، افرادی را ترغیب کنند که در فضای مجازی به سراغ همسرشان بروند تا بدین وسیله میزان پابندی همسر خود را آزمایش کنند. اکثر جوانان و نوجوانان و بعضی از بزرگ‌ترها،

۱. همان، ص ۹۰-۹۱.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱.

شبکه اجتماعی را در حد ابزاری برای به اشتراک گذاشتن عکس‌ها، خاطرات و نظرها در بین دوستان و آشنایان می‌شناسند. این محیط مجازی در نگاه آن‌ها محیط خوبی برای یافتن دوستان قدیمی و تازه شدن روابط است؛ اما باید به این نکته نیز دقت داشته باشیم که در عصر ترافیک و انواع آلودگی‌های محیطی و اخلاقی، وجود این نوع تکنولوژی‌ها به انسان راحت‌طلب بهانه می‌دهد که صله رحم در دنیای واقعی و حضور در متن جامعه را ترک کند.^۱ کارین کنستانتین، وکیل آمریکایی، در خصوص تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر خانواده‌ها می‌گوید: «شبکه‌های اجتماعی، عامل اصلی اختلاف میان زوجین هستند. شما در بسیاری موارد که زوجین تصمیم به جدایی می‌گیرند، ردپایی از شبکه‌های اجتماعی را پیدا می‌کنید». همچنین نتایج یک مطالعه در انگلستان نشان داده که در حدود یک‌سوم تا یک‌پنجم طلاق‌های این کشور، به فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی نسبت داده شده است.^۲

۱ ایمان محکم‌کار و محمد مهدی حلاج، شبکه‌های اجتماعی به دنبال چه هستند؟، ص ۹۷، به

نقل از: روزنامه «The daily telegraph»، سال ۲۰۱۲.

۲. همان، ص ۹۸، به نقل از: ورلدنیز (World News)، سال ۲۰۱۲،

عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

مقدمه

تزلزل بنیان نظام خانواده، از عوامل بسیار خطرناکی است که به طور معمول، از عدم هماهنگی زن و شوهر نشئت می‌گیرد و آسیب‌های آن، نه تنها زن و شوهر و فرزندان، بلکه جامعه و نسل‌های بعدی را نیز تهدید می‌کند. از این رو، اسلام برای استحکام نظام خانواده، راهکارهای مناسبی را پیش‌بینی کرده که شناخت زمینه‌ها و عوامل فروپاشی آن، بخشی از این راهکارهاست. به همین جهت، خداوند دو رکن اساسی خانواده، یعنی زن و شوهر را به منزله لباسی قلمداد می‌کند که باید در تمام ابعاد زندگی هماهنگی داشته باشند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۱ زنانان، لباس شما و شما هم لباس آنها هستید.»

در این نوشتار، به بیان برخی عوامل و زمینه‌های تزلزل و فروپاشی نظام خانواده از نگاه آیات می‌پردازیم.

* پژوهشگر و استاد سطح عالی حوزه علمیه.

۱. بقره، آیه ۱۸۷.

۱. عدم همفکری زن و شوهر

از منظر اسلام، تناسب و همتایی همسران، امری انکارناپذیر است؛ به طوری که همتا نبودن همسران، زندگی مشترک را به جهنمی سوزان تبدیل می‌کند و همواره طرفین چنین آرزو می‌کنند که: «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ»^۱ ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود. چه همنشین بدی هستی!»

- خاطره‌ای از امام خمینی رحمته‌الله

در خاطرات ایشان آمده است:

«۲۸ سالم بود و هنوز زن نگرفته بودم. وقتی آقای لواسانی گفت: آقای ثقفی، دختر دارد و از آنها تعریف کرد، قلب من کوبیده شد. قبل از این، سرم به درس و کلاس گرم بود و فکر ازدواج را نکرده بودم. تا آن موقع، به کسی و خانواده‌ای فکر نکرده بودم. به اطرافیان که خیلی اصرار می‌کردند زودتر سروسامان بگیر، گفته بودم: نمی‌خواهم از خمین زن بگیرم. باید کسی را پیدا کنم که کفو هم باشیم. اگر قرار باشد درس بخوانم و ملاً شوم، زخم باید همفکر من باشد. باید از قم زن بگیرم؛ از یک خانواده روحانی و هم‌شأن خودم...»^۲

همسر امام رحمته‌الله نیز در این باره می‌گوید: «آقا جانم می‌گفت: «از طرف من ایرادی نیست و قبول دارم. اگر تو را به غربت می‌برد، آدمی است که نمی‌گذارد به قدسی جان بد بگذرد.» روی رفاقت چند ساله‌اش، روی آقا شناخت داشت.»^۲

۱. زخرف، آیه ۳۸.

۲. روزنامه خراسان، پنجشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۲، ش ۱۸۴۲۱، ص ۹.

قرآن کریم بر هم کفوبودن زن و شوهر تأکید نموده و می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»^۱ زنان پلید، سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید، سزاوار زنان پلید. زنان پاک، شایسته مردان پاک‌اند و مردان پاک، شایسته زنان پاک.» مولوی در توضیح این آیه می‌سراید:

خوب خوبی را کند جذب این بدان	طبیات و طیبین بر روی بخوان
در جهان هر چیز چیزی جذب کرد	گرم گرمی را کشید و سرد سرد
ناریان مر ناریان را جاذب‌اند	نوریان مر نوریان را طالب‌اند ^۲

۲. افشای اسرار خانواده

حفظ اسرار و رازهای پنهان خانواده، وظیفه هر زن و شوهری است. این امر، عامل مهم استحکام خانواده محسوب شده و افشای آن، عامل تزلزل بنیان خانواده می‌باشد. مولوی می‌گوید:

گفت پیغمبر که هرکه سرّ نهفت	زود گردد با مراد خویش جفت
دانه‌ها، چون در زمین پنهان شود	سرّ آن، سرسبزی بستان شود ^۳

اگر زن یا مردی نتواند این وظیفه مهم خانوادگی را رعایت کند، باید منتظر عواقب دردناک آن باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ ضَعُفَ عَنْ حِفْظِ سِرِّهِ لَمْ يَقْوِ لِسْرٍ غَيْرِهِ»^۴ کسی که نتواند رازدار اسرار خود باشد، نمی‌تواند اسرار دیگران را حفظ کند.»

۱. نور، آیه ۲۶.

۲. جلال‌الدین محمد مولوی، *مثنوی معنوی*، دفتر دوم، بیت ۸۰ - ۸۳.

۳. همان، دفتر اول، بیت ۱۷۶ - ۱۷۷.

۴. تمیمی آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۳۲۱.

- افشای راز پیامبر ﷺ

قرآن در سوره تحریم^۱ این امر مهم را یادآور شده که ممکن است فاش کردن اسرار، به فروپاشی خانواده بینجامد. در برخی تفاسیر ذیل این آیات آمده است: «هنگامی که پیامبر اکرم رازی را با یکی از همسرانش در میان نهاد، او آن را فاش نمود. هنگامی که پیامبر به همسرش خطای او را گوشزد کرد، پرسید: چه کسی تو را از این راز نهانی آگاه ساخت؟ فرمود: خداوند دانا و آگاه، آن را به من اطلاع داد.»^۲

در این سوره، همچنین خداوند متعال آن همسر خطاکار را توبیخ کرده و یادآور می‌شود که این عمل ناپسند، ممکن است موجب جدایی او از همسرش گردد. پس، باید توبه کند: «اگر توبه کنید، به نفع شماست؛ زیرا دل‌هایتان از حق منحرف گشته. اگر همین طور با افشای اسرار خانوادگی بر ضد همسر بزرگوارتان اقدام کنید، کاری از پیش نخواهید برد؛ زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان، پشتیبان اویند. امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عبادت‌کننده، مهاجر، غیرباکره و باکره.»^۳

۳. نادیده گرفتن حقوق یکدیگر

نظام خانواده، همانند سایر نظام‌ها، دارای قوانین ویژه و حقوق دوسویه اعضای آن است. اگر اسلام برای مرد حقوقی را در نظر گرفته، برای زن نیز امتیازهایی

۱. تحریم، آیه ۳-۵.

۲. ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۹۴.

۳. این آیات، در مورد فاش نمودن یک راز خانوادگی، از سوی یکی از همسران رسول خدا ﷺ نازل شده است.

قابل می‌باشد. خداوند می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۱ برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای نیز قرار داده شده است.»

رعایت متقابل حقوق زن و شوهر، برای هر خانواده‌ای ضرورت دارد. اگر یکی از طرفین از انجام وظایف خود کوتاهی کند و یا بیش از محدوده اختیارهای خود قدم بردارد، کشتی خانواده در گرداب اختلاف گرفتار خواهد شد. چنانچه از همان روز نخست دختر و پسر که با همدیگر پیمان وصلت می‌بندند، حقوق و وظایف همدیگر را بشناسند و در رعایت آن تلاش نمایند، مشکلات زندگی کاهش خواهد یافت و دنیایی آرام و توأم با سعادت و خوشبختی را در پیش رو خواهند داشت. درحقیقت، پیمان زناشویی به معنای پذیرش پایبندی به حقوق است و مؤمن، هرگز عهد و وفای خود را فراموش نمی‌کند: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛^۲ [اهل ایمان] کسانی هستند که همواره مراعات‌کننده امانت‌ها و پیمان‌های خویش هستند.»

در اینجا به دو نمونه از عواملی که در اثر کوتاهی زوجین، به تیرگی روابط آنان منجر می‌گردد، اشاره می‌کنیم:

- نافرمانی از شوهر

خداوند بانوان شایسته را متواضع و مطیع معرفی می‌کند: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ؛^۳ زنان صالح، مطیع و فرمان‌بر هستند.» حضرت فاطمه علیها السلام به همسرش عرض کرد: «از روزی که با تو زندگی مشترکم را آغاز کرده‌ام، هرگز با تو مخالفت

۱. بقره، آیه ۲۲۸.

۲. مؤمنون، آیه ۸.

۳. نساء، آیه ۳۴.

نموده‌ام.^۱

از آنجایی که خداوند متعال طبق فطرت، مدیریت خانه را به مرد سپرده و بانوان مسلمان را نیز موظف به اطاعت از همسرانشان نموده^۲، سهل‌انگاری و عدم توجه به این امر، سرانجام ناخوشایندی را در خانواده به وجود خواهد آورد. ستیزه به جایی رساند سخن که ویران‌کننده‌ی کاه‌های کهن^۳ ناگفته نماند که برخی مردها با بهانه‌ی قرارداد این آیه، مسئولیت خود را در قبال همسرشان نادیده می‌گیرند و فقط بر اطاعت یک‌طرفه اصرار می‌ورزند؛ بدون اینکه حقوق زن را مدّ نظر داشته باشند؛ درحالی‌که وجوب اطاعت زن از شوهر، محدودیت دارد و موارد آن مشخص است؛ برای مثال، خروج زن از منزل در غیر موارد وجوب، به اذن شوهر وابسته است و در غیر استمتاع و امور مربوط به آن، واجب نیست دستورهای شوهر را اطاعت کند. اگر در این زمینه، شوهر مرتکب خلافی شود، زن علاوه بر مخالفت، وظیفه دارد وی را امر به معروف و نهی از منکر بنماید.^۴

- عدم توجه به آراستگی ظاهری

خداوند متعال آیات حجاب را نازل کرده و به زنان مؤمن دستور داده که آن را رعایت کنند؛ یعنی باید در مقابل نامحرمان، پوشش خود را حفظ و از عشوهرگری خودداری نمایند: «وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»؛^۵ همانند جاهلیت نخستین، زینت‌های خود را آشکار نکنید.» از منظر آیات، عفت و حفظ حجاب

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

۲. نساء، آیه ۳۴: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنان هستند.»

۳. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه.

۴. سید روح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۳، ص ۱۴۹.

۵. احزاب، آیه ۳۳.

برای زنان آن چنان اهمیت دارد که حتی به نوع پوشش، آهنگ صدا و آرایش آنان نیز در قرآن اشاره شده؛^۱ چنان که قرآن کریم فرموده: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»^۲ پس به ناز سخن مگوئید؛ [چون] آن که در دلش بیماری است، [به شما] طمع می‌ورزد.»

اما از سوی دیگر، اسلام تأکید می‌نماید که بانوان مسلمان در مقابل همسرانشان معطر و آراسته باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین زنان شما، زنی است که چون با همسرش خلوت کند، زره حیا را از خود دور سازد و چون از خلوت شوهرش بیرون آید، زره حیا را بر تن کند.»^۳

اگر بانویی این دستوره‌های سازنده را نادیده بگیرد، یعنی آراستگی اش را به بیرون منزل ببرد و در منزل نزد همسرش افسرده و پژمرده باشد، به بنیان مستحکم خانواده لطمه خواهد زد. در ضمن، آراستگی ظاهری، تنها به زن اختصاص ندارد؛ بلکه نظم و آراستگی، برای مردان نیز ضرورت دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»^۴ خداوند متعال، زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد.»

زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و سؤال کرد: حق مرد بر زن چیست؟ پیامبر فرمود: «بدون اجازه او، روزه مستحبی نگیرد و بدون اجازه وی، از خانه خارج نشود (در غیر موارد وجوب)؛ نیز خود را با بهترین عطرها خوشبو سازد، بهترین لباس هایش را بپوشد، با بهترین زیورها زینت کند و بدین صورت، صبحگاه و شبانگاه خویش را بر شوهر عرضه بدارد و حقوق مرد، بیشتر از

۱. احزاب، آیه ۵۹؛ نور، آیه ۲۰.

۲. احزاب، آیه ۳۲.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۳۲۴.

۴. همان، ج ۶، ص ۴۴۲.

اینهاست.^۱

در مقابل، مرد نیز همین وظیفه را در مورد همسرش دارد؛ باید نظیف و پاکیزه، خوشبو و خوش لباس باشد، به اصلاح سروصورتش برسد و در منزل زیبا زندگی کند. حسن بن جهم، روزی به محضر امام رضا علیه السلام مشرف و متوجه شد که امام ظاهری مرتب و آراسته دارد و خضاب^۲ هم کرده است. با تعجب پرسید: آیا خضاب کرده‌اید؟ امام فرمود: آری، با حنا و برگ نیل خضاب کرده‌ام؛ مگر نمی‌دانی که این کار سود فراوان دارد؛ از جمله آنکه همسرت دوست دارد در تو همان زیبایی و آراستگی را ببیند که دوست داری در او ببینی. زنانی در اقوام گذشته از دایره عفت بیرون شدند و فاسد گشتند و چنین نشدند، مگر به واسطه کم‌توجهی شوهرانشان به آرایش خود.^۳

۴. سوء ظن

در زندگی مشترک زن و مرد، گاهی آنان به گمانه‌زنی پرداخته، بدون یقین، قضاوت‌ها و برخوردهای شتاب‌زده‌ای از خود نشان می‌دهند و در نتیجه، روابط آنها دچار تیرگی می‌شود. این مسئله، ممکن است از جزئی‌ترین مسائل گرفته تا زوایای دیگر زندگی را دربرگیرد. بدگمانی زن به مرد و برعکس، معمولاً در عرصه‌هایی چون: رفت‌وآمدها، نوع رفتارها، غذا خوردن‌ها، مهمانی‌ها و سایر ابعاد زندگی مشترک بروز می‌کند.

مسلمان همواره در مقابل حوادث و اتفاقاتی که در زندگی‌اش رخ می‌دهد،

۱. همان، ج ۵، ص ۵۰۸؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

۲. آنچه موی سر و صورت یا پوست بدن را با آن رنگ کنند؛ مثل حنا، وسمه و یا سایر لوازم آرایشی که انسان به وسیله آنها ظاهرش را زیبا و گلگون می‌کند.

۳. حسن طبرسی، *مکارم الأخلاق*، ص ۸۱.

با روحیه‌ای خوش‌بینانه با آن برخورد می‌کند و خود را موظف می‌داند که نسبت به پیرامون خویش، نظر مثبت داشته باشد و تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده و دلایل روشن به دست نیامده، رفتار خوش‌بینانه‌اش را ادامه دهد. قرآن کریم مؤمنان را از سوء ظن نسبت به افراد برحذر داشته، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانه‌زنی‌ها پرهیز کنید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها، گناه است و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید.»

خداوند متعال برای جلوگیری از عواقب ناشایست سوءظن، در همه عرصه‌ها از جمله در خانواده‌ها، دستورهای محکمی صادر کرده و در مورد کسانی که به دلیل سوءظن، به زنان پاکدامن تهمت می‌زنند، به قاضیان شرع فرمان می‌دهد: «کسانی که به زنان پاکدامن، نسبت‌های ناروا می‌دهند، اگر چهار شاهد نیاورند، بر ایشان هشتاد تازیانه بزنید و دیگر شهادت آنان را نپذیرید که فاسق‌اند.»^۲

- بدینی خانم‌ها

در مقابل، خانم‌ها نیز با سوءظن بیجا خانواده‌شان را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهند. زنی به شورای داورى شکایت کرد و گفت: یکی از دوستانم گفت: شوهرت به خانه زنی رفت و آمد دارد. او را تعقیب کردم و دانستم که حقیقت دارد. بسیار ناراحت شدم و به خانه پدرم رفتم. اکنون از شما می‌خواهم که شوهر خطاکارم را تنبیه کنید.

۱. حجرات، آیه ۱۲.

۲. نور، آیه ۴.

شوهر ضمن تأیید سخنان زن، گفت: برای خرید دارو به داروخانه رفتم. ضمن خرید متوجه شدم زنی که برای خرید شیرخشک به داروخانه آمده، پولش کم است. به او کمک کردم و بعداً که فهمیدم زن بیوه و بیچاره‌ای است، به کمک‌هایم ادامه دادم. داوران پس از تحقیق متوجه حسن نیت شوهر شدند و آنان را آشتی دادند.^۱

۵. دروغ‌گویی

دروغ، از ویژگی‌های افراد پست است. در مقابل، راست‌گویی از واژه‌های مقدس کلام وحی است که بیش از ۱۵۵ مورد با مشتقاتش در قرآن آمده است؛ مثلاً خداوند مردان و زنان با ایمان را با صداقت توصیف کرده و می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»^۲ مؤمنان حقیقی، اهل راستی و راست‌گویی‌اند.

صفا و صمیمیت، در پرتو صداقت و راست‌گویی است؛ همچنان‌که کدورت و کینه و بی‌اعتمادی، در اثر خدعه و فریب‌کاری و دروغ‌گویی است. زن و مردی که با همسرش صادقانه برخورد نکنند و با دروغ و فریب با خانواده‌اش رفتار نمایند، جایگاه او نزد اهل خانه متزلزل می‌شود و به مرور زمان، سبب انتقام‌جویی، توسط همسر و فرزندانش می‌گردد.

زندگی مشترک فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام، بهترین الگو برای خانواده‌های مسلمان است. آنان با عشق و صفا و محبت و صداقت با همدیگر زندگی می‌کردند؛ چنان‌که این سخن عاطفی در آخرین قسمت‌های گفتار حضرت فاطمه نسبت به همسر خویش، گواه این حقیقت است. فاطمه علیها السلام فرمود: «پسرعموی بزرگوارم! هیچ‌گاه در طول زندگی مرا دروغ‌گو و خیانتکار ندیدی و از روزی که با تو زندگی

۱. همان، ص ۱۶۸.

۲. حجرات، آیه ۱۵.

مشترک را آغاز کرده‌ام، هرگز با تو مخالفت ننموده‌ام.»^۱ امام علی علیه السلام صادقانه پاسخ داد: «پناه بر خدا، ای دختر پیامبر! تو نسبت به خدا داناتر و نیکوتر و پرهیزکارتر و بزرگوarter از آنی که بخواهم در مورد مخالفت با خود، تو را سرزنش نمایم.»^۲

۶. خیانت

زن و شوهر مسلمان در یک خانواده، هم‌رنگ و هم‌دل و هم‌مرام‌اند. پنهان‌کاری و خیانت، در روابط آنان راه ندارد و کاملاً به یکدیگر اعتماد دارند و این رفتار آنان، درس زندگی برای فرزندانشان می‌باشد.

اگر خدای ناکرده زن یا شوهر بخواهد از اعتماد همسر خویش سوء استفاده کرده و خیانت نماید، قطعاً زندگی خود و همسر و فرزندانش را در معرض نابودی قرار خواهد داد و از خیانت خود بهره‌ای نخواهد برد؛ چراکه عاقبت خیانت، بیچارگی فرد خیانتکار است. قرآن می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ»^۳ همانا خداوند نیرنگ خیانت‌پیشگان را به جایی نمی‌رساند.»

خیانت مرد به زن، انواعی دارد که از جمله آنها می‌توان به: آزار همسر، چشم‌چرانی، روابط نامشروع با دیگری، خودداری از پرداخت حقوق زن و یا نسبت‌دادن‌های ناروا به او، اشاره کرد.

خیانت زن به مرد هم صورت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ مانند:

- خیانت مالی: یعنی زن در غیاب مرد، بی‌اذن او در اموال شوهر تصرف کند.

- خیانت آبرویی: یعنی زن اسرار شوهر را افشا نماید و او را نزد دیگران بی‌آبرو

کند و یا اینکه با مرد اجنبی رابطه نامشروع داشته باشد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

۲. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۱.

۳. یوسف، آیه ۵۲.

خیانت، از منظر قرآن در شمار صفات کفار و منافقان است.^۱ فرد خیانت‌کننده به خانواده، در ردیف آنان قرار می‌گیرد و خداوند بارها نفرت خود را از خائنان بیان فرموده است؛ از جمله: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا»^۲ همانا خداوند خیانت‌پیشگان گنهکار را دوست ندارد.»

۷. توقعات بیجا

از عوامل مهم فروپاشی خانواده‌ها، توقعات بیجاست که بیشتر مواقع به طلاق منجر می‌گردد. زن یا مردی که همواره همسر خود را با دیگران مقایسه می‌کند و سطح زندگی‌اش را بدون توجه به قدرت مادی و توانایی‌های ذاتی خانواده‌اش می‌سنجد، نمی‌تواند زندگی آرامی داشته باشد؛ چراکه دست‌بالای دست همواره وجود دارد و انسان در مسابقات مادی نمی‌تواند به‌آنهایی که از او جلوترند، برسد. به همین جهت، قرآن کریم از چشم‌وهم‌چشمی نهی کرده: «وهرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن. اینها شکوفه‌ها و مظاهر زندگی دنیاست تا آنان را بیازماییم و روزی پروردگارت، بهتر و پایدارتر است.»^۳

آموزه‌های اسلامی به ما مسلمانان می‌آموزد که همواره در مقابل نعمت‌هایی که داریم، شکر نموده و در مسائل مادی، به طبقات پایین‌تر از خود نگاه کنیم و هرگز افکار خویش را با تقلید از دیگران، توقعات بیجا و چشم‌وهم‌چشمی‌ها مشوش نسازیم؛ وگرنه با بهانه‌ها و انتظارات بی‌مورد، زندگی مان آرامش خود را از دست خواهد داد.

۱. مانده، آیه ۱۳؛ انفال، آیه ۵۸.

۲. نساء، آیه ۱۰۷.

۳. طه، آیه ۱۳۱.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در زندگی دنیوی، همواره به کسانی نگاه کن که رتبه پایین‌تری از تو دارند؛ تا در مقابل نعمت‌ها و الطاف بی‌پایان خداوند، شاکر و سپاسگزار باشی و خود را شایسته افزایش نعمت‌های الهی قرار داده، جود و بخشش الهی را به سوی خود جذب کنی.»^۱

۸. طرح اختلاف، نزد دیگران

اگر میان زن و مرد اختلافی پیش آید، چه زیباست که اول خود به حل آن اقدام نمایند و بدانند که کسی از خودشان برای رفع کدورت و حل اختلافات، شایسته‌تر نیست. عذرخواهی ساده طرفین، به حل مشکل کمک می‌نماید و از شکل‌گیری خطاهای آینده جلوگیری می‌کند.

اگر اختلاف به بیرون از منزل انتقال یابد، اسرار خانواده فاش می‌گردد و از استحکام بنیان خانواده کاسته خواهد شد. قرآن در توصیف همسران شایسته می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲؛ همسران صالح، آنهایی هستند که متواضع‌اند و در غیاب همسر خود، اسرار خانواده را حفظ می‌کنند.»

- داوران محرم

در صورت حل نشدن اختلافات خانوادگی در داخل منزل، در مرحله دوم، قرآن راهکار شایسته‌ای را به زوجین پیشنهاد می‌کند: «اگر در زندگی مشترك، از ایجاد شکاف و اختلاف در روابط خود بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید. چنانچه این داور صلاحیت و تصمیم به

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۳۷.

۲. نساء، آیه ۳۴.

اصلاح داشته باشد، خداوند او را به این کار موفق می‌گرداند و همانا خداوند، دانا و آگاه است.»^۱

بنابراین، نباید اختلاف‌های خانوادگی را به بیرون از خانواده منتقل کرد. افراد نادان، سودجو و غیرصادق، با دخالت‌های بیجا اختلاف‌ها را تشدید کرده، سبب فاش شدن اسرار و نابودی نظام خانواده خواهند شد.

۹. عدم توجه به زمینه‌های اختلاف

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی، آرامش است. اگر مردی در منزل، آرامش لازم را برای زندگی نداشته باشد، روحی افسرده و اعصابی ناراحت خواهد داشت. همچنان‌که زن اگر امنیت، آسایش و رفاه را که برای یک بانوی مسلمان لازم است، نداشته باشد، وظایف خود را به‌خوبی نمی‌تواند ایفا کند. از این‌رو، قرآن کریم در مورد حالات و ویژگی‌های زنانه، به مردان سفارش کرده است.^۲

اگر زن و مرد، زمینه‌های لازم در عرصه جسم و روان را رعایت کنند، بی‌تردید، بسیاری از کشمکش‌ها و اختلاف‌های ناشی از خستگی و افسردگی روحی حل خواهد شد. مرد عاقل، هرگز ناراحتی‌های بیرون از منزل را به داخل خانه نمی‌برد و کدبانوی فهمیده خستگی‌ها و مشکلات داخل منزل را زمینه پرخاش و قهر و اخم قرار نمی‌دهد.

شوهری می‌گوید: «روزی به خانه رفتم و دیدم همسرم عصبانی است و بدون جهت، به من تندی می‌کند. تعجب کردم. بعد از مدتی، چهره‌اش باز شد و با ملایمت گفت: فلانی! می‌دانی که من تو را دوست دارم و به زندگی‌ام علاقه‌مندم. امروز در هوای سرد، لباس شسته بودم و لباس‌ها چند بار روی زمین

۱. نساء، آیه ۳۵.

۲. بقره، آیه ۲۲۲.

افتاده بود و بچه‌ها هم مرا اذیت کرده بودند، ناخواسته عصبانی بودم و به تو تندی کردم. بعد از این، بدان که عصبانیت و تندی من همیشه همین طور است و جدی نیست. ازت ناراحت نیستم و هرگز خیال نکنی تو را دوست ندارم.

به او گفتم: پس بدان من هم که گاهی اوقاتم تلخ می‌شود و تندی می‌کنم، از روی عدم علاقه به تو، فرزندان و خانواده نیست؛ بلکه مشکلات بیرون مرا ناراحت می‌کند و با حالت عصبانیت و اوقات تلخی وارد خانه می‌شوم. ممکن است، تندی و ترش‌رویی کنم؛ اما بدان که عصبانیت من ناخواسته بوده و جدی نیست. او می‌گوید: از آن زمان، بیش از ۱۵ سال می‌گذرد و دیگر میان ما نزاع و بگومگویی پیش نیامده است.^۱

سزاوار است که زن و شوهر مسلمان، زمینه‌های اختلاف را از بین ببرند و ناراحتی‌ها را وسیله بدخلقی و عصبانیت قرار ندهند. پیامبر ﷺ فرمود: «يَسُدُّ جَوْعَتَهَا وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَلَا يَبْحَثُ لَهَا وَجْهًا»^۲ حق زن بر شوهرش این است که او را گرسنه نگذارد و بدنش را بپوشاند و هیچ‌گاه با چهره‌ای درهم‌کشیده و اخم‌کرده با او برخورد نکند.^۳

علی عليه السلام نیز فرمود: «مؤمن، در برخورد با اعضای خانواده و سایر مؤمنان، خوش‌رو است و اندوه و غصه‌اش را در دل دارد.»^۴

۱۰. تنگ‌نظری در رفاه خانواده

از جمله عواملی که خانواده را نابود می‌کند، عدم توجه به مسائل رفاهی است. سخت‌گیری‌های بی‌مورد مرد، در روح و روان همسر و فرزندان، آثار بدی بر

۱. سید جواد مصطفوی، بهشت خانواده، ص ۲۰۰ (با اندکی ویرایش).

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۱.

۳. ابن فهد حلی، علة الداعی، ص ۹۱.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۶۵.

جای می‌گذارد. اگر مردی خسیس و تنگ‌نظر باشد و زندگی را نسبت به زن و فرزندان سخت بگیرد و با وجود مکنت و برخورداری از مال، دست‌گشاده و چهره‌ای باز نداشته باشد، زندگی او به جهنم تبدیل خواهد شد. درگیری‌های لفظی و بدبینی و نفرت، در چنین خانواده‌ای حاکم شده و آرامش و آسایش از فضای خانه رخت خواهد بست. خداوند در وصف حال چنین افرادی می‌فرماید: «لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا؛^۱ اگر شما خزانه‌دار رحمت پروردگارم بودید، قطعاً از ترس انفاق [و تهیدستی]، چیزی به کسی نمی‌دادید. و انسان، تنگ‌نظر و بخیل است.»

از منظر اهل بیت علیهم‌السلام کسی که زندگی را بر زن و اهل خانه تنگ می‌گیرد و آنان را وامی‌دارد حسرت لقمه‌ای را بخورند، از رحمت خدا دور است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ؛^۲ لعنت‌شده، لعنت‌شده کسی که سنگینی خود را بار دیگران کند. لعنت‌شده، لعنت‌شده است کسی که بر خانواده‌اش سخت‌گیرد و [حق] آنان را ضایع گرداند.» امام رضا علیه‌السلام فرمود: «يَتَّبَعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلًا يَتَمَتَّعُوا مَوْتَهُ؛^۳ شایسته است که انسان بر اهل و عیال خود وسعت و گشایش دهد تا مرگ او را آرزو نکنند.»

۱. اسراء، آیه ۱۰۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۱.

احکام کاربردی محرم و نامحرم

حجت الاسلام والمسلمین محمود اکبری*

سهل انگاری در احکام

برخی افراد در انجام وظایف خود سهل انگاری می کنند. به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۱. بقا بر تقلید، بدون اذن و داشتن مرجع زنده؛
۲. عدول های سلیقه ای بدون ضابطه از مرجعی به مرجع دیگر؛
۳. تیمم کردن در جایی که وظیفه، چیز دیگری است؛
۴. پوشیدن جوراب در برابر نامحرم توسط برخی خانم ها؛
۵. نشسته خواندن نماز واجب برای کسی که امکان ایستاده خواندن دارد؛
۶. خجالت و کمرویی برای انجام وظیفه شرعی؛
۷. تأخیر در نماز اول وقت، بدون عذر شرعی؛
۸. رعایت نکردن حجاب در برابر نامحرمان فامیل؛
۹. به تأخیر انداختن نمازها و روزه های قضا شده؛
۱۰. نگرفتن روزه به خاطر گرمی هوا و بلندی روز یا کار سخت و...؛
۱۱. سهل انگاری در تصحیح قرائت نماز و... .

* پژوهشگر و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

گفت‌وگوهای حرام

گفت‌وگوی سازنده، رمز ارتباط، نشاط و کمال است و به آن سفارش شده؛ اما برخی از گفت‌وگوها حرام است. به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱. از جهت محتوا، مانند ناسزا، سخنان گمراه‌کننده، خلاف عفت عمومی

و...

۲. حرف‌های رکبیک اگر مستلزم اهانت یا مشتمل بر حرام باشد.^۱

۳. گفت‌وگوی محرک و فسادآور، چه با نامحرم و چه با غیر آن مگر همسر.^۲

۴. گفت‌وگو با نامحرم در صورتی که همراه با لذت باشد؛ چه گفت‌وگوی

مستقیم و چه از طریق تلفن، موبایل و...^۳

لباس‌های حرام

لباس یکی از نیازهای انسان است که باید با شاخصه‌های زیر تهیه شود:

۱. از پول حلال باشد و از پول ربا، رشوه و... نباشد؛^۴

۲. محرک نباشد؛ همچون لباس کوتاه و تنگ؛^۵

۳. لباس شهرت نباشد؛ همچون لباسی که از نظر رنگ یا دوخت، شخص

را انگشت‌نما کند؛^۶

۴. لباس مخصوص کفار و نیز مروج فرهنگ آنان نباشد؛ همچون لباس

کشیشان، صلیب و...؛^۷

۱. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۲۴۱.

۲. سیدمحمد کاظم طباطبایی، عروة الوثقی، ج ۲، نکاح، م ۳۹.

۳. استفتانات بهجت، ج ۴، ص ۱۹۵ و محسن محمودی، مسائل جدید، ج ۲، ص ۳۳.

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۸۶.

۵. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰۳، س ۱۰۶۷.

۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۸۴۵.

۷. سیدمسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۹۹.

۵. از نظر جنس نازک و برای مردان حریر خالص نباشد؛^۱
۶. پوشیدن لباس مختص زن یا مرد، در صورتی که زنی آنان قرار گیرد حرام است؛ مانند چادر برای مرد و کت و شلوار مردانه برای زن؛^۲
۷. پوشیدن جوراب نازک برای زنان در برابر نامحرم جایز نیست.

نگاه‌های حرام

۱. نگاه به چهره آرایش کرده زن؛
۲. نگاه به زیورآلات زن (نگاه به محل زینت)؛
۳. نگاه به عکس بی حجاب زن آشنا؛^۳
۴. نگاه به عکس‌های مهیج؛
۵. نگاه با ریه (ترس افتادن به حرام) به محارم؛^۴
۶. نگاه کردن مرد به بدن نامحرم (چه با قصد لذت و چه بدون آن)؛^۵
۷. نگاه کردن مرد با قصد لذت به بدن مرد دیگر و زن به بدن زن دیگر؛^۶
۸. نگاه کردن به عورت دیگری؛^۷
۹. نگاه به داخل خانه دیگران؛^۸

-
۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۸۳۴.
 ۲. همان، م ۸۴۶.
 ۳. مکارم شیرازی، احکام بانوان، ص ۳۳، س ۴۴ و ۴۵.
 ۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۳۷ و ۲۴۳۸.
 ۵. همان، م ۲۴۳۳.
 ۶. همان، م ۲۴۳۸.
 ۷. همان، م ۲۴۳۶.
 ۸. گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۳۴، م ۱۸ و سیدمسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۱۵۵.

۱۰. نگاه تند به پدر و مادر؛
۱۱. نگاه به فیلم‌های مبتذل و فاسد (فرقی بین متأهل و مجرد نیست)؛^۱
۱۲. نگاه به چیزی که موجب ضرر به چشم است.

راه‌های محرمیت

زن و مرد از سه راه به یکدیگر محرم می‌شوند:

۱. نسب و خویشاوندی؛
۲. ازدواج دائم یا موقت؛
۳. شیردادن به کودک با شرایط خاص.

ازدواج و محرمیت

شکی نیست که با ازدواج برخی از نامحرمان، همچون پدرشوهر و مادرزن بر زن و شوهر محرم می‌شوند؛ ولی برخی از نامحرمان، محرم نمی‌شوند؛ همچون: نامادری به داماد و ناپدری به عروس، عموی داماد به عروس، خواهرزن به داماد، برادرشوهر به عروس و شوهرخواهر به خواهر.

شش نکته دربارهٔ حجاب

۱. حجاب یکی از ضروریات دین، رعایت آن در برابر نامحرمان واجب و بی‌اعتنایی به آن گناه است؛ چه در برابر نامحرمان فامیل و چه نامحرمان غیرفامیل؛ چه در زمان شادی و چه در زمان عزا.
۲. اگر موی زن به‌طور غیرعمد بیرون باشد، گناه نیست؛ ولی از زمانی که متوجه شد، باید خود را از نامحرمان بپوشاند.^۲

۱. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۳۲۹ و آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۹۹.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵.

۳. عادی بودن عدم پوشش نامحرمان در مقابل شخص، دلیل بر حرام نبودن بدحجابی و نگاه به نامحرم نیست.^۱
۴. رفتن بدون حجاب به حیاط منزلی که در معرض دید نامحرم است، صحیح نیست. اگر احتمال دید هست، فرد باید حجاب خود را حفظ کند.^۲ همچنین داخل خودرو اگر در معرض دید نامحرمان است، حفظ حجاب لازم است.
۵. حدود پوشش تمام بدن است؛ جز گردی صورت و انگشتان دست تا مچ و باید به گونه‌ای باشد که جلب توجه نکند و نباید نازک، تنگ و کوتاه باشد.
۶. نمایان بودن کف و روی پا در برابر نامحرمان جایز نیست؛ بنابراین کسانی که بدون جوراب در برابر نامحرمان ظاهر می‌شوند، کار حرامی انجام داده‌اند.^۳

اقسام نگاه به نامحرم

- یکی از دستوره‌های قرآنی، کنترل نگاه است.^۴ در یک دسته‌بندی می‌توان نگاه را به سه بخش تقسیم کرد:
۱. نگاه اتفاقی و ناخواسته؛ این نگاه - گرچه مقدمات آن را خود شخص فراهم کرده باشد - حرام نیست؛ مثلاً شخص به اختیار خود به کوچه و بازار رفته و چشمش به نامحرمان افتاده است.^۵

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی، *عروة الوثقی*، ج ۲، نکاح، م ۳۱.

۲. احکام نگاه و پوشش، *پرسش‌های برگزیده دانشجویی*، ش ۱۸، ص ۹۵.

۳. سید مسعود معصومی، *احکام روابط زن و مرد*، ص ۱۱۰.

۴. نور، آیات ۳۰ و ۳۱.

۵. *استفتائات مکارم*، ج ۲، ص ۱۰۳۶.

۲. نگاه عمدی به صورت نامحرم بدون قصد لذت و احتمال افتادن به گناه، بدون آن‌که نامحرم آرایش کرده باشد، مانعی ندارد.^۱

۳. نگاه با قصد لذت یا نگاه عمدی به بدن نامحرم حرام است و نمی‌توان با تعبیراتی مثل قصد بد نداشتن، نیت خواهر و برادری، دل پاک داشتن و... مشکل را حل کرد.

نگاه‌های مجاز

۱. نگاه بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه به چهره زن نامحرم؛
۲. نگاه بدون لذت به زن غیر مسلمان؛^۲
۳. نگاه به زنان کهن‌سالی که هیچ‌گونه رغبتی در ازدواج با آن‌ها نیست (البته جاهایی که به‌طور معمول نمی‌پوشانند، مانند موها، گردن و)؛^۳
۴. نگاه به زن نامحرم به قصد ازدواج با شرایط خاص (با لذت نگاه نکند، احتمال توافق ازدواج را بدهد، با نگاه کردن شناخت وی افزوده شود و مانعی برای ازدواج نباشد)؛
۵. نگاه به زن نامحرم، هنگام ضرورت؛^۴
۶. نگاه به عکس زن بدحجاب ناشناس؛
۷. نگاه کودکان ممیز به نامحرمان (ولی بانوان باید بدن و موی خود را از آنان بپوشانند)؛^۵

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۳.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۴۴، م ۲۷ (يجوز النظر الى نساء اهل الذمه بل مطلق الكفار مع عدم التلذذ و الریبة...) و استفتائات سبحانی، ص ۳۱۵، س ۹۷۱.

۳. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۸.

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۵ (و منها معارضته کل ما هو اهم فی نظر الشارع...).

۵. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵.

البته جواز نگاه‌های فوق در صورتی است که با قصد لذت یا ترس افتادن به گناه نباشد.

دوستی با نامحرم

۱. دوستی با نامحرم از نظر قرآن حرام است؛ چه با اطلاع و اجازه پدر باشد و چه بدون اجازه وی، چه با هدف ازدواج باشد و چه نباشد،^۱ چه دوستی با نامحرم فامیل باشد چه غریبه، چه قصد بدی در کار باشد، چه نباشد و چه با انگیزه‌های خیرخواهانه باشد، همچون راهنمایی دیگران، آموزش علمی، رفع افسردگی، چه نباشد، چه در محیط کاری با همکاران باشد و چه در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی.

۲. وساطت در دوستی‌های نامشروع نیز حرام است.

۳. وعده و قرار با چنین دوستانی حرام و سفر برای دیدار آن‌ها سفر معصیت است؛ باید در چنین سفرهایی نماز را کامل خواند. قرآن می‌فرماید: «لَا تُؤَاوِدُوهُمْ سِيراً»^۲ پنهانی با آن‌ها قرار نگذارید.

۴. اظهار دوستی به جنس مخالف جایز نیست؛^۳ حتی نباید کلمات خاصی را که برای محارم به کار می‌رود در رابطه با آنان مطرح کرد.

پرسش: اگر کسی به جنس مخالف بگوید دوستت دارم، چه حکمی دارد؟

پاسخ: جایز نیست؛ چون ترس افتادن به گناه در میان است.^۴

۱. استفتائات مکارم، ج ۲، س ۱۰۴۹ و ۱۰۷۵.

۲. بقره، آیه ۲۳۵.

۳. آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۶۴۰، ۶۵۱ و ۷۷۶ و صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۶۱.

۴. آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۷۷۶؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۶۱ و استفتائات مکارم، ج ۲، س ۱۰۴۹ و ۱۰۷۵.

۵. رابطه دوستی زن و مرد نامحرم حرام است.^۱
۶. دوستی زن و مرد نامحرم، نامه‌نگاری و تماس تلفنی با یک‌دیگر از نظر همه مراجع حرام است.^۲

تماس بدنی با نامحرمان

یکی از خط قرمزها و حدود ارتباط با نامحرمان، تماس بدنی با آنان است. در این زمینه به چهار نکته اشاره می‌شود:

۱. هرکس که نگاه کردن به او جایز نیست، تماس بدنی با او نیز جایز نیست؛ حتی زنان کهن‌سالی که نگاه کردن به آنان جایز است، تماس بدنی با ایشان حرام است.^۳
۲. تماس بدنی از روی لباس بدون قصد لذت مانعی ندارد.^۴ در نتیجه دست‌دادن با دستکش به نامحرم یا برخورد بدنی از روی لباس در وسایل نقلیه و اجتماعات عمومی، بدون قصد لذت مانعی ندارد.
۳. برخورد دست زن به دست مرد نامحرم هنگام پول‌دادن در خرید و فروش‌ها، ولو در حد برخورد انگشتان دست حرام است.^۵
۴. هنگام ضرورت و ناچاری مثل معالجه، نجات غریق و... تماس اشکالی ندارد؛ ولی باید به حد ضرورت اکتفا کرد.^۶

۱. محسن محمودی، مسائل جدید، ج ۵، ص ۷۳.

۲. همان، ج ۵، ص ۵۳.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی، عروة الوثقی، ج ۲، فصل نکاح، م ۴۷ و امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، نکاح، م ۲۰.

۴. همان، ص ۶۳۷.

۵. استفتائات مکارم، ج ۲، ص ۳۲، س ۱۰۲۷.

۶. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۳ و سیدمحمدکاظم طباطبایی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۶۷۲.

حدود محرمیت

بعضی از مردم گمان می‌کنند وقتی زن و مردی با هم محرم‌اند، می‌توانند به هر نحوی با هم معاشرت کنند؛ در حالی که محارم نیز باید بخشی از شرایط را رعایت نمایند؛ برای مثال خواهر نباید به بهانه محرم بودن، جلوی برادر با هر لباسی که دوست دارد رفت و آمد کند. برخی از این حدود عبارت‌اند از:

۱. اجازه گرفتن در ورود به اتاق شخصی افراد؛

۲. پوشش مناسب؛

۳. حفظ حریم در گفت‌وگوها؛

۴. جداکردن محل خواب دختر بچه و پسر بچه.

چهار نکته درباره زینت در برابر نامحرم

۱. آرایش و زینت در برابر مرد نامحرم حرام است.^۱

۲. هر چیزی که عرفاً زینت حساب شود، باید از دید نامحرم پوشیده شود؛ چه به قصد زینت باشد و چه نباشد، چه زیبا باشد یا نباشد.^۲

۳. مصادیق زینت عبارت‌اند از: انگو، دست‌بند، گردن‌بند، لاک‌زدن، سرمه کشیدن، استفاده از هر نوع لوازم آرایشی و...

سؤال: اگر در جایی شک کنیم که چیزی از موارد زینت است یا نه، تکلیف چیست؟ آیا باید پوشانده شود؟

پاسخ: خیر، پوشاندن آن واجب نیست.

۴. زینت کردن زن در عده وفات حرام است.^۳

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۹.

۲. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۷ و مکارم، احکام بانوان، ص ۱۹.

۳. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۲۷۶.

نگاه کردن به عکس نامحرم

۱. زنان می‌توانند به عکس مردان - چه بشناسند و چه نشناسند - نگاه کنند؛ مشروط بر این‌که به قصد لذت نباشد.^۱
۲. جایز نیست انسان عکسی را که می‌داند دیدن آن برای دیگری حرام است، به کسی نشان دهد.^۲
۳. دیدن عکس دوران کودکی زن نامحرم، اگر موجب هتک و تحریک نشود اشکال ندارد.^۳
۴. مرد می‌تواند برای آگاهی از زیبایی دختری که می‌خواهد با او ازدواج کند، عکس او را ببیند؛ گرچه او را بشناسد.^۴
۵. نگاه به عکس‌های مبتذل با قصد لذت و ریه حرام است؛ ولو او را نشناسد.^۵
۶. خرید، فروش و نگهداری عکس‌های مبتذل حرام است و باید آن‌ها را از بین برد.^۶
۷. مرد می‌تواند به عکس نامحرمی که حجاب خود را کاملاً رعایت کرده نگاه کند و اگر عکس بدون حجاب کامل باشد و او را بشناسد، نباید نگاه کند.^۷

۱. سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و شوهر، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۷۹، س ۶۲.

۳. تبریزی، صراط‌النجاه، ج ۱، س ۸۸۹ و سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۸۰.

۴. احکام نگاه و پوشش، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ج ۱۶، ص ۲۳۵.

۵. سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۴۴.

۶. استفتائات بهجت، ج ۴، ص ۵۲۶، س ۶۳۳۹ و محسن محمودی، مسائل جدید، ج ۳، ص

۸۳ و ۱۹۹.

۷. همان، ص ۴۴.

۸. اگر خانمی بداند چنانچه بدون حجاب کامل عکس بگیرد، عکس او در بین فامیل پخش می‌شود (مانند مجلس عروسی، جشن تولد) و نامحرم او را می‌بیند، جایز نیست بدون حجاب، عکس بپندازد.^۱
۹. نصب عکس‌های زنان نامحرم نیمه‌عریان در خانه که دیدن آن بر دیگران حرام است، جایز نیست.^۲
۱۰. اگر محرم عکس بی حجاب را بگیرد، ظاهرکردن آن به دست نامحرمی که صاحب عکس را می‌شناسد، حرام است.^۳
۱۱. نگاه کردن به آلبوم‌های عکس خانوادگی که در آن عکس فامیل بدون حجاب قرار دارد جایز نیست.^۴

اختلاط با نامحرمان

- اختلاط با نامحرمان جز برای پیرزنان مکروه و اگر در معرض فساد باشد، حرام است؛^۵ اما این امر در چند جا حرام است:
۱. اختلاط با نامحرمان در جایی که زنان، پوشش کافی ندارند؛ همچون: برخی از عروسی‌ها، میهمانی‌ها و بیمارستان‌ها که زنان بستری هستند.^۶
 ۲. در جمع‌هایی که زنان زینت کرده‌اند؛ همچون مجالس عروسی و جشن تولدها.

۱. همان، ص ۲۵۸.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. استفتانات امام خمینی علیه السلام، ج ۳، بهجت، حجاب، س ۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س ۱۱۸۸؛ فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۳۰ و مکارم، استفتانات جدید، ج ۱، س ۷۹۸.

۴. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۵۳.

۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۵، م ۴۹.

۶. سیدمسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۲۴۶.

۳. اختلاط در مراکز کاری، ورزشی یا برخی کلاس‌های به اصطلاح آموزشی که وضعیت مطلوبی ندارد و به‌نحوی مفسده در چنین جمع‌هایی وجود دارد.
۴. اختلاط در مسائلی همچون رقص زن و مرد.
۵. جلب توجه و خودنمایی در محیط‌های مردانه و زنانه.

نامحرمان فامیل و غریبه

در نامحرم بودن، فرقی بین فامیل و غریبه نیست. برخی در برابر نامحرمان غریبه رعایت لازم را دارند؛ ولی در برابر نامحرمان فامیل حدود شرعی را رعایت نمی‌کنند. عادی شدن روابط محرم و نامحرم، همچون ارتباط همکاران شغلی، استاد و شاگرد، دکتر و پرستار و... نشانه محرمیت نیست.

خلوت با نامحرم

۱. حضور مرد و زن نامحرم در جای خلوتی که کس دیگری نمی‌تواند وارد شود، جایز نیست و ماندن در آن مکان حرام است.^۱
۲. کار کردن زن و مرد نامحرم در مکان خلوتی که دیگران نمی‌توانند وارد شوند، اگر خلوت با نامحرم صدق کند یا خوف وقوع در حرام باشد، جایز نیست.^۲
۳. اگر در مکان خلوتی که دو نامحرم حضور دارند، شخص دیگری بتواند وارد شود، حتی بچّه ممیز، اشکال ندارد.^۳

ارتباط تلفنی با نامحرمان

یکی از منکرات تلفن و موبایل، ارتباط نامشروع با نامحرم است. در این رابطه،

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵ و آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، م ۶۳۱.

۲. محسن محمودی، مسائل جدید، ج ۵، ص ۵۱.

۳. استفتائات بهجت، ج ۴، ص ۱۸۸، س ۵۲۶۲.

پرسش‌های زیادی مطرح شده که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

پرسش: مکالمهٔ تلفنی بین پسر و دختر برای دوستی چه حکمی دارد؟

پاسخ: جایز نیست.^۱

پرسش: مکالمهٔ تلفنی پسر و دختر و مرادۀ طرفین برای دوستی، چه حکمی

دارد؟ اگر این‌گونه امور مقدمه‌ای برای تحقیق دربارهٔ ازدواج باشد چه صورتی

دارد؟

پاسخ: جایز نیست؛ مگر به مقداری که برای تحقیق در ازدواج ضرورت دارد.^۲

پرسش: برای ازدواج با دختری ارتباط تلفنی دارم، حکم آن چیست؟

پاسخ: ارتباط مستمر جایز نیست.^۳

پرسش: خریدن شارژ تلفن برای نامحرم چه حکمی دارد؟

پاسخ: هرچند هدیه‌دادن به نامحرم اشکال شرعی ندارد، چون این کارها غالباً

مقدمه‌ای برای روابط نامشروع با نامحرم است، جایز نیست.

اظهار عشق و محبت بین دختر و پسر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، مانند

مکالمهٔ تلفنی حرام است.^۴

فرستادن پیامک به نامحرم به صورت طبیعی اشکال ندارد؛ ولی ممکن است

به تدریج حالت هوسرانی و گناه پیدا کند؛ لذا باید از پیامک زدن به نامحرمان

خودداری کرد.

پرسش: نوشتن و تلفظ کلماتی همچون «دوستدار شما»، برای نامحرمان چه

حکمی دارد؟

۱. مکارم، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۳۵۷، س ۱۰۴۹.

۲. همان، س ۶۵۲؛ استفتائات خامنه‌ای، س ۷۸۲؛ امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، نکاح، م

۲۹ و مکارم، احکام بانوان، ص ۱۸۲، س ۶۵۲.

۳. استفتائات بهجت، ج ۴، س ۵۴۹۲.

۴. مکارم، استفتائات جدید، ج ۲، س ۱۰۴۹.

پاسخ: اگر این کلمات شهوت‌انگیز باشد، باید اجتناب شود.^۱
پرسش: حکم صحبت کردن تلفنی یا حضوری دختران و پسران که باعث
ایجاد نوعی احساس در دوطرف می‌گردد، چیست؟
پاسخ: جایز نیست.^۲

۱. استفتانات بهجت، ج ۴، س ۵۲۹۰.

۲. همان، س ۵۲۹۳.

کتابنامه

۱) کتابها

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش.
۲. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، *عدة الداعی ونجاح الساعی*، قم: دار الکتب اسلامی، اول، ۱۴۰۷ق.
۳. *استفتائات بهجت*، قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت، ۱۳۸۶ش.
۴. اکبری، ابوالقاسم؛ اکبری، مینا، *آسیب شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات رشد و توسعه، ۱۳۹۰ش.
۵. امانوئل کانت، دکتر غلامحسین شکوهی، *اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.
۶. امینی، ابراهیم، *آیین تربیت*، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۷. _____، *آیین همسر داری*، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، بیست و نهم، ۱۳۸۹ش.

۸. انصاری، حاج مرتضی، *زندگی و شخصیت شیخ انصاری*، قم: دبیرخانه کنگره بزرگداشت دو‌یستمین سالگرد شیخ اعظم انصاری، اول، ۱۳۷۳ ش.
۹. انصاریان، حسین، *عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)*، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. برناردز، جان، *درآمدی بر مطالعات خانواده*، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. بستان، حسین، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. بشیری، ابوالقاسم، *تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*، «اشتغال زوجین و آثار و پی‌آمدهای آن»، جلد دوم، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. بنت الشاطی، آمنه مادر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ترجمه: حسین اژدری آزاد، تهران: کتاب فروشی آتروپارت، بی‌تا.
۱۴. بنی‌هاشم خمینی، سید محمدحسن، *توضیح المسائل مراجع (۱۳ مرجع)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، نهم، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. بهشتی، احمد، *تربیت کودک در جهان امروز*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. پاک‌نیا، عبدالکریم، *تربیت در سیره و سخن امام حسن مجتبی علیه‌السلام*، قم: هجرت، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. _____، *حقوق متقابل والدین و فرزندان*، قم: کمال‌الملک، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. پرینگل، میاکلمز، *نیازهای کودکان*، ترجمه نیره ایجادی و جواد شافعی مقدم، تهران: رشد، بی‌تا.

۱۹. تبریزی، *صراط النجاه*، قم: دفتر نشر برگزیده، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. تشکری، زهرا، *به نقل از زن در نگاه روشن فکران*، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، اول، ۱۳۸۱ ش.
۲۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، *تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، *تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. _____، *تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم*، قم: پیام علمدار، اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. _____، *تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات، اول، ۱۳۶۶ ش.
۲۵. جان گری، *مردان مریخی و زنان ونوسی*، ترجمه: مهدی قراچه‌داغی، تهران: نشر پیکان، بیست و پنجم، ۱۳۸۱ ش.
۲۶. جعفری؛ نسیم و دیگران، «*خانواده و آسیب رسانه‌ای؛ رایانه و اینترنت*»، اصفهان: نشر آموخته، ۱۳۹۱ ش.
۲۷. جلال الدین سیوطی، *تفسیر الدر المنثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. جمعی از پژوهشگران، *گلشن ابرار*، قم: نشر معروف، ۱۳۷۹ ش.
۲۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چهارم، ۱۳۹۱ ق.
۳۰. _____، *وسائل الشیعه*، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. _____، *وسائل الشیعه*، تهران: اسلامی، اول، ۱۳۷۶ ق.

۳۲. _____، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیه‌السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۰۹ق.
۳۳. _____، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیه‌السلام لاحیاء التراث، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ق.
۳۴. _____، *وسائل الشیعه*، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: انتشارات مکتبه الإسلامیه، چهارم، ۱۳۷۹ق.
۳۵. حسن‌زاده آملی، حسن، *هزار و یک کلمه*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۳۶. حسین رضائیان بی‌لندی، *رساله و نقش والدین در تربیت فرزندان*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۰ش.
۳۷. حسین‌زاده، محمدرضا، *ازدواج و خانواده*، قم: نشر جمال، ۱۳۹۱ش.
۳۸. حسینی دشتی، سید مصطفی، *معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)*، تهران: صنعت شرق، اول، ۱۳۸۵ش.
۳۹. حسینی، مجتبی، *احکام نگاه و پوشش، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۵ش.
۴۰. حکیمی، محمد، *دفاع از حقوق زن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۱ش.
۴۱. حیدری رودخانه، زهرا، *آثار و پی‌آمدهای اشتغال زنان در تربیت فرزندان و اجتماع*، حوزه علمیه خراسان، ۱۳۹۱ش.
۴۲. حیدری، معصومه، *آداب رفتار با دختران*، کاشان: محتشم، ۱۳۹۰ش.
۴۳. خامنه‌ای، سیدعلی، *أجوبة الإستفتائات*، ترجمه: احمدرضا حسینی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، دوازدهم، ۱۳۸۶ش.
۴۴. خسروی، زهره و همکاران، *مبانی روان‌شناختی جنسیت*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات اجتماعی، اول، ۱۳۸۲ش.
۴۵. خمینی، روح‌الله، *تحریر الوسیله*، قم: انتشارات دار‌العلم، نهم، ۱۳۸۰ش.

۴۶. دانش، عصمت، *اشتغال زنان و مسائل آنها از چشم اندازهای مختلف*، تهران: نشر دریای اندیشه، ۱۳۸۲ ش.
۴۷. دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: مفاتیح قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۴۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، *مشرّب مهر، روشهای تربیت در نهج البلاغه*، تهران: دریا، ۱۳۸۷ ش.
۴۹. دنیل اسمیت، *چطور مثل انیشتین فکر کنیم*، ترجمه: سیامک دشتی، ایران بان، ۱۳۹۴ ش.
۵۰. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، زیر نظر جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
۵۱. ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)؛ *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش تهران.
۵۲. ستوده، هدایت‌الله، *درآمدی بر روان‌شناختی اجتماعی*، تهران: آوای نور، ۱۳۹۴ ش.
۵۳. سعدی شیرازی، گلستان، *تصحیح عزیزالله علیزاده*، تهران: فردوس، ۱۳۸۸ ش.
۵۴. سمرقندی، بحر العلوم، *بیروت: دارالفکر*، بی تا.
۵۵. سیدمسعود معصومی، *احکام روابط زن و مرد*، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۲ ش.
۵۶. سیستانی، *منهاج الصالحین*، قم: دفتر آیت‌الله سیستانی، ۱۳۸۸ ش.
۵۷. شیخ‌الاسلام، سیدجعفر، *پرورش کودک*، (بی جا): انتشارات امیری، ۱۳۷۰ ش.
۵۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *جامع الأحکام*، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۸ ش.
۵۹. صدیقی، اسماعیل، *رازقیت خالق، جهالت مخلوق*، تهران: اسوه، ۱۳۹۵ ش.

۶۰. الطباطبائی الیزدی، محمدکاظم، *العروة الوثقی؛ مع تعلیقات عدة من الفقهاء العظام*، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، سوم، ۱۳۹۰ ش.
۶۱. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، ترجمه: محمدحسین رحیمیان، قم: نشر مؤمنین، ۱۳۸۶ ش.
۶۲. _____ *مکارم الأخلاق*، تحقیق علاء آل جعفر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ ق.
۶۳. _____ *مکارم الأخلاق*، قم: نشر شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۶۴. _____ *مجمع البیان*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۶۵. طبسی، محمدجواد، *حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱ ش.
۶۶. طنطاوی، سید محمد، *تفسیر الوسیط*، قاهره: نهضت مصر، ۱۴۱۷ ق.
۶۷. عباسی ولدی، محسن، *بشقاب‌های سفره پشت بام‌مان*، قم: آیین فطرت، ۱۳۹۲ ش.
۶۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم: نشر رضی، اول، ۱۳۷۵ ش.
۶۹. _____ *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، تهران: نشر نی، اول، ۱۳۶۶ ش.
۷۰. فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه فردوسی*.
۷۱. فرهادیان، رضا، *تربیت برتر*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۷۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر، دوم، ۱۴۱۵ ق.
۷۳. قائمی امیری، علی، *پرورش مندهبی و اخلاقی کودکان*، تهران: امیری، ۱۳۶۳ ش.
۷۴. _____ *نقش مادر در تربیت*، تهران: امیری، ۱۳۸۷ ش.

۷۵. کرمی فریدنی، علی، شرح واژه‌های قرآن در ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: فراهانی، ۱۳۸۲ ش.
۷۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: علمیه اسلامیة، دوم، بی تا.
۷۷. _____، الروضة من الکافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، اول، ۱۳۶۴ ش.
۷۸. _____، الکافی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۹ ق.
۷۹. _____، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۸۰. _____، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
۸۱. _____، فروع کافی، قم: انتشارات قدس، ۱۳۸۸ ش.
۸۲. گلپایگانی، سید محمدرضا، مجمع المسائل، قم: بی تا، ۱۳۷۵ ش.
۸۳. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶ ش.
۸۴. لنکرانی، محمدفاضل، جامع المسائل، قم: ۱۳۷۶ ش.
۸۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۸۶. _____، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ ق.
۸۷. _____، بحار الأنوار، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۰ ش.
۸۸. _____، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
۸۹. محسن محمودی، مسائل جدید، ورامین: علمی و فرهنگی صاحب الزمان (عج)، ۱۳۸۴ ش.

۹۰. محمد احسانی، *نقش مادران در تربیت دینی فرزندان*، تهیه کننده مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷ ش.
۹۱. محمدحسن نجفی، *جواهر الکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ ش.
۹۲. محمدی ری‌شهری، محمد، *منتخب میزان الحکمه*، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، پنجم، ۱۳۸۵ ش.
۹۳. _____، *میزان الحکمه*، قم: دارالحديث، نهم، ۱۳۸۷ ش.
۹۴. مرتضی پور، اکبر، *شرح حال توماس ادیسون*، عطار، ۱۳۸۱ ش.
۹۵. مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت: مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ ق
۹۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰ ق.
۹۷. مصطفوی، سید جواد، *بهشت خانواده*، قم: نشر دار الفکر، ۱۳۸۰ ش.
۹۸. المقریزی، *امتاع الاسماع*، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، اول ۱۴۲۰ ق.
۹۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۰۰. _____، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۰۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، *استفتائات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۴۲۲ ق.
۱۰۲. مولوی، جلال‌الدین محمد، *مثنوی معنوی*، تصحیح نیکلسون، بی تا
۱۰۳. میر خلف‌زاده، قاسم، *قصص الدعاء*، قم: نشر روحانی، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۴. میشل، آندره (۱۳۵۴)؛ *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه: فرنگیس اردلان، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
۱۰۵. ناصری، محمد، *علامه جعفری*، دفتر انتشارات کمک آموزشی، اول، ۱۳۷۷ ش.

۱۰۶. نراقی، احمد، *معراج السعاده*، تهران: علمیه اسلامیه، ۱۳۴۸ ش.
۱۰۷. نراقی، احمد، *معراج السعاده*، تهران: علمیه اسلامیه، ۱۳۴۸ ش.
۱۰۸. نگارش، حمید، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، تهران: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۲ ش.
۱۰۹. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۰۷ ق.
۱۱۰. _____، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۱۱. نولان، پاتریک و لنسکی، گرهارد، *جامعه‌شناسی انسانی*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶ ش.
۱۱۲. محبوبه جمشیدی کوهساری و دیگران، *تأکید بر تربیت عقلانی؛ گامی اساسی در تربیت دینی*، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی.

۲) مقاله‌ها

۱. روزبهانی، مهین، *اشتغال زن از منظر قرآن و حدیث*، پایان‌نامه دانشگاه آزاد
۲. رضایی، سمیرا، پایان‌نامه سطح دو: *تأثیر مادر در تربیت دینی فرزند*، شورای عالی حوزه علمیه قم، مرکز علمیه الزهراء علیها السلام قروه، زمستان ۱۳۹۱.

۳) مجلات

۱. مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۸۳۲۴.
۲. مجله حوراء، *اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق*، (بهمن و اسفند ۱۳۸۴).
۳. ماه‌نامه نامه جامعه، اعظم نوری، *بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام*، شماره ۸۵، سال هفتم. مهر ۱۳۹۰ ش.

۴. فصل‌نامه مطالعات زنان، زهرا درویزه، بررسی رابطه هم‌دلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۲ ش.
۵. فصل‌نامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، بتول محشمی، اشتغال زنان، بایدها و نبایدها، شماره ۳.
۶. مجله پیام زن، نسرين دمیرچی، اشتغال زنان، فرصت‌ها و تهدیدها، شماره ۲۶۱، آذر ۱۳۹۲ ش.
۷. فصل‌نامه درس‌هایی از مکتب اسلام، زهرا نساجی، سال ۴۵، شماره ۶، شهریور ۱۳۸۴ ش.
۸. مجله گنجینه، ملیحه آقاجانی، رابطه اشتغال مادران و تربیت فرزندان، شماره ۵۴، ۱۳۸۴ ش.
۹. مجله پیام زن، فرهادیان فاطمه، پی‌آمدهای منفی اشتغال زنان بر خانواده، شماره ۲۱۹، خرداد ۱۳۸۹ ش.
۱۰. مجله پیام حوزه، داستان‌هایی از زندگی فقیه محقق مقدس اردبیلی، ش ۱۰ و ۱۱.
۱۱. ماهنامه نامه جامعه، گفت‌وگو با خانواده علامه جعفری، شماره ۱۴.
۱۲. مجله معارف، ابوالفضل ساجدی، مفهوم تربیت عقلانی در سبک اسلامی تربیت دینی، شماره ۹۷.
۱۳. مجله شمیم یاس، محمد احسانی، مادر معمار تربیت، خرداد ۱۳۸۶، شماره ۵۱.
۱۴. مجله پیام زن، احمد حیدری، پوشش، زیبایی و هنراست، شماره ۲۶۵.
- پاسدار اسلام، شیوه‌های اصلاحی رفتار کودکان و نوجوانان در فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۲۸۱.
۱۵. نشریه نسیم البرز، علی محمدنژاد، مُدگرایی، تیرماه ۱۳۸۳ ش.

۱۶. نشر پیام مهدی، الگوهای تربیت اجتماعی، رهنمودهای مهم تربیتی در قالب تمثیل و حکایت، [بی جا]، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. کاشانی، مجید؛ زارعی، سمیه، مطالعه‌ی جمعیت‌شناختی شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر کاربران فیس‌بوک در ایران، کتاب ماه علوم اجتماعی (ماهنامه تخصصی علوم اجتماعی)، سال شانزدهم شماره ۵۶، ۱۳۹۱ ش.
۱۸. خدامرادی، طاهره و دیگران، بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده (مطالعه‌ی موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان آموزش و پرورش استان ایلام)، فصلنامه فرهنگ ایلام، دوره پانزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، پاییز وزمستان ۱۳۹۳ ش.
۱۹. خانیکی، هادی؛ بابائی، محمود؛ فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی مفهوم و کارکردها فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، دوره اول، شماره ۱، پاییز وزمستان ۱۳۹۰ ش.
۲۰. محکم کار، ایمان؛ حلاج، محمد مهدی؛ شبکه‌های اجتماعی به دنبال چه هستند؟، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۲۱. محمدی سیف، معصومه و دیگران آسیب‌های اعتیاد به اینترنت در خانواده و انواع آن، فصلنامه تخصصی رسانه و خانواده، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، شماره دهم و یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.

۴) سایت‌ها

1. <http://www.hawzah.net>
2. <http://mazandnume.com>
3. www.jameneews.com
4. www.mouood.org
5. <http://www.mohammadivu.org>
6. <http://www.markazfeqhi.com/tafsir/news>

7. www.salamatnews.com
8. <http://titrel.ir/fa/news/>
9. <http://www.jamejamonline.ir/printable.aspx?newsnum>
10. <http://hamshahrionline.ir/details/160470>
11. <http://www.tebyan.net/newmobile.aspx/index.aspx?pid=93481>
12. <http://tahzib-howzeh.com>
13. <http://www.borhan.ir>
14. www.aftabir.com
15. <http://abdolghaem.ir/content>
16. <http://www.thinkingacademy.org>
17. <http://hamshahrionline.ir>
18. <http://www.jahannews.com>
19. <http://migna.ir/vdcgz79q.ak9nw4prra.html>
20. <http://janahonline.ir>
21. <http://ravazadeh.com>

۵) روزنامه‌ها

۱. روزنامه خراسان، پنجشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۲، ش ۱۸۴۲۱، ص ۹.
۲. روزنامه کیهان، خاطراتی از پدر و مادر استاد شهید مرتضی مطهری، ۱۳۹۱/۲/۱۰